

یک صد قاعده در روش تحقیق

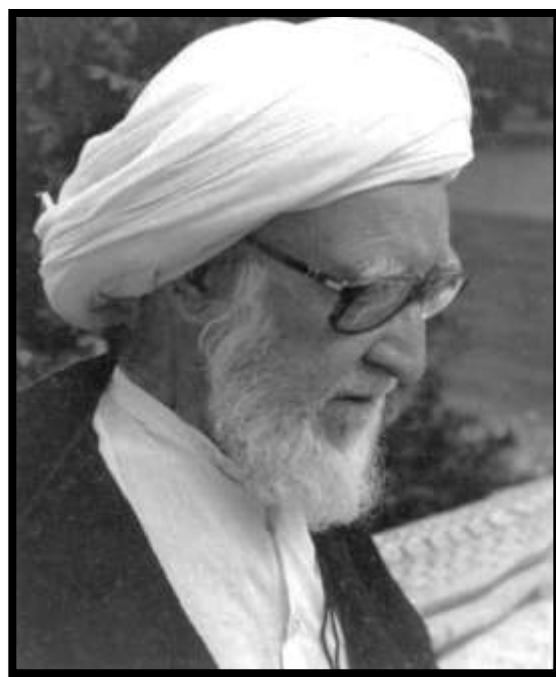
دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی

۱۳۹۲

بسم الله الرحمن الرحيم

اهداء به روح پر فتوح حضرت آيت الله

اعلى الله مقامه الشريف
مرحوم حاج شيخ ذيبيح الله ذيبيحى قوچانى



حق انتشار تجاری و غیر تجاری این کتاب با قید حفظ امانت در نقل و عدم تغییر کلی یا
جزئی مطالب آن (مگر آنکه با اطلاع و اجازه کتبی این جانب باشد) برای کلیه افراد و
ناشران آزاد است. کامیار صداقت ثمر حسینی

برشناسه: حداقت تمرحسینی، کامیار، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور: یکصد قاعده و روش در تحقیق/ کامیار حداقت تمرحسینی
مشخصات نشر: تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری: ۱۶۵ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۲۶-۹ ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۲۶-۹
وسيعیت فهرست نویسی: فلیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۶۱.
موضوع: علوم انسانی -- تحقیق -- روش‌شناسی
موضوع: تحقیق -- روش‌شناسی
رده پندی کنگره: AZ186: ۱۳۹۲: ۸۸/۴ص/۱۳۹۲
رده پندی دیوبی: ۰۰۱/۳۰۷۹
شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۰۱۵۰۹

یکصد قاعده در روش تحقیق

نویسنده: دکتر کامیار حداقت تمرحسینی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه

نوبت چاپ / سال نشر: چاپ اول / ۱۳۹۲

طراحی جلد: یوسف پهرخ

شمارگان: ۷۰۰ جلد

قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۲۶-۹ ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۲۶-۹

تمامی حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ می‌باشد.

فهرست مطالب

۱ - ۶	مقدمه
	فصل اول
۲۲ - ۷	شخصیت پژوهشگر
۸	۱. داشتن اهدافی والا
۱۰	۲. موفقیت در گرو خودشناسی
۱۳	۳. روحیه نقادی و انتقادپذیری
۱۴	۴. ارتقای مستمر سطح خواندن و نوشتن
۱۶	۵. رعایت اعتدال در زندگی
۱۷	۶. استمرار
۱۸	۷. شاگردی اساتید بزرگ
۱۹	۸. فعالیت عملی
۱۹	گفتاری از مرحوم علامه استاد جلال الدین همایی
	فصل دوم
۱۲۰ - ۲۳	علم و روش علمی
۲۳	۹. علم شناختی منضبط و سازمان یافته است.
۲۵	۱۰. پژوهش‌ها بر اساس اهداف پژوهشگران انواع مختلفی دارند.
۳۱	۱۱. پژوهشگر باید متوجه کاربردهای پژوهش خود باشد.
۳۲	۱۲. اقتضای برخی از پژوهش‌ها استفاده از روش‌های ترکیبی است.
۳۳	۱۳. مطالعات توصیفی، تحلیلی و نظریه‌پردازی
۳۸	۱۴. پاره‌ای از مطالعات مبتنی بر آینده‌پژوهی هستند.

ب یکصد قاعده در روش تحقیق

۴۲	۱۵. رعایت «اخلاق و ادب»
۴۲	۱۶. «اول شناخت، سپس حکم»
۴۳	۱۷. «تناسب روش با علم مورد نظر»
۴۶	۱۸. تمیز قیاس از استقراء
۴۷	۱۹. «هدفمندی در تحقیق»
۴۷	۲۰. «عدم اعتماد به گمان»
۴۸	۲۱. «تعیین درجه تشخیص شناخت»
۴۹	۲۲. «اگر نقل کننده هستی پس سند»
۵۰	۲۳. «اگر مدعی هستی پس دلیل»
۵۰	۲۴. «بیان حقیقت، همه حقیقت»
۵۱	۲۵. «پرهیز از ابهام و تعقید در متن»
۵۱	۲۶. «وحدت رویه در تحقیق»
۵۲	۲۷. «نگو درست نیست تا نمی‌دانی که درست چیست»
۵۲	۲۸. «رعایت اولویت در سند و دلیل»
۵۳	۲۹. «اصل مقدم بر فرع»
۵۳	۳۰. «عدم خروج از عرف زبان علمی مگر با دلیل محکم»
۵۳	مثال – نمونه‌ای از نام‌گذاری نادرست
۵۴	۳۱. «نگارش پس از تحقیق»
۵۴	۳۲. اولین قدم محقق، آخرین قدم او نباشد.
۵۵	۳۳. «محقق حق تشریع ندارد.»
۵۵	۳۴. «قرآن مصون از تحریف است.»
۵۶	۳۵. «رعایت حدود اپراز عقیده»
۵۶	۳۶. «تقلید ناپذیری در کسب اعتقادات»
۵۶	۳۷. «تفاوت کلام الهی با کلام بشری»
۵۷	۳۸. «ثبت اصول اعتقادی و اخلاقی و احکام اولیه اسلام»
۵۸	۳۹. ضرورت توجه به مصادر مختلف مذاهب اسلامی
۵۹	مثالی از اتکا به منابع و استدلال ضعیف در شناخت شیعه
۶۱	۴۰. توجه به روش‌شناسی‌های مختلف

فهرست مطالب

۴۱. تسلط بر منبع‌شناسی ۶۲

۴۲. توجه به بسامد اندیشه‌ها یا پدیده‌ها ۶۸

۴۳. تمایز میان دنیای نظریه‌پردازی با دنیای واقعی. ۶۹

۴۴. درک مفهوم فرصت در گرو درک مفهوم تمدید است. ۶۹

۴۵. جدایی ناپذیری ابعاد یک پدیده در دنیای واقعیت. ۶۹

۴۶. ضرورت توجه به امکان عینی تحقق فرضیه‌ها و ادعاهایا ۷۰

۴۷. ممانعت از تبدیل نظریه‌های غربی به صورت اصل خود بنیاد. ۷۱

۴۸. ضرورت توجه به گذشته علم مورد نظر ۷۱

۴۹. ضرورت توجه به طبقه‌بندی علوم ۷۲

۵۰. توجه به حدود احکام تعمیم ۷۳

۵۱. پرهیز از استناد به شنیده‌ها و اظهارنظرهای عجولانه ۷۳

۵۲. کوشش جهت شناخت بی‌واسطه مسایل ۷۴

۵۳. تمرکز بر رفع نیاز واقعی ۷۴

۵۴. ضرورت مشخص کردن رویکرد نظری در پژوهش. ۷۵

۵۵. ضرورت اجتناب از روحیه کتابی ۷۵

۵۶. یافتن دوستان و دشمنان یک اندیشه ۷۷

۵۷. ضرورت داشتن الگوهایی در پژوهش ۷۸

۵۸. لازمه یک تحقیق خوب آگاهی محقق از روش‌شناسی خود است. ۷۹

۵۹. شناخت نظام یافته مصادر علمی ۸۲

۶۰. ارائه اطلاعات علمی صحیح ۸۴

۶۱. اجتناب از نقل قول‌های حجم افزای ۸۸

۶۲. تهیه منابعی جهت مقایسه دیدگاه‌ها و وقایع ۸۹

۶۳. یادداشت نویسی منظم ۸۹

۶۴. استنادهای توضیحی و ارجاعی ۹۰

۶۵. ضرورت داشتن استدلال‌هایی صحیح ۹۱

۶۶. پژوهش مستلزم داشتن درک بالایی از زیبایی‌شناسی است. ۹۴

۶۷. داشتن نگاهی نقادانه ۹۶

۶۸. جهت افزایش قدرت نقادی خود مباحثه کنید ۱۰۳

ث یکصد قاعده در روش تحقیق

۶۹. کاهش اشتباهات از طریق مشورت با دوستان اهل فن.
۷۰. مشاهده؛ یکی از ابزارهای مهم پژوهش
۷۱. تفکیک وضعیت‌های مشارکتی و غیر مشارکتی
۷۲. تفاسیر بازیگران و تفاسیر ثانویه علمی
۷۳. ثبت مشاهدات
۷۴. گفت‌و‌گوی هدفمند با نخبگان
۷۵. گفت‌و‌گوی علمی باید قاعده‌مند و از روی برنامه باشد.

فصل سوم

۱۴۲ - ۱۱۵ انتخاب موضوع، پرسش، فرضیه و تعاریف
۱۱۵ پژوهش‌های اکتشافی زیربنای دیگر پژوهش‌ها
۱۱۶ انتخاب موضوع بر پایه خودشناسی و موضوع‌شناسی
۱۱۸ پرسش قطب‌نمای پژوهش است.
۱۱۹ ضرورت وجود مشکل فکری در پرسش
۱۲۱ هماهنگی عناصر پژوهش با پرسش‌های اصلی
۱۲۱ اسلوب بیانی پرسش: روان و مختصر و مفید
۱۲۳ توجه به تخصص، امکانات و محدودیت‌ها در طرح پرسش‌ها
۱۲۴ تنها برخی از تحقیقات فرضیه دارند.
۱۲۶ فرضیه پاسخی علمی به پرسش است.
۱۳۰ تناسب فرضیه‌ها با نوع پژوهش
۱۳۲ یا فرضیه اصلی یا «فرضیه رقیب».
۱۳۳ ضرورت بین‌الادهانی کردن واژگان پژوهش
۱۳۳ توافق در تعاریف، شرط گفت‌و‌گو با دیگران
۱۳۴ مآخذ تعاریف لغوی باید مراجع معتر بر باشند.
۱۳۵ شرط قابلیت مشاهده و سنجش شرط در پژوهش‌های تجربی
۱۳۷ نام‌گذاری و انتخاب واژگان باید دقیق باشد.

فصل چهارم

۱۵۴ - ۱۴۳ نکاتی درباره نگارش طرح‌نامه و مقاله
۱۴۳ بخش‌های مختلف یک طرح‌نامه

فهرست مطالب ج

۹۳. تنظیم طرحنامه بر اساس پرسش‌های اصلی پژوهش است. ۱۴۵

۹۴. اجزای طرحنامه پژوهش باید باهم هماهنگ باشند. ۱۴۵

۹۵. محدودیت حجم مقاله (حداکثر ۷۰۰۰ واژه) ۱۴۸

۹۶. نگارش مقاله به معنای اتمام پژوهش است. ۱۴۹

۹۷. نتیجه‌گیری پاسخ پرسش‌های اصلی و یا بیان صحت و سقم فرضیه‌هاست. ۱۵۲

۹۸. نگارش بندها (پاراگراف‌ها) باید هدفمند باشند. ۱۵۲

۹۹. سهول الوصول بودن مطالب مقاله ۱۵۳

۱۰۰. پایان هر پژوهش ارائه رهنمود به آیندگان است. ۱۵۳

کتاب‌نامه

۱۵۵

مقدمه

کتاب حاضر مشتمل بر مجموعه قواعدی است کاربردی در آموزش روش تحقیق در علوم انسانی که با مثال‌هایی از رشته‌های علوم اسلامی (همچون علوم قرآنی و شیعه‌شناسی) تنظیم شده است. تاکید این اثر بر تعمیق فرهنگ پژوهش و توجه دادن به ویژگی‌های شخصیتی یک پژوهشگر موفق است. تجربه نظام دانشگاهی در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که هرچه تاکید بر آموزش خشک قواعد از نوع محفوظات شب امتحانی و عدم معرفی الگوها و جریان‌های اصیل پژوهش اسلامی در علوم انسانی باشد، گرایش به تقلب در میان دانشجویان بیشتر می‌شود. درس «روش تحقیق» اگر توان با تجربه «کار عملی» باشد، قلب تپنده علوم انسانی است و باید از پایه اصلاح شود تا دیگر شاهد آن نباشیم که چهره شهرها و در و دیوار مراکز دانشگاهی مملو از برگه‌های تبلیغاتی جهت فروش مقاله و پایان‌نامه باشد که همانا یکی از اشکال «کلاهبرداری» است که باید قاطعانه با آن مقابله کرد. این معضل یکی از بیامدهای بی‌مهری به آثار بزرگانی چون علامه عبدالحسین امینی، علامه سید محمدحسین طباطبایی، علامه آفابزرگ تهرانی، سید جعفر شهیدی، جلال الدین همایی (رحمه‌الله) و ... در درس روش تحقیق بود تا جایی که در قریب به اتفاق کتاب‌های منتشرشده روش تحقیق در علوم انسانی کشور، حتی اشاره‌ای کوتاه هم به نام آنان نشده است؛ این در حالی است که مهم‌ترین وظیفه درس روش تحقیق، ترغیب دانشجویان به کسب تجربه پژوهش بر اساس الگوهایی اصیل است و نه افزودن کتابی دیگر به مجموعه کتاب‌های شب امتحانی ...

یکی از بزرگ‌ترین خطراتی که در سال‌های اخیر بلاجی برای فرهنگ و دانش کشور شده است، رها کردن منابع مرجع در آموزش و ورود غیرتخصصی به مباحث عمیق بوده است. برای مثال، در سال‌های اخیر سخن‌سرایی درباره حکمت صدرایی به اوج خود رسیده

است. افرادی که حتی قادر به روخوانی صحیح متن اسفار^۱ ملاصدرا نیستند (تا چه رسد به تفسیر آن) چنان درباره اش قلم فرسایی می کنند که گویی سال ها در این حوزه نزد اساطین فلسفه و عرفان اسلامی تحصیل کرده اند و دست آخر معلوم می شود که حداکثر چند واحدی در دانشگاه، درباره ملاصدرا چیزی به گوششان رسیده است! مرحوم استاد جلال الدین همایی می نویسد:

روزی یکی از معاصران خود که از مبادی فلسفه ابن سینا سهل است اصلاً با زبان عربی آشنایی نداشت، شنیدم که می گفت در وقت خواب به جای روزنامه و رمان، کتاب شفای ابوعلی سینا را مطالعه می کنم. من در ابتدا پنداشتم که این سخن را بر سبیل شوکی و مزاح یا برای تحقیر و اهانت به کتاب ابن سینا می گوید. آن گاه بر تعجب من افزود که دیدم آن سخن را جدی و در مقام خودستایی برای اثبات مفاسخ خود می گوید. روی سخنی به طالبان مبتدی است که زنگنه غرور و خودسری را به خود راه ندهند و اگر به

۱. جلال الدین همایی درباره استادش مرحوم شیخ محمد خراسانی می نویسد: «... مکرر می فرمود که اسفار را نباید جزء متون و سطح فلسفه شمرد و بلکه باید آن را به منزله درس اجتهادی خارج محسوب داشت؛ یعنی کسی اهلیت خواندن اسفار را دارد که همه مبادی فلسفه را آموخته و با کلمات حکما و متكلمان و عرفای اسلامی کاملاً آشنا شده و از تحصیل متون و سطوح فلسفه و کلام و عرفان فراغت یافته باشد همان طوری که در درس خارج فقه شرط است که از تحصیل سطوح و متون فقه فارغ شده و به درجه اجتهاد رسیده باشد.» (نصری، ۱۳۶۷: ۱۵۷-۱۵۸)

۲. حضرت امام خمینی (ره) در نامه ای به یکی از شاگردان خود به نام سید ابراهیم خوبی معروف به مقبره ای که در «صحیفه امام» موجود است، می نویسد که او هر آنچه را که از امehات اصول حکمت متعالیه می دانسته به وی منتقل کرده است و چنین هشدار می دهد که «مکرر می گردانم وصیت خود را به آنچه که مشایخ عظام به ما سفارش کردن؛ و آن، **فاثش نساختن اسرار معارف است مگر به اهلهش، و دهان نگشودن به حقایق عوارف مگر در محلش**» (نامه امام خمینی به تاریخ: ۲۷ بهمن ۱۳۱۷ ش/ ۲۶ ذی الحجه ۱۳۵۷ ق) با این حال اهل و محل و شأن علوم اسلامی در آموزش دانشگاهی رعایت نمی شود. مدتی پیش شاهد بودم که یکی از اساتید دانشگاه از این موضوع ابراز خوشحالی می کرد که امروزه حتی در واحدهای دانشگاهی در شهرستانهای کوچک هم حکمت صدرایی تدریس می شود و آن را به عنوان نهضتی در راستای مواجهه با تهاجم فرهنگی غرب می دانست. چنین طرز فکری صحیح نیست. در آموزش سنتی حکمت صدرایی، که ضامن بقای آن بوده است، افراد قابل با معیارهای دقیقی از سوی اساتید بزرگ حکمت متعالیه گلچین می شدند؛ از این رو شاگردان غالباً در سطوح خارج فقه بودند و آنان هیچگاه بدون سالهای مجاهده و سیر و سلوک صحیح و چنین بی قید و بند، به تعلیم مضامین بلند حکمت اسلامی نمی پرداختند.

حقیقت، طالب علم و در تحری قبیله معرفت و دانش اند، پای از طواف حرم کعبه استاد نکشند و قدم از طریق سعی و صفا بیرون ننهند.
سعی ناکرده در این راه به جایی نرسد
مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر (نصری، ۱۳۶۷: ۱۶۶)

علوم انسانی با اکتفا به کرامت نامه نویسی درباره علمای بزرگ اسلامی متحول نمی‌شود؛ بلکه با تحقق اهداف، برنامه‌ها و استفاده از روش‌ها و شیوه‌های مطالعاتی آن بزرگان است که می‌توان بر فضای علوم انسانی و ساحت فکری دانشگاه‌ها تأثیر گذاشت. آن‌ها نیازی به تعریف و تمجیدهای ما ندارند ولی ما سخت نیازمند شناخت معارف آنان (و نه بیان داستان‌هایی درباره آنان) هستیم. درس روش تحقیق، درسی نظری نیست و البته تا زمانی که نظام آموزش عالی کشور بر پایه محفوظات دانشجو و نه خلاقیت‌های او بنا شده باشد، امید چندانی به گسترش محتوای درس روش تحقیق به سایر دروس دانشگاهی نمی‌رود. در گذشته، هرچند حوزه‌های علمیه درس مستقلی به نام روش تحقیق نداشتند اما دید دقیقی نسبت به علم و تعریف آن بر مبنای «موضوع، مسایل و مبادی» داشتند. از سوی دیگر آنان بحث شرافت علم را از بحث «وثاقت دلالت آن» تمییز می‌دادند. از لحاظ شرافت علم، تاکید بر علوم الهی است؛ زیرا بر خلاف علوم دنیوی، امری مقطوعی نیست؛ چنانکه حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدِ خَيْرٍ فَقَهَهُ فِي الدِّينِ

چون خدا خیر بنده‌ای را بخواهد او را در دین دانشمند می‌کند. (کلینی،

(۷۷ / ۱ : ۱۴۲۹)

و حضرت امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفْقِهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّيْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ التَّقْدِيرُ الْمُعِيشَةُ
کمال انسان و نهایت کمالش دانشمند شدن در دین و صبر در بلا و اقتصاد در زندگی است. (همان، ۱ / ۷۸)

۱ برای مثال، مرحوم میرزا احمد آشتیانیه علوم را بر دو قسم می‌دانست: قسم اول شامل علوم مربوط به عالم جسمانی (عالیم ظاهر و محسوس) است که به دانش‌های مربوط به صنایع و حرفه‌ها، عمران و سیاست، علوم پزشکی و ریاضیات و علوم تعلیمی تقسیم می‌شود. قسم دوم به ماوراء الطبیعه و عالم برتر از حس بازمی‌گردد. او در ادامه این بحث را مطرح کرده است که سنخ اول متعلق به دنیای فانی و سنخ دوم متعلق به حیات ابدی انسان است که البته نمی‌توان آن را نادیده گرفت. (آشتیانی: ۱۳۷۴ - ۲ - ۴)

۴ یکصد قاعده در روش تحقیق

شرافت علم بر پایه ابدی بودن حیات انسان است، آیت‌الله حسن‌زاده آملی تعبیر خوبی در این زمینه دارد: «آن که خود را ابدی شناخت، فکر ابد می‌کند.» (آملی، ۱۳۸۲: ۲۳) دانشمندان بزرگ اسلامی به خوبی متوجه این مسئله شده بودند که حیات انسان ابدی است و زندگی اصیل در دنیا در گروه توجه به آخرت و تصحیح نیتها و اعمال است؛ مسئله‌ای که خود را در علمی چون طب و یا هندسه، نشان داد. چنانکه در بحث «ادب طبیب» می‌خوانیم که: پژوهش در کارش باید دارای نیتی خالص برای خداوند باشد تا حرفه‌اش از بزرگ‌ترین عبادات و در راستای امثال سنت مطهره در کاهش دردهای مسلمانان و کمک به ایشان باشد. (الخطابی، ۱۹۹۸: ج ۱ / ۴۶۳) او به نقل از: ابوعبدالله العبدی از کتاب «المدخل» (۱۴۱/۴ - ۱۴۲) و یا مؤیدالدین العرضی (۶۶۴ ق / ۹۳۹ م) در «کتاب الهیة»

در بحث موضوع علم فلك و براهین آن می‌نویسد:

شرف هر علم یا به شرف موضوع آن و یا وثاقت براهینش و یا به هر دوی آن هاست. موضوع علم فلك درباره شگفتانگیزترین صنعت الهی و بزرگ‌ترین آفریده او و حکیمانه‌ترین افعال است و براهین این علم، هندسی و حساب به تمامی است. اندیشه در آن مجالی بسیار وسیع و دلیلی قاطع بر وجود صانع - سبحانه و تعالی - دارد. (همان: ۲/ ۷۱۶ - ۷۱۷) او به نقل از مؤید الدین العرضی در «کتاب الهیة» ص ۲۷ - ۳۱

اما مسئله «وثاقت دلالت» در کنار ارتباط تنگاتنگ خود با شرافت علم، امری مرتبط با موضوعات روشی علوم است. به تعبیر راغب اصفهانی استحکام علوم دینی بر پایه وحی است؛ در حالی که در علم طب بر پایه «تجارب» است. (همان: ۲ / ۵۶۰) او به نقل از راغب اصفهانی در کتاب الذریعة إلی مکارم الشريعة، ص ۱۴۲ - ۱۴۳) اگر خوب توجه شود مشخص می‌شود که بحث شرافت علم در سنت‌های فکری جهان اسلام به معنای طرد بحث وثاقت علم در سنت‌های علمی و فکری جهان اسلام نیست و حتی می‌توان گفت که بدون توجه به مبحث وثاقت نمی‌توان به چنان شرافت بزرگی نائل آمد؛ زیرا کسب علوم الهی مستلزم استفاده از روش‌ها و منابع صحیح آن است.

گذشتگان ما از کودکی با قرآن و گلستان و بوستان سعدی و اشعار حافظ و نیز احکام شرعی آشنا می‌شدند و با خواندن آثاری چون جامع‌المقدمات و شرح الفیه (چه شرح

سیوطی و یا ابن عقیل) و کتاب مطول تفتازاتی و مانند آن، علاوه بر آموزش زبان عربی و تقویت مبانی زبانشناسی آن، از همان ابتدا ارتباطی مستقیم با متون مرجع داشتند؛ از این رو بسیاری از محصلان آن نظام آموزشی طبی موزون داشتند و بر دقایق ادبی تسلطی کامل. آنان در ادامه تحصیل خود، دروسی چون منطق، ریاضیات و هندسه، اصول فقه و فقهه و بنا بر ذوق و استعداد خویش، اصول حکمت و عرفان را می‌آموختند؛ اما نظام دانشگاهی، نظامی واحدی و شتاب‌زده است که در آن دانشجو بی‌آنکه مقدمات لازم را طی کند، به صورتی مصنوعی وارد این علوم می‌شود. از این حیث، وظیفه اصلی درس روش تحقیق در رشته‌های دانشگاهی علوم دینی را باید «محدود کردن» یا «مهار کردن» دانشجو قلمداد کرد تا او بداند نباید بی‌مهابا وارد هر عرصه‌ای شود و همواره متوجه خطراتِ جهل مرکب باشد.

با در نظر گرفتن توضیحات مذکور، این کتاب چنانکه از نامش پیداست، شامل مجموعه‌ای از قواعد روش تحقیق است. قاعده در لغت به معنای اساس و ریشه است. چنانکه ستون‌های خانه را «قواعد» می‌نامند و مراد از قواعد روش تحقیق عبارت است از اصولی عمومی که به کارگیری آن‌ها در جهت کسب شناخت علمی الزام‌آور است. برخی از اصول روش‌شناسی در همه رشته‌های علمی مشترک‌اند و برخی دیگر به اقتضای تخصص‌ها متفاوت از دیگری هستند. برای مثال، رعایت اخلاق، قاعده‌ای بنیادین در انجام هر پژوهشی است. باید از اتهام زنی بدون دلیل خودداری کرد. باید از به کار بردن الفاظ زننده و زشت در قبال آنان که موافق ما اندیشه نمی‌کنند خودداری کرد. به جای بدگویی، بهترین پاسخ به مخالفان یک دیدگاه و یا عقیده، استدلال محکم، در قالب بهترین عبارات است. باید امانت علمی را در نقل دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها رعایت کرد و فضل صاحبان اندیشه را در طرح مسئله‌شان پاس داشت. این موضوعات مسایلی عمومی‌اند که ضرورت آن در انجام هر پژوهشی احساس می‌شود. یا این قاعده که هر علمی روش‌شناسی خاص خود را می‌طلبد، در همه علوم و به ویژه علوم اسلامی، مطلبی مهم است. هر پژوهش دارای موضوعی است و هر موضوعی روش مطالعه خود را می‌طلبد. وظیفه محقق آن است که از خلط روش‌ها و علوم بپرهیزد و در تاریخ به روش‌های تاریخی، در فقه به روش‌های فقهی و در تفسیر به روش‌های تفسیری متمسک شود. یا به عنوان یک قاعده، در نقد علمی یک اثر یا دیدگاه، علاوه بر رعایت انصاف، باید

۶ یکصد قاعده در روش تحقیق

نقد را به گونه ای مطرح کرد که مبدل به یک «قاعده کلی» شود و منحصر به انتقاد شوندگان نشود. این امر موجب می شود تا منتقد خودش را در تیررس انتقادش ببیند و خود نسبت به رعایت نقدش احساس مسئولیت کند و یا قواعدی مانند: «توصیف غلط موجب تحلیل غلط می شود. بنابراین مسئله تنها بیان حقیقت نیست، بلکه بیان همه حقیقت مؤثر در موضوع است.»، «اگر نقل کننده هستی پس سند»، «اگر مدعی هستی پس دلیل»، «اول کسب شناخت، سپس حکم کردن»، «گمان قابل اتکا نیست.» و ... این کتاب حاصل تدریس این جانب در دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (واحد تهران) است. کتاب تنها یادآوری برخی از نکات ضروری است که اقتضای هر پژوهشی هستند و تاکید اصلی بر فعالیت های عملی دانشجویان بوده است که عموماً شامل سه دسته فعالیت است:

۱. آشنایی دانشجویان با الگوهای اصیل پژوهش همچون علامه عبدالحسین امینی، علامه سید محمدحسین طباطبایی، آیت‌الله معرفت، جلال الدین همایی، سید جعفر شهیدی و مانند آن.
۲. نگارش مقالات کوتاه برای هر جلسه در حدود سه تا پنج صفحه.
۳. نقد هفتگی مقالات علمی که از انواع پژوهش‌ها انتخاب می شود و در هفته به دانشجویان ارائه می شود.

انشاء الله روزی فرارسد که پژوهش‌های اصیل در حوزه و دانشگاه احیا شوند و شاهد ظهور بزرگانی دیگر در عرصه‌های علوم انسانی و الهی باشیم. والحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ... وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكِّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ.

کامیار صداقت ثمرحسینی^۱

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تایستان ۱۳۹۲

فصل اول

شخصیت پژوهشگر

پژوهش پیش از آن که یک «فن» باشد، یک فرهنگ است. به کارگیری فنون پیشرفته پژوهش، بدون داشتن شخصیت و پی‌ریزی فرهنگ محکمی، برکت و ثمری ماندگار ندارد. باهر شیوه زندگی نمی‌توان به مراتب بالای علمی دست یافت. تولید علم بدون رحمت نیست و شخصی حاضر به قبول این رحمت می‌شود که به ارزش کسب آن ایمان داشته باشد. بسیاری از دانشمندان اسلامی نظیر مرحوم علامه عبدالحسین امینی، آیت الله شیخ جواد بلاغی نجفی، مرحوم آیت الله علامه حاج شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸) و ... که فخر اسلام بودند و علوم و مؤلفاتشان جهان دانش را روشن کرد، در اوج سختی به کمالات عالی علمی و معنوی نائل شدند. البته باید مشکلات مالی پژوهشگر تا سطح قابل قبولی بر طرف شود، اما نباید ارزش‌های پژوهشگری قربانی آن شود. نمی‌توان پژوهش را از طریق حفظ کردن پاره‌ای از قواعد آموخت. پژوهش تنها با «عمل کردن» به اصول تحقیق و در وهله اول رعایت فرهنگ آن ممکن می‌شود. ممکن است شخصی قواعد پرسشگری را خوب بشناسد، اما تا به صورت عملی خود را درگیر پرسیدن و مهم‌تر از آن، توجه به «از چه پرسیدن» نکند، طبعاً معرفتی نیز برای او مطرح نخواهد بود. با توجه به آنچه بیان شد، در این بخش به اختصار به برخی از عوامل مهم در شکل گیری شخصیت یک پژوهشگر اشاره می‌شود:

۱. داشتن اهدافی والا

اقتضای فعالیت در علوم دینی پاکی دل و نیت صادقانه است. علمای دین همواره تاکید کرده‌اند که درس و بحث باید لله باشد: «فُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» (قرآن مجید، انعام: ۱۶۲)
علم بهر کمال باید خواند
نه به سودای مال باید خواند (وحدی)

عالمان بزرگ جهان اسلام برای رسیدن به سطوح عالی سختی‌های بسیاری را تحمل کردند. هدف اصلی آنان احیای اسلام بود. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:
قالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ جَاءَهُ الْمَوْتُ وَ هُوَ يَطْلُبُ الْعِلْمَ لِيُحِيِّ بِهِ الْإِسْلَامَ كَانَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةً وَاحِدَةً فِي الْجَنَّةِ.

کسی که مرگ او را دریابد در حالی که در طلب علم و دانش است تا بتواند اسلام را زنده کند، در بهشت تنها یک درجه با پیامبران فاصله دارد. (اشتیانی، ۳۸۳ / ۲: ۷۰۰)
گزارش مرحوم علامه محمدتقی جعفری (۱۳۰۲ - ۱۳۷۷) در وصف زندگی خود در زمان تحصیلش در نجف اشرف شگفت‌آور است. او گاه تا پنج، شش روز غذایی برای خوردن نداشت، در یک مورد از شدت گرسنگی از حال رفت و گاه دو تا سه ساعت در روز کار یدی می‌کرد و با این حال اشاره دارد که شوق به فراغتی علم، سختی‌ها را آسان و قابل تحمل می‌کرد: (جعفری، ۱۳۷۷: ۷)

رنج راحت شد، چو شد مطلب بزرگ
گرد گله توییای چشم گرگ (شیخ بهایی)
موفقیت آنان بدین دلیل بود که نیتی پاک و الهی از پژوهش ارائه داده بودند و از «ظاهرسازی» سخت اجتناب می‌کردند. پیشوايان دینی معیارهای دقیقی برای تمیز عمل حقیقی از عمل ریایی و ظاهرسازی ارائه داده‌اند:

ثلاث علامات للمرأى: يَشْطُ إذا رأى الناس و يَكْسِلُ إذا كَانَ وَحْدَهُ و يُحِبُّ أنْ يُحَمَّدَهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ

نشانه‌های ریاکار سه چیز است: نشاط او در مقابل دیدگان مردمان و کسالت او در زمان

تنهایی و اینکه دلش خواهان تعریف و تمجید مردمان در همه امور است. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۶۵۴/۱)

همچنین توسل به خاندان پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یکی از برجسته‌ترین مشخصه‌های فرهنگی پژوهشگران شیعی است. زندگی تمامی دانشمندان برجسته شیعی مملو از شور و شوقی عظیم به این خاندان بزرگوار است. نیز عالمان شیعه علاوه بر ایمان راسخ به اهدافشان، در پژوهش‌های خود نیز کاملاً هدفمند ظاهرشده‌اند. برای مثال، آقابزرگ تهرانی با نگارش «الذریعة إلى تصانیف الشیعه» که دائرةالمعارف بزرگ کتاب‌شناسی شیعه است، کوشید تا حضور علمای شیعی را در سراسر تاریخ اسلام نشان داد آن اثر پاسخی بود به کسانی که شیعه را متهم به نداشتن دانشمندان و تألیفات و منابع علمی می‌کردند. علامه سید محمدحسین طباطبایی با تفسیر المیزان کوشید تا تفسیر نویسی بر پایه منهج اهل بیت علیهم السلام را در روزگار معاصر احیا کند. آیت‌الله محمدهادی معرفت با تمرکز موضوعات تحقیق خود در حوزه تفسیر و علوم قرآن کوشید تا مطالعات علوم قرآنی در حوزه را رونقی دوباره بخشد. علامه مصطفوی با نگارش کتاب «التحقيق في الكلمات القرآنية» کوشش کرد تا افق‌های جدیدی در دلالت‌های مفهومی الفاظ قرآن ارائه کند. او نشان داد که الفاظ قرآن معانی مجازی ندارند و معانی همه آن‌ها بر پایه دلالت‌های حقیقی استوار هستند.

علامه عبدالحسین امینی در کتاب «الغدیر في الكتاب و السنة و الأدب» علاوه بر احیای میراث مکتوب الغدیر، در مباحث ادبی آن کتاب نشان دادند که فهم شاعران و ادیبان بزرگ اسلامی از واژه مولی در حدیث غدیر، سرپرستی و زعامت جامعه بوده است. او این مسئله را در بسامد میراث غدیر قرن به قرن نشان می‌دهد.

نیت و انگیزه خیر از انجام پژوهش، اولین مشخصه یک پژوهشگر خوب است. پژوهشگر خوب در پی حل مشکلی از مشکلات جامعه و کاهش دردها و مصائب آن و افزودن بر رفاه و سلامت اعضای جامعه‌اش است؛ بنابراین دغدغه‌های بزرگی دارد مانند:

- ایجاد امکاناتی بهتر برای آموزش کودکان،
- تحقیق برای زدودن افکار خرافی از جامعه،
- تحقیق برای گسترش امکانات وحدت اسلامی و ...

پژوهشگر خوب می‌داند به دنبال چیست؟ کسی که بدون داشتن پرسشی روش، به جمع‌آوری داده‌های تحقیق می‌پردازد، ممکن است روزی تا شانزده ساعت یادداشت بنویسد. اما از آنجا که کارش جهت مشخصی ندارد، هدف و نتیجه مشخصی هم نخواهد داشت.

بیندیشیم

- چه اهدافی از تحصیل داریم؟
- چه کسانی الگوی ما هستند؟
- پاییند به چه اصولی در پژوهش هستیم؟

۲. موفقیت در گرو خودشناسی

موفقیت یک پژوهشگر در گرو خودشناسی است. دانشجوی موفق کسی است که می‌کوشد تا بر نقاط قوت و ضعف خودآگاهی یابد و از تجربه‌ها درس بگیرد؛ نه آنکه دائمً یک اشتباه را بارها و بارها تکرار کند. برای مثال، یکی از جنبه‌های خودشناسی، شناخت پیش‌فرض‌های مورد قبول خویش است. پیش‌فرض‌ها اصول و پایه‌های کلی‌ای هستند که جریان شناخت را متأثر از خود می‌کنند. محقق باید نسبت به آنچه در پژوهش خود، بدیهی و از پیش مسلم و قطعی می‌داند، آگاه باشد. او هر چه پیش‌فرض‌های مورد پذیرش خود را بهتر بشناسد، محتاط‌تر گام بر می‌دارد و منظم‌تر عمل می‌کند؛ زیرا پاییند اصولی است که پیش از تحقیق بدان آگاهی داشته است. برای مثال، پیش‌فرض‌های تفسیر در بیان مرحوم آیت‌الله عمید زنجانی عبارت‌اند از:

۱. قرآن کلام خداست.
۲. متن قرآن معجزه است.
۳. قرآن شمولیت و جاودانگی دارد.
۴. قرآن دارای خلاقیت است.
۵. برای معضلات انسان و جامعه در قرآن پاسخ و راه حل موجود است.
۶. قرآن موجب تأسیس شریعت است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۰ – ۲۳)

محقق با شناخت پیش فرض‌های خود، در واقع شرایط فکری حاکم بر خویش را به صورت روشی ترسیم می‌کند. البته برخی پیش فرض‌ها به بدیهیات عمومی میان مسلمانان مبدل شده‌اند و برخی دیگر از آن‌ها محدودتر یا شخصی‌ترند. ممکن است پیش فرض (امر مسلم) یک نفر در نظر دیگران فرضیه یا همان امر محتمل، باشد. شخصی که با پیش فرض «صامت بودن» قرآن کریم وارد حوزه تفسیر کلام الهی می‌شود، بسیار متفاوت از مفسرانی برجسته چون علامه طباطبایی^(۵) می‌اندیشد که قرآن را کلامی ناطق می‌دانند که برخی آیات آن مفسر برخی دیگرند. باید در قبال پیش فرض‌های خود آگاه بود؛ چرا که آن‌ها در موارد بسیاری بر جهت‌گیری کلی پژوهش، تأثیر قاطعی دارند.

همچنین پژوهشگر زمانی موفق است که شناخت مطلوبی از توانایی‌های خود داشته باشد و بر پایه آن شناخت، به توسعه توانایی‌هایش بپردازد. در انتخاب حوزه فعالیت‌ها، باید به توانایی‌ها و محدودیت‌های خود توجه کرد و حوزه توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را توسعه داد؛ اما فراتر از آن کاری نکرد. محدوده تحقیق بر پایه محدودیت‌های فرا روی پژوهشگر ترسیم می‌شود. معمولاً پژوهش‌هایی که بیش از اندازه، گستره و یا محدود هستند، نتایج مطلوبی ندارند. تعیین محدوده پژوهش بدون تعریف و توجه به محدودیت‌های پژوهشگر امکان‌پذیر نیست. در اینجا خودشناسی کمک می‌کند تا محقق محدوده پژوهش مناسب‌تری انتخاب کند. در این زمینه توجه به پرسش‌های زیر سودمند است:

- آیا دارای زمان کافی در امر پژوهش هستم؟
- آیا به کتاب‌های «لازم» برای پژوهش دسترسی دارم؟
- آیا قادر به ایجاد و مدیریت گروهی برای پژوهش هستم؟
- آیا مسلط به زبان مورد نیاز پژوهش هستم؟
- آیا امکانات مالی متناسب با موضوع انتخابی خود را دارم؟ و ...

خانم دکتر طاهره صفار زاده در کتاب خود با عنوان «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی)» نشان می‌دهد که به صورتی هدفمند و مستمر، مطالعات قرآنی خود را با علاقه‌ای درونی دنبال کرده است. او به نکات بسیار آموزنده‌ای اشاره دارد: سعی من در تأثیف این کتاب معرفی اهمیت شناخت اسماء‌الحسنی و دیگر مفاهیم بنیادی قرآن مجید بوده است. زیرا در هیچ‌یک از آثار پیشینیان و معاصران کوششی به مقصد شناساندن ارتباط اسماء‌الهی با آیات قرآن نیافتم ... سرمایه اصلی من در این

سیر و سفر علمی که رد پایی برای اطاعت و دنبال کردن در پیش روی خود نمی دیدم، توکل به خداوند دانای توانا و اتکا به الهامات الهی بود. ابزار کار عبارت بودند از حدود سی سال مطالعه مشتاقانه و پژوهشگرانه توانم با یادداشت برداری از تفاسیر کشف الأسرار، ابوالفتوح، مجمع البیان، مواهب علیه، منهج الصادقین، طبری، سورآبادی، نسفی، کمبریج، المیزان، نمونه و آثار مفسران و مترجمان معاصر ... ابزار مؤثر دیگر در تألیف این کتاب و ترجمة قرآن به دو زبان این ها بودند: بیش از چهل سال کار با قلم همراه با پژوهیدن و تمرین برای کاربرد واژه در شعر و نثر، حدود چهل سال آشنایی با زبان انگلیسی از تحصیل دانشگاهی تا تدریس دانشگاهی به ویژه نوزده سال تدریس نقد عملی ترجمه در دانشگاه های کشور و نیز دوازده سال ویراستاری کتاب های علمی به زبان انگلیسی. ... (صفار زاده، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۴)

متن فوق نشان از علاقه نویسنده و تناسب اثرش با تخصص و علاقه اش دارد. نیز نشان از برنامه ریزی طولانی مدت محقق جهت فعالیت در یک حوزه مطالعاتی دارد. همچنین پژوهشگر خوب توجه ویژه ای به شیوه زندگی اش دارد. برای مثال، نمی توان بدون دارا بودن برنامه منظم و هدفمند مطالعاتی خود را پژوهشگر خواند. نمی توان بدون استمرار در یادگیری، «ملکه پژوهش» را در خود محقق کرد. استمرار در مطالعه سنتی با تحمیل مطالعه بیش از حد بر خود که نقش مخبری بر روحیه پژوهشگر دارد، ندارد. نمی توان با روزی پنج ساعت تماشای فیلم و برنامه تلویزیونی خود را دانشجو نامید. متأسفانه توان عظیمی از نیروی اندیشه نسل جوان کشور، در پای بسیاری از برنامه های بی محظای تلویزیون و بازی های رایانه ای از میان می رود. در مباحث کلاسی در سال ۱۳۸۳، برخی از دانشجویان اشاره کردند که روزانه بین سه تا شش ساعت از اوقات خود را در پای تلویزیون مصرف می کنند. بدیهی است که با چنین شیوه ای نمی توان امید به آینده ای درخشنان داشت.

همچنین اصلاح معاشرت ها و ارتقای سطح دوستان، یکی از عوامل مهم موفقیت چه در نظام حوزوی و یا دانشگاهی است. آیا با هر نوع معاشرتی می توان امید به پیشرفت علمی خود داشت؟ رسول خدا (ص) فرمودند:

الْمَرْءُ عَلَى دِينِ مِنْ يَحْالِسُ، فَلَيَتَّقِنَ اللَّهَ الْمَرْءُ وَلْيَتَنْظُرْ مَنْ يُجَالِسُ

انسان بر دین هم نشین است؛ پس باید از خدا بترسد و بیندیشد که با چه کسانی نشست و برخاست می کند. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۱/ ۴۰۴)

شخصیت پژوهشگر ۱۳

و حضرتش (صلی الله علیہ و آله و سلم) یکی از ویژگی‌های عالمی را که باید در مجالس آنان نشست، «رهنمون سازی افراد از شک به یقین» می‌داند. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۱/۲۸) او به نقل از البحار، ۱/۲۰۵، ر

همنشین تو از تو بِه باشد
تا تو را عقل و دین بیفزاید.

برخی از ویژگی‌های یک محقق خوب عبارت‌اند از:

حق‌جویی،
امانت‌داری،
جدیت و پشتکار،
تواضع (بدون مبالغه)،
قبول اشتباه،
عدم تحکیر دیگران و ...

بیندیشیم

- من به عنوان یک پژوهشگر چه کسی هستم؟
- من متأثر از چه پیش‌فرض‌هایی هستم؟ این پیش‌فرض‌ها موجب شکل‌گیری چه نوع جهت‌گیری‌هایی می‌شود؟

۳. روحیه نقادی و انتقاد‌پذیری

مرحوم آیت الله معرفت ^(۴) به درستی اشاره کرده است که «قداست تنها مخصوص اقوال مucchoman علیہم السلام است؛ اما اقوال بزرگان احترام دارد نه قداست و تجلی احترام آنان به نقد و بررسی نظریاتشان است و نه پذیرش تبعیدی آن‌ها»؛ بنابراین نباید مقهور نام افراد شد. هدف از نقد علمی بیان «نقاط ضعف» و «نقاط قوت» یک اثر است. نقدی که توأم بالأخلاق علمی باشد، موجب می‌شود تا محقق مقهور نام دانشمندان نشود و عادت به بررسی منابع و مدارک و شیوه هر استدلالی کند. نویسنده بارها با افرادی در کسوت استاد و محقق مواجه شده است که حتی تاب شنیدن این عبارت ساده را که «نظرشان مورد بررسی قرار خواهد گرفت»، نداشتند. باید از چنین فرهنگی فاصله گرفت و از آن الگو نگرفت. یک

محقق خوب از واکنش‌های شتاب‌زده پرهیز می‌کند. تحمل خواندن و شنیدن نظرات و عقاید مخالف نظر خود را دارد. برای مثال، اگر فردی (باهر نیتی) نظری نادرست نسبت به اسلام بیان کند، بهترین پاسخ، انجام پژوهش کافی درباره موضوع و انتشار آن در فضای دانشگاهی است. ممکن است که پاسخ شتاب‌زده و توأم با عصبانیت، بازتابی منفی داشته باشد و حتی به اشاعه آن دیدگاه نادرست بینجامد. از زمرة وظایف هر محققی، ارائه راه حل‌ها و اصلاح نظریات نادرست است. به جای عصبانیت و واکنش‌های احساسی به راه حل‌های مسئله باید اندیشید و توان خود را در مسیر کمک به حل مشکلات علمی و رسیدن به حقیقت به کار گرفت.

۴. ارتقای مستمر سطح خواندن و نوشتمن

نایاب وقت خود را به مطالعه هر اثری اختصاص داد. به فراخور نیاز پژوهشی، همواره باید ارتباط خود را با منابع مرجع و اصلی حفظ کرد. مطالعه آثار برجسته، موجب ارتقای خواننده می‌شود. همچنین، مطالعه باید آگاهانه و هدفمند یعنی برای پاسخ دادن به پرسشی و یا حل موضوعی باشد.

کسب مهارت در نگارش و نویسندگی، نیازمند تمرین «نوشتمن» است. بدون تجربه نوشتمن و درس‌های عملی آن، نایاب انتظار موفقیت داشت. دانشجو باید کار خود را با نگارش مقالاتی کم حجم (حداکثر تا پنج صفحه) شروع کند و بکوشد با طرح پرسشی مشخص، پاسخ را با ارائه دلایل و مدارک متقن پاسخ دهد. به تدریج، علاوه بر ایجاد ملکه پژوهش، نحوه جمله‌بندی‌ها با تأثیرپذیری از متونی شایسته، پخته و استوار می‌شود. مستندسازی پژوهش، (ذکر دقیق منابع در زیرنویس) به اعتبار پژوهش می‌افزاید. متن نوشتمن خود را با معیارهای فرهنگستان زبان فارسی مطابقت دهید. رعایت قواعد دستور خط فارسی و نیز واژه‌های مصوب «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» در نگارش پایان نامه الزامی است. در این زمینه، وب‌گاه فرهنگستان زبان فارسی قواعد دستور زبان فارسی و نیز واژه‌های مصوب خود را به نشانی زیر قرار داده است:

- دستور خط فارسی

<http://www.persianacademy.ir/fa/das.aspx>

- واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی

<http://www.persianacademy.ir/fa/words.pdf.aspx>

نیز حتماً پس از تایپ مقاله یا پایان نامه خود، آن را با نرم افزار ویراستار که افزونه‌ای برای مایکروسافت ورد است، مورد بازبینی مجدد قرار دهید. از قابلیت‌های ویراستار می‌توان به اصلاح خطاهای املایی، اشتباهات ویرایشی و نشانه‌گذاری و نیز استانداردسازی متون فارسی اشاره کرد. این نرم افزار را می‌توان از سایت آن که متعلق به (دبيرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی - شورای عالی انقلاب فرهنگی) است، به رایگان دریافت کرد. (آخرین شماره ویرایش آن در نیمة سال ۱۳۹۲ (۴.۵.۲) بود).

- نرم افزار ویراستار

<http://www.virastyar.ir/>

متن نگاشته شده خود را باید چندین بار خواند و آن را به دوستان هم رشته و علاقمند به موضوع نشان داد. آیا آنان نیز همان برداشت نویسنده را از نوشتۀ دارند؟ آیا نویسنده در «انتقال» موضوع به مخاطبان خود خوب عمل کرده است؟ اولین ویرایش متن را باید آخرین آن دانست. داناترین مردمان، در صورتی که قادر به انتقال علم و آگاهی شان نباشند، نمی‌توانند بهره‌ای از علمشان نصیب جامعه کنند.

سخن باید که چون از کام شادر

بیاید، در جهان گردد مسافر

نه زان گونه که در خانه بماند

به جز قائل مر او را کس نخواند. (فخرالدین اسد گرانی)

هیچ محققی بی نیاز از مشورت با اهل فن نیست. در موارد بسیاری نویسنده نمی‌تواند خود ایرادات پژوهش را دریابد، اما افراد مطلع قادر به مشاهده خطاهای او هستند. مشورت موجب می‌شود تا افق‌های جدیدی برای پژوهشگر گشوده شوند. پس اجازه دهیم تا افراد مطلع به انتقاد از کارهای ما بپردازند.^۱

تجربه‌ای که در نوشتمن توأم با فکر کردن کسب می‌شود بسیار ارزشمند است. برای

۱. «ترز ال بیکر» افراد مطلع را سه‌دسته می‌داند: ۱. محققان ذیربط که موضوع مشابهی را مطالعه کرده‌اند. ۲. خودی‌ها، افراد محیطی که مورد تحقیق هستند. ۳. دوستان روش‌نگر، افرادی که در میان گذاشتن طرح و اندیشه‌هایتان با آنها پر بار است. (بیکر: ۱۳۷۷: ۱۰۷ - ۱۰۸)

تمرین، خوب است دفتری تهیه شود و با ذکر تاریخ و مشخصات کامل منبع، هر نکته ارزشمندی را که از تجربیات عملی زندگی و یا مطالعات خود به دست می‌آید، یادداشت کرد. مسایل بسیار زیادی موجود است که می‌توانند موضوع تمرین دانشجویان شوند و تجربه‌ای بر تجربیات آنان بیفزایند. نوشتمن باید آگاهانه و هدفمند باشد. قاعدة ساده زیر را که غالباً در لابه‌لای وصله‌پینه‌های نقل قول‌های حجم افزا به فراموشی سپرد می‌شود، همواره باید به خاطر داشت: «اول تحقیق، سپس نگارش آن» بدون انجام تحقیق، چیزی برای ارائه وجود ندارد.

بیندیشیم

عادت کنید تا هیچ مقاله‌ای را بدون تجزیه و تحلیل رها نکنید. حتماً با دوستان علاقمند به حوزه کاری تان درباره دیدگاه‌ها و مقالات مختلف مباحثه کنید. به عنوان یک تمرین عملی، مقاله‌ای را که پیش‌تر خوانده‌اید، این بار با پاسخ دادن به پرسش‌های زیر بخوانید: (این کار را باید دائماً تکرار کرد).

الف- هدف نویسنده از نگارش اثر خود چه بوده است؟ چه پرسشی برای او مطرح بوده است.

ب- نویسنده چه پاسخی به مشکل معرفتی اش می‌دهد؟

ج- نحوه استدلال و دلایل او چیست؟

آیا تا کنون نوشته خود را به منظور شناخت شخصیت خود مورد تحلیل قرار داده‌اید؟ می‌توان با طرح این پرسش که «سبک و شیوه نگارش من چیست؟»، نوشه‌های قبلی خود را مروری دوباره کرد. نوشته‌ما تا حدودی نشان‌دهنده شخصیت ما است.

۵. رعایت اعتدال در زندگی

پژوهیدن بخشی از زندگی محقق است که باید بدون هرگونه افراط و تفریط، هماهنگ با سایر جوانب زندگی محقق شود. نباید بیش از اندازه به خود فشار آورد و از سوی دیگر نباید اوقات خود را به بطالت سپری کرد. مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی^(۵) (۱۳۶۹ - ۱۲۷۶ ش) که تمام زندگی اش وقف علوم آل محمد (ص) شد،

در وصیت‌نامه خویش چنین سفارش می‌کند:

و سفارش می‌کنم او را به: دوری جستن از بیکاری و بطالت و صرف عمر عزیز در
چیزهایی که نفعی ندارد. پس روایت شده است که: «إن الله تعالى شأنه يبغض الشاب
الفارغ (مرعشی نجفی، ۱۳۷۰: ۱۶)
غافل منشین نه وقت بازی است
وقت هنر است و سرفرازی است
دانش طلب و بزرگی آموز
تا به نگرند روزت از روز
چون شیر به خود سپه شکن باش
فرزند خصال خویشتن باش (نظامی)

مطالعه بدون به کارگیری روشی معتدل، پایدار نخواهد ماند. تحمیل فشار بیش از حد به خود، گاه موجب خستگی و دل‌زدگی از کار می‌شود که آفت خطرناکی برای ادامه و استمرار تحقیق است؛ پس باید همواره نشاط مطالعه را در خود تقویت کرد و از تهیه برنامه‌های صوری و غیرقابل اجرا پرهیز کرد. خوب کار کردن در مقابل «پرکاری بیش از حد» است. بالاگذشتگی باید دست از کار کشید و پس از استراحت بار دیگر بر پژوهش و فعالیت خود متمرکز شد.

بیندیشیم

چند ساعت در روز را به مطالعه و پژوهش اختصاص داده ایم؟ چه میزان از آن بر اساس هدفی مشخص و پاسخ دادن به مشکلی اساسی بوده است؟

۶. ضرورت استمرار در کار

استمرار در کار، لازمه فعالیت هر پژوهشگری است. از طریق استمرار می‌توان صفات خوب (مانند عادت به خوب پرسیدن، نقادی و روحیه نقدپذیری و ...) را تبدیل به ملکه (صفت راسخ و استوار) کرد. پژوهشگر خوب دائماً از این شاخه به آن شاخه نمی‌پرد. در روایت است که حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعِبْدُ وَ إِنَّ قَلْ

نژدیک ترین اعمال نزد خدای باعزت و جمال، اعمالی است که بنده بر آن مداومت کند؛
هرچند کم باشد. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۷۷ / ۲)

علم بی حلم، شمع بی نور است
هر دو باهم چو شهد زنیور است. (سنایی)

متأسفانه در مواردی، زندگی اداری دانشگاهی بر زندگی علمی افراد سیطره می‌یابد. هدف از روابط اداری دانشگاه یاری محقق جهت پیشبرد تحقیقش است؛ نه آنکه زندگی علمی تنها محدود به شرایط و محیط اداری شود. برای مثال، سه ماه تابستان و یا تعطیلات مربوط به آغاز سال خورشیدی از لحاظ اداری تعطیل است؛ اما این به معنای تعطیل شدن فکر و به کنار نهادن پرسشگری نیست. اگر باهر تعطیلی در اداره، زندگی علمی نیز تعطیل شود، باید در اصالت هدف و کار تردید کرد.

۷. شاگردی اساتید بزرگ

ما معمولاً در جریان تحصیل خویش، درس ده‌ها استاد مختلف را تجربه می‌کنیم، اما باکمی تأمل در می‌یابیم که تنها متأثر از محدودی از ایشان (شاید کمتر از انگشتان یک دست) بوده ایم. در واقع در برخی از دروس صرفاً شاگردی رسمی بر اساس مقررات اداری مراکز علمی بوده و در برخی دیگر، شاگرد راه و روش زندگی بزرگانی می‌شویم که شاید حتی مسیر زندگی و مبدأ میل ما را به کلی عوض کنند. تا جای ممکن باید کوشید تا آشنایی بی‌واسطه‌ای با این گروه از اساتید پیدا کرد.

معنای احترام به اساتید و بزرگان آن نیست که هرچه آنان گفته‌اند حتماً بی‌کم و کاست باید قبول کرد. هدف از تحصیلات دانشگاهی و حوزوی این است که در نهایت بتوان با محوریت حق‌جویی نظرات مختلف را بررسی و نقد کرد. دانشجویی که تصور می‌کند باید تابع محض اساتید (ولو اساتید اداری) باشد و یا استادی که بررسی دیدگاهش توسط دانشجویانش را بی‌احترامی به خود می‌پنداشد، اصالت ندارند و هردو مردودند. فرق است میان کسی که شاگرد پروری می‌کند باکسی که با سوءاستفاده از نام مقدس معلم و استاد، در پی دکان بازی و خود پروری است. باید جانب ادب را نگاه داشت، اما باید تنها و تنها مطیع حق و حقیقت بود.

۸. فعالیت عملی

فعالیت عملی در زمینه کاری خود، احتمال موفقیت را بالا می برد. برخی از زمینه هایی که می توان در آن ها فعالیت کرد، عبارت اند از:

- مجالس و نشست های علمی سطح بالا را پیدا کرد و حتی امکان در آن شرکت کرد.

- مراکز و پژوهشکده ها و مجلات تخصصی موجود در رشتة خود را یافت و در مورد زمینه های همکاری با آن ها تحقیق کرد.

- با راهنمایی اساتید (بر پایه انتخابی صحیح) و با کمک دوستانه مبادرت به فعالیت های گروهی علمی در دانشگاه یا حوزه کرد.

بیندیشیم

فعالیت های عملی خود را (اعم از همکاری با مجلات، شرکت در نشست ها، حلقه های علمی و ...) در رشتة تحصیلی تان بشمارید. چه برنامه ها و اندیشه هایی برای آینده دارید؟

گفتاری از مرحوم علامه استاد جلال الدین همایی

در خاتمه این بخش مناسب است تا گفتاری از استاد جلال الدین همایی در باب سرقات ادبی نقل شود که درس های بسیاری در آن موجود است.

نو کردن جامه انشاء و تغییر نام کتاب

یکی از انواع سرقات ها که در قدیم هم معمول بوده و در ایام ما نیز ماین اشخاص تنک مایه؛ که آرزوی نشر چیزی تازه دارند رواج یافته، این است که نتیجه یک عمر زحمت و رنج کسی را می گیرند و جامه انشاء دیگر در آن می پوشانند و بدون اینکه حق مؤلف سابق را شناخته و گزارده و از وی نام برده باشند، آن را تألیف تازه خود قلمداد می کنند. این عمل هرگاه با تغییر موضوع همراه باشد، مشمول همین سرقت نقل است؛ و در صورتی که تحت همان موضوع مؤلف باشد، جزو سلح و المام^۱ است و اگر دستبرد به

۱. سلح در اصل به معنی پوست باز کردن و المام: به معنی قصد کردن و نزدیک شدن به چیزی است و در اصطلاح آن است که فکر و مضمون نظم یا نثری را از دیگری بگیرند و آن را در قالب عبارتی دیگری

عین عبارت هم زده باشد، داخل مسخ و اغاره^۱ می‌شود؛ و در هر حال نوعی از «سرقت ادبی» است.

۵. شیادی و دغل‌کاری یا دزدی بی‌برگه و بی‌نام و نشان.

همان سرقت مدارک و مأخذ تحقیقی فضلاً و دانشمندان است که در آغاز فصل سرقات ادبی بدان اشاره کردیم و تفضیلی را که در آنجا وعده دادیم بدین قرار است که: شخص داشتمند محقق زحمتکش چه بسا که ماهها و سال‌ها، رنج تبع و تصفح می‌برد و سرگشته و سراسیمه از این کتاب به آن کتابخانه به آن کتابخانه می‌دود تا مطلبی تازه به چنگ می‌آورد و آن را در کتابی یا مقاله‌ای می‌نویسد و برای اینکه نوشتۀ خود را مستند و مستدل کرده باشد، مأخذ و سند نوشتۀ خود را هم در حاشیه غالباً با ذکر صفحه و دیگر خصوصیات نسخه، به دست می‌دهد، غافل از اینکه وسیله دزدی بی‌برگه و بی‌نام و نشان به دست سارقان شیادتر دست ادبی داده است که نوشتۀ او را انتقال می‌کنند و به جای اینکه از مؤلف کتاب و نویسنده مقاله نام ببرند، مأخذ او را سند کار خود قرار می‌دهند، با اینکه، شاید در تمام عمر خود، اصلاً آن مأخذ را ندیده و نخوانده باشند. بر فرض هم که ببینند، از عهده فهم آن بر نمی‌آیند.

چنانکه من خود یکی از این جماعت را دیدم که «شفای ابوعلی سینا را سند نوشتۀ خود قلمداد کرده بود و در برخورد با وی معلوم شد که اصلاً در عمر خود کتاب «شفا» را ندیده است و آن را از افسانه «ایمیر ارسلان» و «سه تفنگدار» امتیاز نمی‌دهد. و پاره‌ای از این جماعت گستاخی را چنان وانمود می‌کنند که اصلاً آن سند و مأخذ را پیش از مؤلف دیده بوده اند و حال آنکه شاید ابداً آن مأخذ را ندیده باشند و حدود معلومات و تبعیت و وضع کار ایشان هرگز مناسب با آن دعوی نباشد.

و گاه هست که نوکاری نوامور، برای اینکه اهمیت و اعتبار به نوشتۀ های خود داده

بریزند. بدون اینکه موضوع آن را تغییر داده باشند؛ چنانکه مثلاً کتابی را که به سبک خود مؤلف نوشتۀ شده است، با یوۀ انشاء دیگر بنویسند و بدون اینکه نامی از مؤلف اصل برده باشند، اصل آن تالیف را به خود نسبت دهند، این عمل جزو دزدی و خیانت فاحش است. اما هرگاه قصد تحریر و تنقیح داشته باشند، و مثلاً کتاب مشکل قدیم را به نثر فصیح ساده قابل فهم امروز تبدیل کنند، خود صنعتی بدیع و هنری ارزنده است، به شرط اینکه حق مؤلف اصل را فراموش نکرده باشند و بگویند که اصل کتاب از کیست و ما در آن چه تغییری داده و چه تصرفی کردہ‌ایم. (همایی، ۱۳۸۹: ۳۶۳)

۱. مسخ یعنی تغییر صورت دادن چیری را از گونه‌یی به گونه‌یی دیگر بدل کردن و اغاره به معنای غارت کردن در اصطلاح آن است که اثر دیگری را از لفظ و معنی بردارند و در آن به تقدیم و تأخیر کلمات و بسط عبارات، یا نقل کردن به مرادفات و امثال این امور، تصرف کنند. (همان: ۳۶۱)

باشد، کتب مهمی را از قبیل همان شفای ابوعلی و اسفار ملاصدرا یا در ریاضیات قدیم، امثال تحریر محسنی و تحفه شاهی قطب الدین شیرازی و شرح تذکرہ بیرجندی را جزو مأخذ خود ثبت می کند درحالی که آن کتابها را اصلاً ندیده و نخوانده و از عهده فهمش نیز خارج است. (همایی، ۳۸۹-۳۶۹: ۳۷۱)

مرحوم همایی در باب خیانت و سرقت در ترجمه نیز سخنی بسیار مهم دارد که باید

مورد توجه هر دانشجو و محققی قرار گیرد:

خیانت و سرقت در ترجمه

ترجمه اشعار و متون عربی و زبان های دیگر به فارسی فصیح؛ و همچنین از فارسی به زبان های دیگر، هنری بس عالی و زیینده و ارزنده است، به شرط اینکه: اولاً ترجمه تام و تمام بدون حذف و اسقاط باشد؛ و اگر مصلحتی در انداختن جمله و عبارتی بوده است؛ یا قصد تلخیص و اختصار داشته اند، آن را صریح و واضح اعلام کنند. ثانیاً: امانت در نقل و حفظ نام و شئون مؤلف اصل را مراعات کنند.

اما عملی که مابین پاره ای از مردم بی مایه شیاد زمان ما اعم از فارسی و عربی و غیره، معمول است که کتب و رسائل و مقالات علمی و ادبی دیگران را از زبانی به زبان دیگر بر می گردانند و بدون گزاردن حق نویسنده اصل، آن را جزو مؤلفات مستقل خود به خرج می دهند، سرقت فاحش و مورد حکم الهی «السارق و السارقة فاقطعوا ایدیهم» است، چیزی که هست می توان قطع ید را در این موارد بر بریدن دست و جارحه و اندام ظاهر؛ حمل نکنند؛ یعنی نه چنان باشد که اگر مثل دزدان اموال، در دزدی اول چهار انگشت پنجه دست راست او را قطع کردي، با باقیمانده انگشت دست راست و تمام دست چپ، همان دزدی را تکرار کند، بلکه بریدن دست را اینجا شاید به «قطع ید» معنوی تأویل کنند؛ یعنی چنان کنند که دزدان ادبی برای همیشه دست از این عمل زشت قبیح بردارند؛ و دستشان از این قبیل کارها بریده شود. (همان: ۳۸۱-۳۸۲)

فصل دوم

علم و روش علمی

علم در لغت به معنای وضع یا کیفیت دانستن و دانایی در برابر نادانی یا آگاهی نادرست است. برای مثال، گفته می شود که بدون علم نباید درباره موضوعی سخن گفت. همچنین علم به معنای بخشی از آگاهی های نظام یافته، نظری یک رشته تحصیلی (برای مثال، علم سیاست یا علم زمین شناسی) است. در اصطلاح دانشمندان «علم» به هر دانسته و شناختی اطلاق نمی شود؛ بلکه علم معرفتی دقیق و شناختی تیزبینانه است. در این فصل به بیان تعریف علم و برخی از مهم ترین قواعد روش شناسی تحقیق در مطالعات علوم اسلامی می پردازیم.

۹. علم شناختی منضبط و سازمان یافته است.

یک مقاله، کتاب و یا پایان نامه زمانی دارای اطلاعاتی «علمی» است که مبتنی بر ویژگی هایی مطابق تعریف علم باشد. آن ویژگی ها عبارت اند از:

- علم شناختی نظام یافته است؛ یعنی نظم و ترتیبی به هم پیوسته دارد و ارائه دهنده شناخت منسجمی است. چنانکه بر پایه چینش مقدمات صحیح به نتایج یقین اور بررسد.

- علم بر واقعیتی دلالت دارد که بی نیاز از وجود و یا عدم وجود پژوهشگر است. علامه جعفری می نویسد: «علم عبارت است از: انکشاف واقعیتی که وجود و جریان کلی آن بی نیاز از من و عوامل درک انسانی بوده باشد که با آن ارتباط برقرار کرده است. قضیه و

مسئله‌ای را که از چنین انکشافی حکایت کند، قضیه علمی می‌نامیم.» (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۵)

(۱۶)

علم مبتنی بر استدلال و ادله منطقی است. هر گزاره علمی دربردارنده دلایلی است که به تبیین چرایی و یا اثبات موضوع خود می‌پردازند. ضمن آنکه لازم است تا همزمانی دو پدیده باهم از مفهوم «اسباب» جدا شو؛ چنانکه فارابی (۳۳۹ ق / ۹۵۰ م) اشاره دارد که می‌دانیم که «حرارت» ناشی از اسبابی چون آتش، خورشید و نظایر آن است؛ اما امور دیگری نیز هستند که هرچند همزمان باهم اند ولی در رابطه علی باهم قرار ندارند. چنانکه علت تولد و یا مرگ فردی به جهت تقارن آن با غروب خورشید و یا طلوع آن نیست. (الخطابی، ۱۹۹۸: ۱۱۹)

علم افادة یقین صد در صد می‌کند. (با حصول علم، شک از آن رخت بر می‌بندد.) فرضیه متنضم گمانی بیش از پنجاه درصد است و از این رو تا زمانی که تأیید، اصلاح و یا رد امری از طریق روش علمی (متناسب با موضوع آن علم) به یقین منتهی نشود، آن را نمی‌توان علم نامید. توجه به این نکته ضروری است که در مطالعات اسلامی «با ظن و گمان نمی‌توان اصول دین را بیان نهاد زیرا (ان الظن لا یغنى من الحق شيئا)» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۳۶)

علم از طریق روش معتبر و متناسبی با موضوع خود قابل وصول است. علم حدیث، علم فقه، فلسفه و علوم عقلی، علوم قرآنی، علم تاریخ، علم طب و...، هر یک نیازمند به کارگیری روش خاص خود هستند. مرحوم علامه حسینی تهرانی (۱۳۴۵ - ۱۴۱۶ ق) در وصف مرحوم علامه طباطبایی ^(۱۶) می‌نویسد:

از مرحوم ملا محسن فیض کاشانی {۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ ق} بسیار تمجید می‌کردند و می‌فرمودند: این مرد جامع علوم است و به جامعیت او در عالم اسلام کمتر کسی را سراغ داریم و ملاحظه می‌شود که در علوم مستقلًّا وارد شده و علوم را باهم خلط و مزج نکرده است. در تفسیر صافی و أصفی و مصطفی که روش تفسیر روایی را دارد، ابدأً وارد مسایل فلسفی و عرفانی و شهودی نمی‌شود، در اخبار کسی که کتاب وافی او را مطالعه کند می‌بیند یک اخباری صرف است و گویی اصلاً فلسفه نخوانده است، در کتاب‌های عرفانی و ذوقی نیز از همان روش تجاوز نمی‌کند و از موضوع خارج نمی‌شود. با اینکه در فلسفه استاد و از مبرزان شاگردان صدرالمتألهین بوده است. (حسینی طهرانی، بی‌تا:

(۲۶)

۱۰. پژوهش‌ها بر اساس اهداف پژوهشگران انواع مختلفی دارند.

یکی از انواع پژوهش‌ها «نوجویی و یافتن مسایل جدید علمی» است که از اساسی‌ترین پژوهش‌هایی هستند که مستقیماً به تولید علم می‌انجامند. بزرگ‌ترین کشف انسان ادراک قوه در کنار امر بالفعل بوده است. این امر استعدادی عالی است و البته شهامت و جسارت بسیاری را نیز می‌طلبد. برخی از کتاب‌ها و مقالات و رساله‌های دانشگاهی چیز جدیدی بر حوزه علمی مورد نظر می‌افزایند و یا مسئله را از زاویه‌ای مطرح می‌کنند که تا آن زمان مورد توجه کسی واقع نشده بود. این امر مستلزم آشنایی کامل با پیشینه تحقیق و اشراف بر آن است تا بتوان با انکا بر آن از مرزهای فعلی علم فراتر رفت. برخی از محققان، این نوع پژوهش‌ها را پژوهش‌های ابتکاری یا نوجویی در برابر پژوهش‌های «تأییدی یا نوگستری» می‌نامند. پژوهش ابتکاری به دنبال یافتن یا کشف آنچه بر دیگران مجھول است؛ اما پژوهش تأییدی تنها شامل گستردن یا تفصیل چیزی می‌شود که به صورت اجمالی بر دیگران معلوم است. (آریان پور، ۱۳۵۸: ۱۰) گاه ممکن است که نوآوری یک تحقیق به استنبط یک دانش نوین بینجامد که در این صورت ارائه «موضوع» جدیدی را می‌طلبد که بر اساس مسایل آن ابواب و فصول علم نوین را ترسیم کنند. به عبارت دیگر محقق در ضمن تحقیقات خود مسایل و مباحث نوینی استنبط کرده و می‌کوشد تا با بین‌الاذهانی کردن آن‌ها با دیگران، کاربردشان را تعمیم دهد.

در این زمینه به نکات زیر توجه شود:

۱. هیچ‌گاه موضوعات بدیهی را به عنوان پرسش تحقیق خود مطرح نکنید.
۲. با توجه به انبوه نیازمندی‌های فرهنگی و معرفتی جامعه خود، می‌توان در مسیر پژوهش‌های نوین قرار گرفت.

۳. نو و جدید بودن یک پژوهش، فی‌نفسه امتیازی برای آن نیست؛ بلکه بیش از نو بودن یک مطلب، نقش مفید و سازنده تحقیق در ارتقای سطح معارف دینی و فرهنگی جامعه اهمیت دارد. هر سخن تازه‌ای واجد ارزش نیست؛ اما اگر نوآوری با محتوایی عمیق به دنبال «حق‌یابی» و «حق‌خواهی» و رفع نیازهای فرهنگی جامعه باشد، در آن صورت محقق توفیقی بزرگ داشته است. برخی دیگر از پژوهش‌ها به «تکمیل امور ناقص و ناقمam گذشته» اختصاص دارند. معمولاً یافته‌های جدید درباره موضوعات علمی منجر

به تجدیدنظر و یا اصلاح تحقیقات پیشین می‌شوند. این خلدون درباره دلایل انجام این دسته از پژوهش‌ها به موارد زیر اشاره کرده است: ۱. اطلاع از وجود نقصان در آثار پیشین و کوشش در جهت رفع آن، ۲. تکمیل آنچه ناتمام باقی مانده است. (در قالب مسایل و یا فصولی بر آثار مورد نظر) (این خلدون، ۱۳۷۵/۲: ۱۱۲۳) در اینجا بحث اصلی نه در رفع اشتباه پژوهش‌های قبلی، که در گسترش کمی و کیفی آن‌هاست و البته می‌تواند به رفع اشتباهات دیگر پژوهش‌ها بینجامد. برای مثال، پژوهش‌های بسیاری درباره چگونگی گسترش امر نماز در جامعه صورت پذیرفته است؛ اما ممکن است محقق متوجه عدم عنایت کافی آن‌ها به ارائه راه حل‌های عملی منطبق با شرایط شهرهای مختلف کشور شود. او از سویی نیازمند تکمیل کارهای پیشین است و از سوی دیگر وارد پژوهشی ابتکاری و نوجوانه می‌شود.

یکی دیگر از انواع پژوهش‌ها «مختصر کردن آثار مفصل پیشین» (بدون تغییر در محتوای آن) است. این پژوهش‌ها عمدتاً به خلاصه کردن متون طولانی و مطول، جهت اهداف آموزشی اکتفا می‌کنند. طبیعی است که در یک نیمسال تحصیلی در دانشگاه (حداکثر ۱۷ جلسه) نمی‌توان کتابی بسیار قطور را به عنوان منبع درسی قرار داد. گلچین کردن مطالب و خلاصه کردن چنین اثری، به صورتی که مباحث اصلی به اندازه کافی انتخاب شوند و نیز محتوای کتاب مخدوش نشود، کار چندان ساده‌ای نیست. هرچند محصول نهایی، نسبت به اثر اصلی، منبع درجه دوم محسوب می‌شود. برای مثال، اگر بخواهیم یک دوره تفسیر قرآن را به جهت استفاده مخاطبان خاص خود (مانند نوجوانان) خلاصه کنیم، وارد این شیوه از پژوهش شده‌ایم که نگارش آن مستلزم حذف آن دسته از مطالب تخصصی است که مناسب فهم مخاطب خاص ما نیست. این کار برطرف کننده یک نیاز اساسی جامعه است و بر خلاف باور اولیه دقت و مهارت بسیاری را می‌طلبد؛ اما باید در نظر داشت که عادت به خلاصه خوانی و اکتفا بر آن، اثری منفی بر رشد علمی‌مان

دارد.^۱ لذا به رغم مفید بودن این شیوه در امر آموزش و یا جذب مخاطبان خاص، از تبدیل آن به فرهنگ مطالعاتی حذر باید کرد.

گونه‌ای دیگر از پژوهش‌ها شامل «جمع آوری مطالب پراکنده و سازمان دهی آن در مجموعه‌ای نظاممند» می‌شود. این روش دارای نوآوری اساسی نیست اما زمینه‌ساز پژوهش‌های بعدی خواهد بود. برای مثال، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- جمع آوری اشعار فارسی مربوط به مسجد،
- گردآوری افعال جامد در زبان عربی در قالب یک فرهنگ،
- سازمان دهی موضوعی تفسیر «المیزان»
- انجام کتاب‌شناسی‌های موضوعی (مثلاً درباره داستان حضرت یوسف عليه‌السلام)

گاه ممکن است که این روش به شکل‌گیری علمی نوین بینجامد؛ چنانکه برخی از محققان آغاز پیدایش علم بیان را بر پایه این نوع از پژوهش‌ها می‌دانند. چه آنکه عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۱ ق)، ابو یعقوب یوسف سکاکی (متوفی ۶۲۶ ق) مسایل علم بیان را در کتب نحوی پراکنده یافته‌اند، ضمن آنکه پیش‌تر، جاحظ (متوفی ۲۵۲ ق) در کتاب «البيان والتبيين» بسیاری از مسایل آن دانش را گرد آورده بود. این توجه منجر به تلاش در جهت کشف موضوع این علم و جدا کردن آن از دیگر علوم با عنوان علم بیان گردید تا جایی که کتب مشهوری درباره آن نگاشتند. حال آنکه پیش‌تر چیزی جز مجموعه مطالبی پراکنده به نظر نمی‌رسید. (ابن خلدون، ۱۳۷۵ / ۲: ۱۱۲۴)

«ترجمه آثار علمی» نیز از زمرة دیگر پژوهش‌های علمی به شمار می‌رود. ترجمه تنها انتقال ساده یک متن از زبانی به زبان دیگر نیست؛ بلکه در درجه اول انتقال فرهنگ و تمدن از زبانی به زبان دیگر است. تمامی نهضت‌های ترجمه در جهان اسلام بر سیر تفکر و فرهنگ آن‌ها تأثیرگذار بوده و منجر به بروز واکنش‌هایی در جوامع‌شان شده است. برای ترجمه، نخست باید با مطالعه دقیق آن، نکات نیازمند تحقیق را استخراج کرد؛ سپس با نگاشتن مقدمه و بخش معرفی کتاب، ترجمه متن اصلی را انجام داد. این ترجمه می‌تواند به صورت ترجمه علمی و دقیق (بدون دخل و تصرف و همراه با تحقیق واژگان

۱. یکی از انتقادات ابن خلدون در دوران انحطاط علمی در اندلس اسلامی و شمال آفریقا، رواج تکیه بر خلاصه‌ها به جای منابع اصلی بود. (ابن خلدون، ۲۰۰۰، مقدمه ابن خلدون، صص ۴۵۷ - ۴۵۸ نیز ابن خلدون: ۱۳۷۵، مقدمه ابن خلدون، ج ۲، صص ۱۱۲۴ - ۱۱۲۵)

آن) و یا ترجمه آزاد (اعمال سلیقه مترجم، در کنار رعایت معنا) باشد. مرحوم دکتر طاهره صفار زاده (از مترجمان بر جسته قرآن) می‌نویسد: موفقیت یک ترجمه عبارت از مجموعه پاسخ‌های مثبتی است که به این پرسش‌ها باید داده شود:

- أ. آیا مفهوم متن اصلی رسانده شده؟
- ب. آیا لحن نویسنده حفظ شده؟
- ت. آیا مترجم زبان خاص و متناسب متن را یافته؟
- ث. آیا واژگان درست و دقیق انتخاب شده؟
- ج. آیا تطابق دستور زبانی به عمل آمده؟
- ح. آیا در برگرداندن جمله‌ها طول کلام نویسنده رعایت شده؟
- خ. آیا به علامات نقطه‌گذاری اهمیت کافی داده شده؟ (صفار زاده، ۱۳۸۰: ۲۹)

درباره ترجمه تعاریف و تعابیر مختلفی موجود است. برای مثال، «کولی» Cowley می‌نویسد: ترجمه کلمه به کلمه و یا خط به خط به این می‌ماند که دیوانه‌ای حرف‌های دیوانه دیگری را نقل کند. «نایدا» Nida ترجمه را عبارت از آن می‌داند که از نزدیک‌ترین معادل زبان مورد ترجمه، اول از جهت مفهوم و بعد از لحاظ سبک، بهره‌مند باشد و «ارنست سیمونز» Ernest Simmons معتقد است که ترجمه خوب، ترجمه‌ای است که مفهوم و پیام متن اصلی را به علاوه فرم (شکل بیان) تا سرحد امکان حفظ کرده باشد. (نک: همان، ۲۶ - ۲۷)

جلال الدین همایی نیز درباره ترجمه می‌نویسد:

ترجمه یعنی مطلبی را از زبانی به زبان دیگر برگردانیدن و این کار که خود هنری در جزو هنرهای گران ارز ادبی شمرده می‌شود، در نظم و نثر - هردو - روا و شایع است. ترجمه بر دو قسم است:

۱. یکی «پایخوان» یعنی ترجمه تحتاللفظ که آن را حرف به حرف و کلمه به کلمه حتی با صورت جمله‌بندی بی‌کموزیای از زبان دیگر نقل کرده باشند، چنانکه در ترجمه کتب مذهبی آسمانی معمول است.
۲. قسم دیگر، ترجمه به معنی که روح مقصود و حاصل مراد گوینده و نویسنده‌ای را بگیرند و آن را در قالب زبانی دیگر بریزنند، چنانکه خصوصیات ادبی و دستوری زبان ترجمه هم کاملاً مراعات شده باشد؛ و این خود هنری بسیار عالی و گران‌مایه است و جز از کسی که در هر دو زبان منقول منه و منقول‌الیه، نهایت تبحر و براحت استادی

داشته، از ذوق و سلیقهٔ مستقیم ادبی نیز کاملاً برخوردار باشد، ساخته و پرداخته نیست.
(همایی، ۱۳۸۹: ۳۷۳)

همچنین شرایط یک مترجم خوب عبارت است از:

۱. تسلط وی به هر دو زبان،

۲. رعایت،

۳. احاطه علمی به موضوع متن مورد نظر،

۴. آشنایی مترجم با ستر فرهنگی ای که نویسنده اثر بدان تعلق دارد.

ترجمه زمانی می‌تواند به عنوان یک رسالهٔ پژوهشی دانشگاهی مورد پذیرش واقع شود که متن انتخاب شده از بهترین آثار مربوط به آن رشته باشد و دانشجو علاوه بر ترجمه اثر، حتماً به شیوه‌ای علمی، به نقد محتوایی آن پردازد.

از دیگر انواع پژوهش‌ها «شرح آثار دشوار یا تحقیق در نسخ خطی» است.

برای مثال، «الفیه ابن مالک» (حدود ۶۰۰ - ۶۷۲ ق) در علم نحو عربی به توسط شخصیت‌های بسیاری شرح داده شده و حتی بر برخی از شروح آن نیز شروحی دیگر نوشته شده است. برخی از شارحان در خلال فعالیت علمی خود کوشیده‌اند تا مطالب الفیه را از حالت اجمال به تفصیل و از پیچیدگی مباحث به آسانی درآورند. به طور کلی، تحقیق در زمینه آثار خطی شامل موارد زیر است:

۱. شناسایی هویت نسخه اصلی.

۲. شناسایی نسخ خطی دیگر به ترتیب اولویت پژوهشی و وثاقت نسخه.

۳. مقایسه دیگر نسخه‌ها با نسخه اصلی.

۴. بررسی دورهٔ تاریخی مورد نظر و اشراف بر فضای مفهومی واژگان فرهنگی آن.

۵. شرح لغات، اصطلاحات علمی و دیگر دشواری‌های موجود در متن.

مرحوم جلال‌الدین همایی عمل تصحیح را غیر از مقابله کردن نسخ می‌دانست. او کسانی را که چند نسخه مختلف از یک کتاب را جمع می‌کنند و در آن میان یک نسخه را اصل قرار می‌دهند و بقیه را نسخه بدل نام می‌نہند و نسخه بدل‌ها را نیز بدون مشخص کردن صحت و سقم آن‌ها، با علامات خاص در حواشی ثبت می‌کنند، ارزش کارشان تنها در این است که فقط خواننده را از مجموع نسخه‌هایی که به دست آورده‌اند، مطلع می‌سازند. او می‌گفت:

من هر وقت این قبیل نسخه بدل نویسها را می‌بینم به یاد قصه مثنوی مولوی درباره آن مرد دو مو می‌افتم که عروس نوگریده بود و پیش سلمانی رفت که موهای سفید او را از سیاه جدا کند. سلمانی همه ریش او را یکجا بریده و پیش او گذاشت که من فرصت این کار را ندارم، خودت موهای سفید و سیاه را از هم جدا کن. (نصری، ۱۳۶۷: ۱۷۱). او به نقل از مختاری نامه، ص ۷۴

همایی معتقد بود که شأن اهل تحقیق مقابله نسخ نیست و روش دقیق تصحیح که سنت گذشتگان نیز بوده است، علاوه بر جمع‌آوری نسخه‌های گوناگون و مقابله آن‌ها با یکدیگر، یافتن تحریفات و تصحیفات نسخ، است که متن‌من احاطه و تبحر در موضوع کتاب را پیداکرده و نسخه یا نسخ ارجح را عرضه کند. کاری که هم نیازمند آشنایی با موازین علمی و فنی این کار است و هم تبحر در موضوع و دقت و پشتکار است. او با دردمندی چنین می‌گوید:

متأسفانه در این ایام که آن را دوره آشفتگی بازار ادبیات فارسی می‌توان نامید، در جزو سایر تخلیطات و اشتباه کاری‌ها، عمل تصحیح و مقابله نیز به یکدیگر مخلوط و مشتبه شده و این کار مثل اکثر امور فرهنگی دست‌خوش مداخلات ناھلان گردیده است. هر که را بینی به تقلید و تشبیه اساتید فن دو نسخه عکسی از کتب‌خانه‌ها تهیه کرده و باد در گلو افکنده که لقمه از حوصله بیش مشغول تصحیح دیوان یا فلان کتاب علمی و ادبی نثر قدیم است و گاهی که محصول این کوشش‌های بی‌فایده به بازار می‌آید، مایه فضیحت و خجلت و شرمساری است. (همان: ۱۷۲)

شکل دیگری از پژوهش‌ها در کوشش پژوهشگر به منظور «اصلاح اشتباهات نویسنده‌گان دیگر» مشاهده می‌شود. برخی از نویسنده‌گان در آثار خود به عمد یا غیر عمد، مطالب نادرستی درباره دین و معارف اسلامی ارائه داده‌اند که حساسیت‌های فرهنگی بسیاری به دنبال دارد. در نتیجه، وظیفه پژوهشگران رفع اشتباهات موجود در این دسته از آثار است؛ ضمن آنکه باید توجه داشت که «دانشمندی که آن لغزش‌ها را رد می‌کند، ناگزیر باید دلایل خود را بنویسد و به صورت مکتوب به یادگار بگذارد تا خواننده بر آن آگاه شود.» (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۱۲۳)

۱۱. پژوهشگر باید متوجه کاربردهای پژوهش خود باشد.

پژوهش‌ها را به اعتباری به پژوهش‌های پایه (بنیادی) و پژوهش‌های کاربردی تقسیم کرده‌اند. پژوهش پایه‌ای می‌تواند زمینه «پژوهش کاربردی» باشد ولی به صورت مستقیم متوجه علمی کاربردی در زندگی انسان‌ها نیست. در حالی که پژوهش‌های کاربردی دارای مستقیماً متوجه حل مشکلات جامعه و بشریت هستند. در ضرورت انجام هر دو این پژوهش‌ها شکی نیست. تصمیم‌گیرندگان سیاسی هر کشور به جهت کسب توانایی در اداره عملی جامعه، نیازمند پژوهش‌های کاربردی هستند و این دسته از پژوهش‌ها خود متکی بر پژوهش‌های پایه‌ای هستند. برای مثال، ما علاوه بر نیاز به تشریح دقیق زندگانی و سنت پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، نیازمند طرح پرسش‌هایی کاربردی غالباً با ادوات پرسشی «چه»، «چگونه»، «چطور» و نظایر آن در جهت عملی ساختن آن در زندگی خویش هستیم.



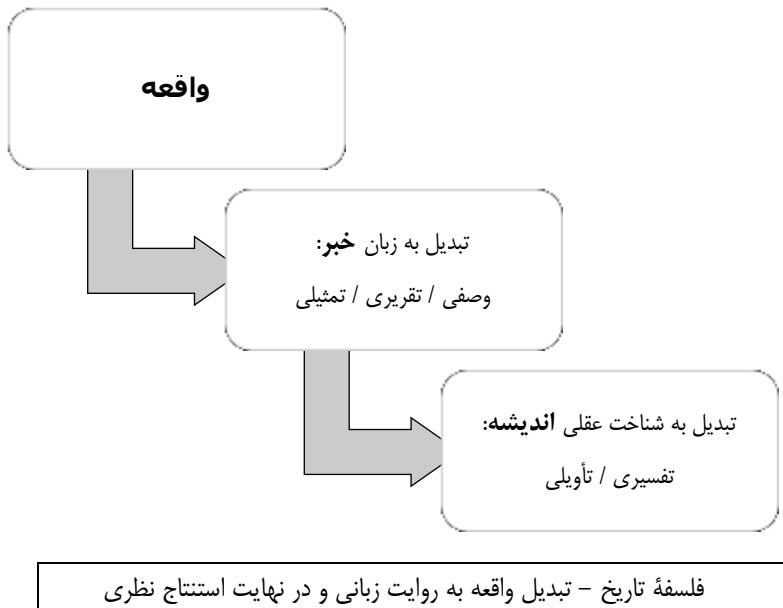
مطالعات کاربردی معمولاً به زوایایی از آسیب‌شناسی موضوع نیز می‌پردازند. برای مثال، پژوهشی که به منظور حل معضل تفرقه در جهان اسلام نوشته می‌شود، باید به موانع تفرقه نیز پردازد؛ بنابراین ارائه راهکار پس از شناخت مشکل ضروری است. این به

معنای ضرورت ۱. وجود مسئله‌ای برای حل کردن و نیز ۲. داشتن انگیزه برای رفع تهدید است تا پژوهش از حالت یک گزارش تکراری خارج شود و به گزارشی راهبردی مبدل شود.

۱۲. اقتضای برخی از پژوهش‌ها استفاده از روش‌های ترکیبی است.

برخی از پژوهش‌ها از روش‌های ترکیبی بهره می‌گیرند. برای مثال علم تاریخ واجد دو جنبه روشی است. که عبارت‌اند از: الف- نقل ب- عقل. علم تاریخ تنها گردآوری روایت‌های تاریخی و یا مقایسه آن‌ها جهت شناخت حوادث گذشته نیست؛ بلکه این علم در درجه اول به تفسیر آن وقایع می‌پردازد. فایده اصلی تاریخ کسب تجربه و عبرت از گذشته برای حل مشکلات امروز است و گر نه هدف مورخانی بزرگی چون ابوالحسن مسعودی (متوفی ۳۴۶ ق) احمد ابن ابی یحیی یعقوبی (متوفی ۲۸۴ ق) و ابوریحان بیرونی (متوفی ۴۴۰ ق) بیان تنها وقایعی جزئی برای سرگرمی نبوده است. از این رو تاریخ نوعی حکمت است و جنبه‌ای عملی و اخلاقی نیز دارد.

با این حال در مطالعات جدید، برخی علم تاریخ را از علوم نقلی به حساب آورده‌اند که در مقابل فلسفه (علوم عقلی) است. پیوند میان این دو به «فلسفه تاریخ» منجر شده است. در فلسفه تاریخ از سویی با تبدیل «واقعه تاریخی» به «خبر»، شناخت واجد صورتی زبانی شده و از سویی دیگر روایت تاریخی منقول با «استنتاج نظری» صورتی تحلیلی پیدا می‌کند که در نهایت به شناخت واقعه یاری می‌رساند. (جمیش، ۱۹۹۸: ۴۳) همچنین لوازم و تبعات روشی جنبه زبانی آن متفاوت با جنبه نظری و استنتاجی‌اش است؛ اما هستند بسیاری از فلاسفه و نیز مورخانی که یا فاقد چنین تصوری از رابطه تاریخ و فلسفه بوده و یا اصولاً آن را انکار می‌کنند. برای مثال، تاریخ را امری جزیی و فلسفه را امری کلی و غیرقابل جمع با یکدیگر می‌دانند. (همان منبع، ۲۴ - ۱۲۵) بنابراین، بسیاری از تعارضات بین رشته‌ای خود را در شیوه طبقه‌بندی علوم نمایان می‌کنند.



۱۳. مطالعات توصیفی، تحلیلی و نظریه پردازی

مطالعات توصیفی مطالعاتی است که به ارائه گزارشی از یک پدیده و یا موضوع، بدون علتیابی شکل گیری و پیدایش آن هستند. در این گونه پژوهش‌ها، بر گزارش یک واقعه و یا یک اندیشه، از آن جهت که «موجود است» و نه «چرایی به وجود آمدن آن» توجه می‌شود. برخی از محققان مطالعات توصیفی در حوزه وقایع تاریخی (مربوط به گذشته) را با عنوان مطالعات تاریخی، از مطالعات توصیفی جدا کرده‌اند؛ اما صرف‌نظر از جنبه‌های خاص روش شناسی مطالعات تاریخی، آن قسمت از مطالعات تاریخی که صرفاً نقل روایت از پدیده‌ای تاریخی است، در حوزه توصیف خواهد بود.

از دیرباز شیوه‌های مختلفی از مطالعات توصیفی در جهان اسلام رایج بوده است. برای مثال، بسیاری از دانشمندان اسلامی در خلال ادای فریضه حج - که در گذشته معمولاً مستلزم عبور از سرزمین‌های بسیاری بود - به توصیف مشاهدات و وقایع سفر می‌پرداختند. برخی از این آثار عبارت اند از: رحله ابن جبیر (۵۷۹ - ۵۸۱ ق / ۱۱۸۳ م)، الدلیل اثر هروی (متوفی ۶۱۱ ق / ۱۲۱۴ م)، الرحلۃ المغربیۃ اثر العبدی

(متوفی ۱۳۲۱ ق / ۶۸۶) این سفرنامه‌های توصیفی از اهمیت تاریخی بسزایی برخوردارند. برای مثال، ابن جبیر در سفرنامه اش، ضمن مشخص کردن محدوده قبر حضرت اسماعیل و مادرش حضرت هاجر (علیهم السلام) تصریح بر زیارت مردم و تبرک جویی آنان و نمازخواندنشان در آنجا دارد. از دیگر نمونه‌های پژوهش‌های توصیفی می‌توان به گیاه‌شناسی دانشمندان اسلامی اشاره کرد. نمونه‌هایی از آن در پژوهش‌های ابن‌العوام (متوفی ۱۲۳۹ ق / ۳۷۶) و نیز ابن‌الرومیه (متوفی ۱۱۸۴ ق / ۵۸۰) مشهود است. ابن‌الرومیه به جهت مطالعه‌انواع گیاهان مسافرت‌های بسیاری کرد و کوشید تا در آثارش نظیر «الرحلة المشرقية» با دقت زائد الوصفی اجزای نباتات و ویژگی‌های آن‌ها را تشریح و از یکدیگر تمیز دهد. (ابو خلیل، ۲۰۰: ۵۴ - ۵۵) همچنین می‌توان به کتاب «الجامع فی الأدویة» اثر ابن بیطار (متوفی ۶۴۸ ق / ۱۲۴۸ م) اشاره کرد که در نوع خود بزرگ‌ترین دایرة‌المعارف گیاه‌شناسی در زمان خود بود. در علم جغرافیا نیز می‌توان به پژوهش‌های ادریسی (متوفی ۱۱۶۴ ق / ۵۶۰) اشاره کرد که با مسافرت‌های بسیار به شمال آفریقا، آسیای صغیر و اروپا به ترسیم نقشه‌های جغرافیایی مهمی مبادرت کرد. نقشه‌ای که او در زمانش از جهان ترسیم کرد، پیشرو بودن اطلاعاتش را نشان می‌دهد. همچنین بخشی از پژوهش‌های رایج در پزشکی که شامل گزارشی از انواع بیماری‌ها و توصیف ابزار آن است، نیز نظیر آنچه در آثار شیخ‌الرئیس حسین بن عبدالله بن حسن بن سینا (۳۷۰ - ۹۸۰ ق / ۴۲۷ - ۱۰۳۷ م) در کتاب قانون و ابوالقاسم خلف بن عباس زهراوی (متوفی ۴۲۷ ق / ۱۰۳۵ م) در کتاب «التصریف لمن عجز عن التألف» دیده می‌شود امروزه جدا کردن پژوهش‌های توصیفی از تحلیلی کار دشواری است و معمولاً تحقیقات جدید مشتمل بر هم توصیف و هم تحلیل است. توصیف اهمیت بسیار زیادی دارد و حتی می‌توان گفت که نقش آن در پژوهش بیش از تحلیل است؛ زیرا هر کجا که تحلیل است، توصیف نیز وجود دارد و در صورت توصیف نادرست و یا نارسا، تحلیل نیز به همان سرنوشت دچار می‌شود. یکی از دلایل ناکامی بسیاری از پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی کشور، عدم توجه کافی به پژوهش‌های توصیفی و دست کم گرفتن آن‌هاست؛

بنابراین، بدون وجود توصیف کاملی از وضعیت موجود، نباید به تحلیل علل چرایی آن پرداخت.

نحوه مواجهه علمی با مشکلات به شیوه‌های مختلفی صورت می‌پذیرد و از همین پژوهش‌ها به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند که یکی از آن‌ها تقسیم‌شان به پژوهش‌های توصیفی و پژوهش‌های تحلیلی است. توصیف بیان علمی وضعیت موجود است (معلول‌ها) و تحلیل ریشه‌یابی شکل‌گیری آن. (علت‌ها) پژوهش‌های معتبر جدید از هر دو شیوه استفاده می‌کنند و نمی‌توان آن‌ها را به طور کامل توصیفی و یا تحلیلی دانست.

مطالعات تحلیلی مشتمل بر مجموعه روابط علی و معلولی در توضیح یک وضعیت یا یک مسئله هستند. برای شناخت آن‌ها باید با مفهوم «نظریه» آشنا شد. متأسفانه آشتگی بسیاری در خصوص مفهوم نظریه موجود است و الفاظ معانی واقعی خود را به دلیل کاربرد نابجای آن‌ها از دست داده‌اند. اینکه فردی خود را با الفاظ پر طمطرانی مانند «نظریه‌پرداز»، «تئوری‌پرداز» دل خوش کند، ولی پاییند به معانی واقعی آن نباشد، تنها در کوتاه مدت می‌تواند با بازی کلمات و الفاظ، عده‌ای را بفرماید. نظریه‌پرداز کسی است که توصیف و تحلیلی جامع از موضوع نظریه‌اش ارائه کند. برای شناخت نظریه ابتدا باید نوعی از قضایای شرطی موسوم به «قانون» را شناخت. قانون علمی، قضیه‌ای است شرطی که حداقل سه ویژگی زیر را دارد:

۱. اسلوب بیانی شرطی دارد؛ مانند:

هر چه (الف) بیشتر / کمتر شود، پس (ب) بیشتر / کمتر می‌شود.

اگر (الف) روی دهد / ندهد، پس (ب) روی خواهد داد. / نخواهد داد.

۲. در بخش اول (الف) یا همان شرط، «علت» یا «عامل تأثیرگذار» و بخش دوم (ب) یا همان جواب شرط، «معلول» یا «تأثیرپذیر» آورده می‌شوند.

۳. قانون علمی از نظر «موضوع» و «زمان» و «مکان» نامحدود است. با محدود و

معین شدن آن - متناسب با نوع پژوهش - قانون مبدل به فرضیه می‌شود.

اکنون می‌توان مفهوم نظریه را تشریح کرد. نظریه دستگاه منسجم فکری است که حداقل شامل سه قانون علمی به هم پیوسته باشد؛ به شکلی که متغیرهای آن به شکلی مستقیم یکی پس از دیگری توضیح دهنده هم باشند. در اینجا دو نوع متغیر موجود است.

متغیر مستقل همان «علت» یا «عامل تأثیرگذار» است و متغیر وابسته، همان معلوم یا تأثیرپذیر است. برای مثال، به جملات زیر توجه شود:

- اگر گروه مرجع مثبت سیاسی جامعه‌ای، گروه مرجع بیگانه شود، پس ارزش‌های جامعه فوق نیز متأثر از آن تغییر خواهند کرد.
- اگر ارزش‌های یک جامعه به ارزش‌های بیگانه تغییر کند، پس به همان میزان از مشروعيت نظام سیاسی‌اش کاسته می‌شود.
- اگر از مشروعيت نظام سیاسی کاسته شود، پس به همان میزان از پایداری نظام سیاسی آن کاسته می‌شود.
- اگر گروه مرجع مثبت جامعه‌ای، گروه مرجع بیگانه شود، پس به همان میزان از پایداری نظام سیاسی کاسته می‌شود.

با دقت به آخرین قانون، مشخص می‌شود که این قانون نتیجه منطقی سه قانون پیش از خود است. در واقع عبارت است از: شرط قانون اول + نتیجه قانون سوم

گروه مرجع بیگانه ← پایداری نظام سیاسی

البته روابط علی ممکن است روابطی متقابل با یکدیگر برقرار کنند؛ یعنی تغییر هر یک بر دیگری اثر متقابلي داشته باشد. برای مثال، ارزش‌های اجتماعی نیز بر اثر عوامل دیگر دست خوش تحول شوند که در نتیجه موجب تغییر گروه‌های مرجع مثبت جامعه شود. همچنین نظریه جامع آن است که مبدأ روابط علی و معلولی را از سرچشمه‌ها شروع کند. در مثال آموزشی فوق، شروع نظریه از سرچشمه اصلی نیست؛ زیرا این سؤال پیش می‌آید که پس تغییر خود گروه مرجع مثبت اجتماعی معلول چه عواملی است؟ پاسخ می‌تواند به زنجیره‌ای دیگر از روابط علی و معلولی در ابعاد داخلی مانند اقدامات نظام سیاسی کشور در قالب برنامه‌های توسعه‌ای و در ابعاد خارجی مانند نقش بنگاه‌های تجاری غربی مطرح شود. در هر صورت باید کلیه متغیرهای موجود در یک نظریه را به دقت تعریف کرد.

برای آزمون نظریه، باید قضایای شرطی را به صورت مناسبی محدود کرد. پیش‌تر اشاره شد که نظریه قالب بیانی نامحدودی دارد؛ اما محقق در تبیین پدیده‌ها زمان و مکان آن را مشخص می‌کند. ساخت یک نظریه جامع و مشتمل بر روابط علی - معلولی کافی و پرداختن به همه آن‌ها نیازمند داشتن موارد زیر است:

۱. مهارت عملی در ساخت روابط علی و معلولی،
۲. داشتن زمان کافی،
۳. مطالعات وسیع درباره پدیده‌ها،
۴. وسعت نظر و هوشمندی بالا.

مثال‌هایی از پژوهش‌های تحلیلی (به روابط علی و معلولی توجه شود).

- بررسی تأثیر عقاید معتزله بر زمخشری، (مطالعه کتاب الکشاف)
- بررسی نقش ارزش‌های قرآنی در تکوین هویت ایرانی،
- بررسی تأثیر منطق ارسطویی بر تکوین علم نحو عربی،
- بررسی تأثیر فرهنگ قرآنی در ادبیات منظوم فارسی (با مطالعه دیوان حافظ شیرازی)
- علل اختلاف نظر مفسران قرآن،
- بررسی نقش فریضه حج در شکل‌گیری وحدت فرهنگی در جهان اسلام،
- بررسی نقش زمان دعا بر استجابت آن در قرآن و سنت،
- بررسی نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی (مطالعه موردی شیعیان لبنان)
- بررسی تأثیر قرآن کریم بر ساختار زبان فارسی،
- بررسی ارتباط میان شرکت در فعالیت‌های ورزشی بر پیشرفت تحصیلی،
- بررسی نقش متقابل نوع معماری بر اعتقادات دینی. (این فرضیه اشاره دارد که هر دو متغیر بر یکدیگر دارای تأثیرگذاری متقابل‌اند. به عبارت دیگر از سویی انسان‌ها فعالانه بناهای معماری را می‌سازند و از سوی دیگر خود متأثر از آن‌ها می‌شوند.)
- بررسی ارتباط میان وسایل کمک آموزشی با یادگیری قرآن کریم (در مدارس راهنمایی شهرستان کرج)

جهت مطالعه بیشتر درباره «نظریه» به آثار دکتر فرامرز رفیع مانند «کندوکاوهای و پنداشته‌ها» (آموزش روش تحقیق) و کتاب «جامعه روستایی و نیازهای آن» و «توسعه و تضاد» که دو نمونه عملی از نظریه‌پردازی هستند، مراجعه شود.

- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸ ش) کندوکاوهای و پنداشته‌ها مقدمه‌ای بر روش‌های ساخت جامعه و تحقیقات اجتماعی. تهران (چاپ دهم) شرکت سهامی انتشار.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶ ش) توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل علل

پیدایش انقلاب اسلامی و مسایل اجتماعی ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
 چاپ چهارم، ۱۳۷۹، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- رفیع پور، فرورد. ۱۳۷۰ (۱۳۶۴). جامعه روستایی و نیازهای آن: پژوهشی در ۳۲ روستای برگزیده استان یزد. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ سوم.

۱۴. پارهای از مطالعات مبتنی بر آینده‌پژوهی هستند.

آینده‌پژوهی (Futures Study) شیوه‌ای از مطالعات علمی است که محقق به توسط آن می‌کوشد تا مشکلات فراروی پدیده مورد تحقیقش را پیش از وقوعشان بیابد، آینده‌های بدیل و نحوه تحقق آن‌ها را بررسی کند و از آنجا که هر چه حالا انتخاب شود موجب تغییر آینده خواهد شد، درک صحیحی از اولویت‌ها و حق تقدم‌ها در فرایند تصمیم‌گیری کسب کند؛ بنابراین آینده‌پژوهی به معنای داشتن چشم‌اندازهای قابل تحقق (مثلاً پنجاه سال آتی) است که گاه در قالب یک «سناریو» نوشته می‌شود.

یکی از دلایل انجام پژوهش‌های تحلیلی ترسیم زنجیره‌های علت - معمولی توضیح دهنده وضعیت جاری است که به محققان در یافتن راه حل یاری می‌رسانند. ارائه راه حل به معنای توجه به امکان تغییرات مطلوب است. در اینجا تفاوت کار آینده‌پژوهان از دیگر محققان، در تفاوت طرح مسأله شان مشاهده می‌شود که آلوین تافلر آن را با عنوان «چشمان تازه‌ای به واقعیت» تعبیر می‌کند؛ به عبارت دیگر آینده‌پژوهان روابط علت و معمولی را نه تنها برای تبیین وقایع گذشته و حال، بلکه برای شناخت و یا ساختن آینده مطلوبشان مورد توجه قرار می‌دهند؛ بنابراین آینده‌پژوهی علم تغییر وضعیت جاری برای ساختن آینده مطلوب و گریز از آینده‌های نامطلوب مطرح است. شناخت متغیرهای سازنده آینده محور اصلی آینده‌پژوهی است.

مثلاً ممکن است محققی در یک پژوهش توصیفی و اکتشافی این پرسش را مطرح کند که «مهم‌ترین مسایل و مشکلات فرهنگی ایرانیان در حال حاضر کدام‌اند؟» و پس از یافتن پاسخ این پرسش به دنبال یافتن «علل شکل‌گیری و تداوم آن‌ها» (زنجیره علت - معمولی) باشد و نهایتاً پیرامون «راه حل‌های برآور رفت از وضعیت موجود» بیندیشید؛ اما پرسش‌های آینده‌پژوهان ناظر به ترسیم آینده جهت اتخاذ تصمیمات بهتر در زمان حال

است. لذا نوع پرسش‌های آنان به گونه‌ای دیگر طرح می‌شوند مانند آن که:

- «مشکلات فرهنگی ایرانیان در آینده (مثلاً دهه آتی) کدام‌اند؟ (در برابر شان چندگونه آینده ممکن مطلوب و یا نامطلوب موجود است؟)
- «آینده‌های جایگزین آن‌ها کدام‌اند؟ (حل مسایل در آینده)»

تافلر در این خصوص می‌گوید: «نگاه کردن به آینده چیزی که هیچکس نمی‌تواند، مگر به شیوه انتزاعی، وسیله‌ای است برای بهتر کردن تصمیم‌هایی که در زمان حال گرفته می‌شوند.» اهمیت آینده پژوهی از آن روست که فهم زمان حال نیازمند فهم آینده است و کسی که دیدگاهی درباره آینده نداشته باشد، نمی‌تواند با زمان حال تعامل کند و از این رو فرهیختگان مسلمان باید بتوانند آینده کشورهای خویش را خود ترسیم کنند؛ به ویژه آن که موضوعاتی مانند جهانی شدن باعث شده است تا آینده ملت‌های مسلمان بیش از پیش به هم وابسته شود. حسرت خوردن از پایان گذشته‌ای پرافتخار و یا اکتفا کردن به نقد وضعیت کنونی راه حل‌های مناسبی برای مواجهه با پدیده‌هایی چون تهاجم فرهنگی و یا جهانی شدن فکر و فرهنگ غربی نیستند؛ این فهم زمان حال برخاسته از معرفت به آینده است که می‌تواند قدرت مسلمانان را در حل مسایل و معضلاتشان افزایش دهد؛ مشروط به آن که برخاسته از علمی معطوف به عمل باشد. یکی از معیارهای شناخت مطلوب زمانه آن است که محقق غلتاً با حوادث آینده مواجه نمی‌شود. کسی که دید روشی از آینده نداشته باشد به درستی نمی‌داند که چگونه با زمان حال مواجه شود. آینده از امروز آغاز می‌شود و جوامع اسلامی نیازمند بهبود سیاست‌هایی هستند که هم‌اکنون اتخاذ می‌نمایند تا به آینده‌ای بهتر نائل شوند. همچنین آینده‌پژوهی موجب کسب آمادگی مطلوب برای زندگی در آینده می‌شود. مهیا شدن برای آینده منوط به داشتن برنامه در زمان حال است. موفقیت کسی که تنها به زمان حاضر می‌اندیشد، پایدار و ماندنی نیست؛ مثلاً آینده‌پژوهی وظیفه هشدار قبلی و آمادگی قبلی در قبال مسایل آتی و معین کردن درجه احتمال وقوعشان را بر عهده می‌گیرد و موجب مطالعه در زمینه امکانات و توانایی‌های بالفعل و بالقوه افراد جامعه به منظور توسعه توانایی‌های آن می‌شود. برخی از پیش‌فرض‌های آینده‌پژوهی عبارت‌اند از:

۱. آینده از ابتدا مقدار نشده است. (قابل تغییر و جایگزینی است.)
۲. شناخت آینده پیش از آن که برای اصلاح زمان حال باشد برای ساختن فردایی

بهتر است.

۳. زمان حال را نمی توان بدون درک گذشته و تصویری از آینده مقابله شناخت؛ اما چنین نیست که هر چه در آینده پدید آید، در گذشته و یا زمان حال موجود باشد. آینده دارای عناصر و روابطی است که پیشتر از آن موجود نبوده‌اند.

۴. هر جامعه دارای آینده‌های ممکن بسیاری است که برخی از آن‌ها بدیل دیگری‌اند.

۵. هرگونه توسعه‌ای در گرو ترسیم آینده خویش است. توسعه موفق توسعه‌ای است که تصویر آینده خویش را به گونه‌ای بومی و بر پایه نیازهای واقعی خویش ترسیم کرده است.

بیندیشیم

مطالعه روابط علی و معلولی مندرج در متون فرهنگی جهان اسلام، ضمن تقویت قدرت استدلال خواننده، نتایج فرهنگی مثبتی را در ساخت نظریه دارد. با مطالعه چند زیر، به روابط علی و معلولی مندرج در آن توجه کنید:

متنی از قابوس‌نامه:

و هر کسی را که وزارت دادی، وی را در وزارت تمکینی تمام کن تا کارهای تو و شغل مملکت تو برو بسته نباشد و به اقرباء و پیوستگان او نیکویی کن، به معاش دادن و خوبی کردن تقصیر مکن، اما خویشان و پیوستگان وی را عمل مفرمای که یکباره پیه به گربه {در نسخه ای دیگر: گرگ} نتوان سپردن که وی به هیچ حال حساب پیوستگان خویش به حق نکند و از بهر مال تو خویشان خویش را نیازارد و وزیر از کسان وزیر صد بیداد بکنند بر خلقان که بیگانه از آن صد، یکی نیارد کردن و وزیر از کسان خویش در گذرد و از بیگانه در نگذرد. (عنصرالمعالی کیکاووس، ۱۳۸۰: ۲۲۹)

متنی از سیاستنامه خواجه نظام‌الملک:

عمل را که عملی^۱ می‌دهند، ایشان را وصیت باید کرد تا با خلق خدای، تعالی، نیکو روند و از ایشان جز مال حق نستانند و آن نیز به مدارا و مجاملت طلب کنند و تا ایشان

۱. خدمت دیوانی

را دست به ارتفاعی^۱ نرسد، آن مال نخواهد، که چون پیش از وقت خواهند، رعایا را رنج رسد و در مگانه ارتفاعی که خواهد رسید، از ضرورت، به نیم درم بفروشند و از آن مستأصل و آواره شوند و اگر کسی از رعیت در ماند و به گاو و تخم حاجتمند گردد، او را وام دهند و سبکبار دارند تا بر جای بماند و از خانه خویش به غربت نیفتد. (خواجه نظام الملک، ۱۳۶۴: ۲۴)

و یا همین نویسنده می‌نویسد:

چاره نیست پادشاه را از آنکه هر هفته‌ای دو روز به مظالم بنشیند و داد از بیدادگر بستاند و انصاف بدهد و سخن رعیت به گوش خویش بشنود بی‌واسطه‌ای و چند قصه^۲ که مهم‌تر بود، باید که عرضه کنند و در هر یکی مثالی^۳ دهد، که چون این خبر در مملکت پراکنده شود که خداوند جهان، متظلمان و دادخواهان را، در هفته‌ای دو روز، پیش خویش می‌خواند و سخن ایشان می‌شنود، همه طالمان بشکوه‌اند^۴ و دست‌ها کوتاه دارند و کس نیارد^۵ بیدادی کردن و دست‌درازی کردن از بیم عقوبت. (همان: ۱۲)

متنی از فصول منتزعه اثر حکیم ابونصر فارابی:

به سه دلیل نباید گذاشت که هیچ کس کنش‌های گوناگون انجام دهد و دارای بیش از یک پیشه باشد، بلکه شاید کسی در جامعه آماده فراگرفتن پیشه و کاری است که دیگری سزاوار آن نیست و دیگری شایسته کاری دیگر است که آن یکی آمادگی انجام آن را ندارد. دلیل دوم، آن است که همین که انسانی یک کار و یک پیشه را برگزیند و از کودکی به همان کار و پیشه بزرگ شود و کار دیگری نپذیرد، او در سازمان بخشیدن همان پیشه و کار رسانتر و برتر و در انجام همان پیشه و کار چیره دست‌تر و استادتر از دیگران خواهد بود. دلیل سوم، آنکه همه کارها، زمان‌های معین و اوقات ویژه‌ای دارد، همین که پدید آوردن کنش‌ها دیر شود و زمان آن به تأخیر افتاد، از میان خواهد رفت و گاهی پیش می‌آید که انجام دو کار در یک زمان است، پس همین که او به یکی سرگرم شود، دیگری از میان خواهد رفت و در وقت دوم به آن دست نخواهد یافت. از این رو شایسته است که هر انسانی به یک کار دست یازد تا هر یک از دو کار به هنگام خود انجام گیرد و فرصت تباہ نشود و زمان از میان نرود. (ابونصر فارابی، ۱۳۸۲: ۶۵ –

۱. برداشت محصول

۲. عرض حال و نامه

۳. فرمانی

۴. بترسند

۵. جرئت نکند

۱۵. رعایت «اخلاق و ادب»

تحقیق علمی توأم با تقوی و رعایت پاکی و سلامت در کلام است. عاقبت به خیری انسان‌ها (محقق و غیر محقق) در صدق و راستی آن‌هاست:

هذا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ

این روزی است که راست‌گویان را راستی‌شان سود بخشد (قرآن مجید، مائده، بخشی از آیه ۱۱۹)

اگر هدف از شناخت علمی، بیان واقعیت از سر صدق و راستگویی است، پس نمی‌توان اخلاق را از طریق علم جدا دانست. در عین نقد علمی، احترام بزرگان دینی را باید نگاهداشت. استدلال منطقی را باید فدای هیجانات زودگذر کرد و در مدح و ذم موضوعات علمی نباید جز بر مدار حق شد.

۱۶. «اول شناخت، سپس حکم»

تا مسئله پژوهش به درستی شناخته نشود، امکان ورود علمی به آن ناممکن است. یکی از اشتباهات رایج در نگارش برخی از مقالات و پایان نامه‌ها ناشی از تعجیل نویسنده در صدور حکم و قضاوت نهایی، بدون فراهم کردن مقدمات لازم است. پژوهش را باید در دو مرحله پی در پی انجام داد:

۱. شناخت صحیح مسئله یا موضوع تحقیق،

۲. ارزیابی و داوری.

برای مثال، فخر رازی (۵۳۴ - ۶۰۶ ق) کتاب (جامع العلوم «ستینی») را در دوران جوانی خود نگاشته است.^۱ نکات زیر در بررسی این اثر حائز اهمیت است:

۱. با شناخت این اثر تنها می‌توان در محدوده این اثر و نه همه آثار فخر رازی،

۱. این اثر با این مشخصات به چاپ رسیده است: رازی، فخرالدین (۱۳۸۲ ش) **جامع العلوم «ستینی»**، (تصحیح) سید علی آل داود، تهران (چاپ اول) مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

قضاؤت کرد.

۲. اعتبار قضاؤت درباره آرای فخر رازی در این کتاب، در پرتو مقدار شناخت حاصله از آن است و از آنجا که این اثر مربوط به دوران جوانی فخر رازی است، پس این امکان موجود است که دیدگاه وی در گذر زمان تغییر کرده باشد.

۳. لذا نمی توان به صرف شناخت افکار جوانی فخر رازی، حکم کلی ای را به تمامی مراحل حیات فکری او تعمیم داد.

۴. حال اگر درباره انتساب این رساله به فخر رازی نیز اختلاف نظر باشد، حکم و قضاؤت درباره آن مشکل تر خواهد شد.

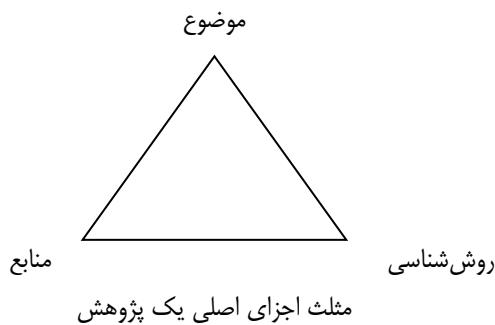
۱۷. «تناسب روش با علم مورد نظر»

روش علمی عبارت است از مجموعه قواعد و راههایی است که در شناخت هر علم به کار می رود. از دیرباز دانسته شده بود که علم از راههای مختلفی کسب می شود. که مهم ترین آن ها عبارت اند از: حس ۲. خبر ۳. نظر. (خطابی، ۱۹۹۸: ۵۵۷/۲) از دیدگاه راغب اصفهانی (۴۰۲ ق / ۱۰۱۱ م) راههای کسب علم بر چهار گونه است:

- علوم حاصل از بدیهیات عقل یا از امور حسی.
- علوم حاصل از جنبه نظری مبتنی بر مقدمات عقلی و یا مقدمات محسوس
- علوم حاصل از خبر که بر پایه شنیدن و یا خواندن است و تا حالت گمانی خبر مرتفع نشود، تبدیل به علم نخواهد شد.
- علوم حاصل از طریق وحی. (همان: ۵۶۰/۲-۵۶۲)

علم (Science) به معنای شناخت حاصل از مشاهده، آزمایش از طریق تجربه است. در سنت متدالوی غربی، موضوع مطالعه علمی باید عینی و مشاهده پذیر باشد. این مسئله برای پارهای از موضوعات صادق است، ولی علم را در روش تجربی منحصر نکرد. نه می توان تمام علوم را منحصر به روش شناسی تجربی کرد و نه می توان کارایی روش تجربی را در موضوعات تجربی زیر سوال برد. هر علمی از منطق روشی خاص خود تبعیت می کند و تعمیم اصول روش شناسی هر یک به دیگری نادرست است؛ بنابراین در فقه باید ملتزم به قواعد و روش های فقهی بود و در تاریخ از اصول شناخته شده میان مورخان استفاده کرد و در تفسیر و علوم قرآن ملتزم به روش های تفسیری بود. علم به اعتباری شامل موضوع،

منابع (داده‌ها) و روش تحلیل آن داده‌هاست. برخی از اندیشمندان مسلمان (شیعه و یا اهل سنت) که حداقل در یکی از سه عرصه مذکور، متأثر از جریان‌های فکری مغرب زمین بوده‌اند که دلایل مختلفی دارد که از زمرة آن‌ها می‌توان به تأثیرپذیری از سنت‌های مطالعاتی شرق‌شناسی بر اثر نهضت ترجمه، اعزام دانشجو به مراکز فرهنگی و آموزشی غرب، ورود اساتید غربی به جهان اسلام، سیاست دولت‌های غرب‌زده در جهان اسلام و مانند آن اشاره کرد.



برای مثال نصر حامد ابوزید (۱۴۴۹-۲۰۱۰ م) که روش تفسیر او از قرآن که متأثر از سنت‌های تفسیری غربی است و موجب تکفیرش که شرح مفصلی از آن در کتاب (تفکر در عصر تکفیر) و نیز در ضمیمه کتاب معنای متن، پژوهشی در علوم قرآن (ابوزید، ۱۳۸۷: ۴۸۲-۴۹۲) آمده است، در کتاب «رویکرد عقلانی در تفسیر قرآن» با محوریت دادن به نقش عبدالله بن سباء، شیعیان را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱. غلات (مؤسس آن: عبدالله بن سباء)، ۲. امامیه، (مؤسس آن: مختار بن عبید) و ۳. زیدیه، (مؤسس آن: زید بن علی زین‌العابدین) او در چنین سیاقی می‌اندیشد که اعتقاد به مهدویت در مقابل حکومتِ دنیوی بنی امیه مطرح شد. (ابوزید ۱۳۸۷: ۳۱) اعتقادی که به زعم او اساساً با کار آیی انسان که معتزله همواره به تاکید بر آن و دفاع از آن تلاش می‌کردد؛ متناقض است. (ص ۵۳) و یا محمد عابد الجابری (۱۹۳۶-۲۰۱۰ م) متأثر از لویی ماسینیون، اعتقاد به امامت در شیعه را امتداد هرمس گرایی^۱ می‌داند و شیعیان را نخستین هرمس گرایان اسلام می‌خواند. (جابری، ۱۳۸۹: ۳۳۹-۳۴۰ و ۴۱۵)

۱. مکتب هرمس از تلاقی تمدن‌های یونانی و مصری در اسکندریه ایجاد شد. سید حسین نصر نشان می‌دهد که چنین اعتقادی با نهضت ترجمه متون فلسفی در دوران عباسیان وارد جهان اسلام شد. در زمینه هرمس و نوشه‌های هرمسی در جهان اسلامی نک: (نصر، ۱۳۴۸: ۵۹-۹۰)

نیز روزه آرزالدز شرق شناس فرانسوی، در بیان دیدگاه محمد ارکون درباره اسلام می‌گوید که گرچه او درباره قرآن و سنت صحبت می‌کند ولی محقق غربی سریعاً متوجه این موضوع می‌شود که در حال بازگویی نظریه‌ای غربی است. (الشیخ، ۱۹۹۹: ۶۳) مثال‌ها در این زمینه بسیار است.

تعاریف و تعبیر مختلفی از علم بیان شده است. هیچ یک از این تعاریف جدا از سیر تطور مفهومی پیش از خود معنا نمی‌یابند. لذا پذیرش هر تعریفی از علم منوط به پذیرش تفسیری از تاریخ علم است. برای مثال، تفاوت مفهوم Knowledge (علم) با (شناخت در مفهوم کلی) در مباحث امروزی غرب به سیر تحول فکری و فرهنگی جوامع غربی ناشی از تحولات دوران تجدید حیات فرهنگی آن‌ها بازمی‌گردد. توجه به این تاریخ به ما نشان می‌دهد که چگونه در فضای مفهومی این واژه، دنیا و مظاهر مادی آن در کانون توجه دانشمندان قرار گرفت و از درک پدیده‌ها در قالب مخلوقات الهی انصراف حاصل شد و چگونه علم در روش سناسایی واحدی «حصر» شد و در نهایت چگونه علم و از جمله علوم انسانی در ذیل مفهوم طبیعتیات تفسیر شدند. البته این موضوعی مربوط به تاریخ علم و از برخی جهات فلسفه علم است و در این مجال همین قدر کفایت می‌کند که متوجه بستر تاریخی و فلسفی خود در حین تعریف علم باشیم و البته باید اوهام و خیالاتی از قبیل دوره‌های سه‌گانه اوگوست کنت (مبنی بر دوران متأفیزیکی، دوران فلسفی و دوران تحقیقی) را از معنای تاریخ علم جدا کرد. (جعفری، ۱۳۷۷: ۲۳-۲۴؛ طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱/۶۴۲)

یکسان دانستن علوم طبیعی با علوم انسانی امری متفاوت با پذیرش وجود رابطه میان آن‌ها است. برای مثال، متفکری (در علوم انسانی) که تصویر ماهواره‌ای چرخش وضعی و انتقالی زمین را دیده باشد، یقیناً به نسبت پیشینیان خود که فاقد چنین تجربه‌ای بودند، بهتر درباره زمین اندیشیده و دارای افق فکری وسیع تری خواهد بود؛ اما این امر به معنای تعمیم روش علوم تجربی بر تفسیر قرآن نیستند. چنانکه مفسران بزرگ قرآن بر این امر تاکید دارند که در تفسیر قرآن، نباید از ظن و گمان و آنچه حجیت و اعتبار عقلی و یا شرعی ندارد، پیروی کرد. در این زمینه آیت‌الله معرفت معتقد است که استفاده از فراورده‌های علمی به عنوان ابزار در کقرآنی برای خود صاحب نظران قهری است؛ اما دیگران که می‌خواهند از این نظریات استفاده کنند اولاً باید این نظریات به سر حد کمال

رسیده باشد و ثانیاً با کلمه محتمل در تفسیر مطرح شود نه آنکه به طور جدی گفته شود معنای آیه همین است و لا غیر. (نک: معرفت، ۱۳۸۴: ۶۰؛ خوبی، ۱۳۸۲: ۵۲۶-۵۲۷؛ طباطبایی، ۱۳۶۳: ۷/۱-۲)

۱۸. تمییز قیاس از استقراء

بحث استقراء و قیاس یکی از مباحث مهم تعریف علم است. استقرای تام، استقرای برهانی است که کاملاً معتبر و مفید یقین است؛ اما معمولاً انجام استقرای کامل در سطوح مطالعه وسیع ممکن نیست. در این حالت، استقرا تنها افاده ظن غالب می‌کند. امروزه در علوم انسانی (به ویژه در علوم اجتماعی) پذیرفته شده است که پایه پژوهش از حوزه قیاسی و نه استقرایی آغاز می‌شود و استقرا به عنوان پایه علم قابل قبول نیست. (رفع پور، ۱۳۷۸: ۹۲) معمولاً در مطالعات اکتشافی و نیز تکمیل جورچین روابط علت - معلولی در نظریه (قیاس)، به استقراء توجه می‌شود.

تجربه متفاوت با استقرا است. استقراء در مقابل قیاس قرار دارد؛ اما معمولاً آن را به اشتباه، با «تجربه» یکی می‌دانند. تجربه ناظر به ماهیت شیء (بما هو شیء) بوده و به دنبال دریافت خاصیت درونی شیء است. درحالی که استقراء متوجه شناخت رابطه شیء با خارج است. ضمن آنکه در تجربه مسئله قیاس خفی مطرح می‌شود چنانکه مرحوم شهید مطهری (۱۲۹۹ - ۱۳۵۸ ش) می‌نویسد:

... وقتی که مسئله، خاصیت خود شیء شد و ما هستیم و آهن «بما هو آهن» یعنی طبیعت آهن، می‌گوییم پس آهن چنین خاصیتی دارد. وقتی که در ده مورد فهمیدیم که این خاصیت مربوط به خود آهن هست، چون هیچ عامل دیگری غیر از خود آهن در اینجا وجود ندارد، اینجاست که «قیاس خفی» که بو علی سینا و خواجه نصیرالدین می‌گویند در کار می‌آید. آن وقت امر دایر به این است که: آهن از آن جهت که آهن است خاصیت متحداشکلی داشته باشد، یعنی این طبیعت واحد، اثر واحد داشته باشد، این جاست که یک قیاس خفی در کار می‌آید و شما می‌گویید: «حکم الامثال فی ما یحوز و فی ما لا یحوز واحد» یعنی اموری که مانند یکدیگر هستند، اگر صد در صد مانند یکدیگر باشند، نمی‌تواند احکام مختلف و متناقضی داشته باشد، مثل این است که بگوییم در یک جا پنج ضربدر پنج، بیست و پنج می‌شود، ولی در جای دیگر بیست و شش می‌شود! چنین نیست. پنج ضرب در پنج در همه جا یک خصلت واحد دارد. پس به حکم قاعدة کلی که حکم امثال یکی است، آهن در همه جا یک خصلت دارد، به

دلیل اینکه این موضوع مربوط به رابطه آهن با شیء دیگر نیست، یعنی مربوط به خصلتی که آهن قابل باشد و دیگری به او داده باشد، نیست، عکس‌العملی است که آهن در مقابل عامل از خود نشان می‌دهد. (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۲۵-۱۲۶)

۱۹. «هدفمندی در تحقیق»

خواندن و نوشتن بی‌هدف کاری عبث و بیموده است؛ بنابراین، به جهت هدفمند کردن پژوهش باید رابطه اقدامات خویش مانند انتخاب منابع، مطالعه، یادداشت برداری و ... با «پرسش‌های اصلی تحقیق» را مشخص کرد. در ادامه بیان می‌شود که پرسش‌های تحقیق قطب‌نمای آن هستند.

در قبال انجام هر بخش از تحقیق خود، باید بتوان دلیل انجام آن را و نیز توجیه عدم انجام برخی اقدامات نزدیک به پژوهش بیان کرد. برای مثال:

- چرا این موضوع تحقیق انتخاب شده است؟
- چرا محقق از این زاویه وارد مسئله شده است؟
- چرا برخی از منابع مطالعاتی انتخاب شده و از برخی دیگر چشم‌پوشی شده است؟

نویسنده موارد بسیاری از نگارش بی‌هدف پایان‌نامه‌های دانشجویی را مشاهده کرده است که در برخی از موارد، دانشجو قادر به توضیح علت انتخاب فصلی از رساله اش نبوده است.

۲۰. «عدم اعتماد به گمان»

هیچ گاه نباید نتایج تحقیق خود را مبتنی بر «امور ظنی» و «احتمالات» کرد. در این صورت نتیجه گیری تحقیق، مقید به قید «شاید» و نظایر آن خواهد شد. (شاید باشد، شاید نباشد!) در نتیجه به رغم صرف وقت و هزینه‌های بسیار، گویی کاری انجام نشده است. نباید دنباله روی چیزی بود که بدان علم نداشت. «و لا تقف ما لیس لک به علم» (قرآن مجید، اسراء: ۳۶. نیز نک: زخرف: ۸۶ / یونس: ۳۶ و ۶۶ / بقره: ۱۶۹) در بررسی قرآن و سنت نباید متأثر از روش‌های فرض گروی رایج در مطالعات علوم طبیعی بود. در مطالعات علوم اسلامی، فرضیه تا پیش از رسیدن به علم از راه‌های معتبر، قابل استناد و اتکا نیست. با

این حال به طور طبیعی هر محققی در بررسی یک مسئله با مراتب مختلفی از شناخت سروکار دارد که در قاعدة بعدی به آن اشاره می‌شود.

۲۱. «تعیین درجه تشخیص شناخت»

محقق باید دانسته‌های خود را بر اساس میزان شناختش درجه‌بندی کند و یقین خود را از نقل قول‌هایی که نمی‌پذیرد، جدا کند و دلایل شناخت علمی خود را در اسلوب مناسبی بیان کند. خواننده باید بداند که در گزارش تحقیق کجا «علم» است و کجا «احتمال» یا «شک» یا «ظن» و یا «اطمینان» است. لذا متن علمی نیازمند گنجاندن قیدهایی است که در صورت نبود یقین، درجه شناخت را نشان دهد. این بدان معناست که محقق باید آگاهی صحیحی از ساختار دانسته‌هایش داشته باشد تا بتواند به انتقال صحیح اطلاعات به خواننده مبادرت کند. مرحوم علامه جعفری در تعریف اصطلاحات فوق درجه بندی زیر را مطرح کرده است: (امید و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۲؛ نیز نک: طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲ / ۳۷۱-۳۷۲)

- علم: انکشاف صد در صد واقعیت در ذهن.

- اطمینان: انکشاف ۷۰ - ۹۹ درصد واقعیت در ذهن.

- ظن: انکشاف ۵۱ - ۹۹ درصد واقعیت در ذهن.

- شک و تردید: انکشاف پنجاه درصد واقعیت در ذهن.

- احتمال: انکشاف زیر پنجاه درصد واقعیت در ذهن.

البته همواره این دقت مورد توجه نیست، پس به طور کلی می‌توان گفت که در یک پژوهش علمی همواره شناخت علمی از شناخت غیرعلمی جدا می‌شود و از خلط شناخت‌ها که موجب سردرگمی خواننده می‌شود باید اجتناب کرد. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در پانوشت بخشی از ترجمه کتاب «البدء و التاریخ» اثر محمد بن طاهر مقدسی، با عنوان «آفرینش و تاریخ» در عباراتی بسیار آموزنده که مبتنی بر روح تحقیق و پژوهش است، توجه خواننده را به عباراتی از کتاب مقدسی می‌دهد که او آن را به درستی متوجه نشده است. شوq به دانستن در عبارات او موج می‌زند و آفرین بر سلامت نفس او در تحقیق:

عبارات این بخش را به درستی درنیافتم و تردیدی ندارم که افتادگی‌های بسیاری در آن

راه یافته است. با این همه ممکن است اهل تحقیق عبارات متن درست را تشخیص

دهند، در آن صورت بر عجز و جهل من بخشنایند و از راهنمایی دریغ نفرمایند، اینکه متن عبارت کتاب: **إِلَّا أَنْ لَا شَيْءٌ فِي الْعَالَمِ إِلَّا جَسْمٌ أَوْ عَرَضٌ لَأَنَّهُ لَا يَرَى فِي الشَّاهِدِ** غیر حدث ... (مقدسی، ۱۳۸۱: ۱ / ۱۵۰)

۲۲. «اگر نقل کننده هستی پس سند»

به طور کلی هر نقلی مرکب از حداقل دو جزء اساسی است: ۱. سند و ۲. متن و ساختار محتوایی آن. در حین نقل مطالب، اسناد مربوط به آن‌ها، هر یک با اتکا به روش خاص خود، باید مورد بررسی شود. از لحاظ بررسی روایات معصومین عليهم السلام، سند شناسی مشتمل بر دو علم رجال و حدیث است. علم رجال به بررسی افراد راوی حدیث و علم حدیث به سلسله‌ای که راویان در آن قرار می‌گیرند، اختصاص دارد. البته صحت سند روایت در اثبات حقیقی و واقعی بودن آن کفايت نمی‌کند، بلکه با لحاظ سایر معیارها می‌توان به درستی و یا نادرستی آن حکم کرد. در نقل قول‌ها باید به منابع اصلی آن‌ها توجه کرد. برای مثال، به نقل فردی دروغ گو و یا بی‌دقیق نباید اعتماد کرد و پذیرش سخنان آن‌ها را باید به تأیید صحت آن از طریق منابع دیگر موکول کرد. ضعف سند لزوماً به معنای جعلی بودن روایت نیست؛ هرچند که اعتبار روایت را بسیار پایین می‌آورد. یکی از راه‌های تشخیص صحت محتوای یک روایت، هماهنگی آن با قرآن کریم و عدم تناقضش با مسلمات یقینی اسلامی است. قرآن مجید درست‌ترین معیار و میزان برای سنجش صحت و سقمه روایات و اخبار است. همچنین از برخی از مسلمات تاریخی نیز می‌توان در تشخیص صحت نقل استفاده کرد. در روایتی از امام جعفر صادق (عليه السلام) چنین وارد شده است:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْتَبِرَ عُقْلَ الرَّجُلِ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ فَحَدَّثْنُهُ فِي خَلَالِ حَدِيثِكَ بِمَا لَا يَكُونُ، فَإِنْ أَنْكَرَهُ فَهُوَ عَاقِلٌ، وَ إِنْ صَدَقَهُ فَهُوَ أَحْمَقٌ

هرگاه خواستی عقل کسی را با یک نشست و برخاست بیازمایی، در خلال سخن خود، چیزی بگو که تتحقق آن محل باشد، اگر آن را پذیرفت بدان که عاقل و خردمند است و اگر آن را پذیرفت بدان که کم خرد و نادان است. (آشیانی، ۱۳۸۳: ۱ / ۱۱)

تناقض یک خبر با امور قطعی تاریخی برای رد و عدم پذیرش آن کافی است. از همین قبیل است، هر گاه راوی مدعی شود که از فلان فرد حادثه‌ای را دیده یا شنیده

است، درحالی که آن فرد پیش از تولد راوی مرده یا پس از وفات او به دنیا آمده باشد. در مواردی نیز وجود چند روایت متناقض درباره یک موضوع، به خودی خود نشان می‌دهد که یک یا چند مورد از آن، باید جعلی باشد. همچنین نقل باید با احکام فطری و عقلی سازگار باشد. هیچ یک از تعالیم، اقوال، افعال و مواضع رسول الله و ائمه اطهار علیهم السلام مخالف عقل و فطرت نیستند. حکم عقل به وجوب عصمت پیامبر و امام از خطأ و گناه نمونه‌ای از آن است؛ بنابراین متنی که خطأ یا گناهی به ایشان نسبت می‌دهد، مردود است.

۲۳. «اگر مدعی هستی پس دلیل»

ادعا سخنی است که درستی و یا نادرستی آن مشخص نیست. زمانی که گفته می‌شود: ادعای فوق بر حق است. حقانیت آن ادعا به مجموعه دلایلی کافی و متقن منسوب می‌شود. بر همین اساس «ادعا ناقص» ادعایی است که با دلایل متقن رد شده است. لذا نحوه استدلال نقش قاطعی در سلامت تحقیق دارد.

۲۴. «بیان حقیقت، همه حقیقت»

هیچ گاه نباید پژوهش مبتنی بر مطلبی غیر واقعی شود. هیچ خیری در دروغ نیست و عدم پذیرش حقیقت در درجه اول تحقیر و فریب خود است. بسیاری از مورخان اروپایی، هر جا در بیان احوالات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به تأویل و تفسیری دست یابند که متنضم ایراد یا انتقادی بر ایشان باشد، آن را به هر تفسیر و یا تأویل دیگری ترجیح می‌دهند. (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۱۹۰) و این امر نه پژوهشی علمی، که چیزی جز عناد و کینه جویی نیست. پژوهشگر باید خود را ملتزم به بیان حقیقت بداند و همه حقیقت مرتبط با پاسخ پرسش تحقیق را بیان کند.

۲۵. «پرهیز از ابهام و تعقید در متن»

ابهام به دو یا چند معنایی بودن گفتاری اطلاق می‌شود که بخشی از دلایل آن محتوایی (مانند عدم کفایت در دلیل) و برخی دیگر ساختاری (مانند مشخص نبودن مرجع خمیر) است. از آنجا که نمی‌توان بدون روشن شدن گفتار تحقیق خود حتی یک گام در

جهت انتقال اطلاعات علمی برداشت، پس همواره نیاز به رعایت صراحة، روانی در گزارش پژوهش موجود است. استدلال نباید چنان مطرح شود که برخلاف منظور اصلی محقق، قابل تفسیر به شیوه‌های مختلفی باشد. از شعارهای اصلی هر تحقیق علمی چنین است: «پیچیده فکر کنید، روان بنویسید.»

در زمینه سخن شیوا و روانی و استحکام آن، مطالعه کتاب زیر پیشنهاد می‌شود:

– جلال الدین همایی (۱۳۸۹ ش) **فنون بلاغت و صناعات ادبی**. تهران

(چاپ سی‌ام) نشر هما. (به ویژه ص ۳ الی ۲۳)

نیز به منظور آشنایی با الگویی نمونه در شیوه نگارش مطالعه منبع زیر توصیه می‌شود:

– عبدالحسین زرین کوب (۱۳۹۲) **فرار از مدرسه درباره زندگی و اندیشه**

ابوحامد غزالی. تهران (چاپ دوازدهم) انتشارات امیرکبیر.

۲۶. «وحدت رویه در تحقیق»

اجزای یک پژوهش باید یکدست و هماهنگ باشند. برای مثال، لازم است تا ارتباط منطقی بین پرسش، فرضیه و عنوان پژوهش برقرار باشد. باید ارتباطی منطقی میان نتیجه گیری تحقیق با پرسش مورد نظر ایجاد شود. نتیجه گیری پژوهشی که ربطی با پرسش خود ندارد، فاقد اعتبار کافی است.

مثالی دیگر، وحدت رویه میان علم و روش شناسایی آن است. برای مثال، نباید روش تجربی را بر تفسیر قرآن تحمیل کرد. نیز در انجام تحقیق، باید از یک منطق روشی واحد بهره گرفت. لذا پیش از انجام تحقیق، لازم است برنامه روشی خود را تبیین کرد. غالب متفکران اسلامی به ویژه مفسران قرآن نظیر علامه طباطبائی، شیوه‌ای مشخص و قابل پیش‌بینی در تفسیر قرآن دارند و از خلط مباحث و روش‌ها انتقاد می‌کنند. به مثال‌های زیر توجه شود:

– خاط بحث «محکم و متشابه» با بحث پیرامون معنای «تاویل» منجر به انحراف و اختلاف عجیبی در انعقاد اصل مسئله و نتیجه گیری از آن شده است. (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۳ / ۴۹)

– شخصی که معتقد است حسن و قبح کلی و دائمی نیست و همواره در تغییر و دگرگونی است، در مقام استدلال مفهوم را با مصدق خلط می‌کند. برای مثال، فردی می‌گوید که عدل و ظلم (روشن ترین مصادیق حسن و قبح) دائمی نیست. زیرا اجرای یک قانون مانند زدن شلاق به

مرد و زن زناکار، در جامعه اسلامی عدل است و در جوامع غربی ظلم. درحالی‌که این نظر به سبب خلط بحث فوق نادرست است. غربی‌ها نیز عدل را خوب و ظلم را بد می‌دانند، (قاعده حسن و قبح برای آن‌ها نیز دائمی است) اما در مصدق (تازیانه زدن به زناکار) اختلاف نظر موجود است. (همان: ۱۱ / ۵) علامه طباطبایی در ادامه می‌نویسد: «و کسی که مثل این گوینده فرق میان مفهوم و مصدق را تشخیص ندهد، ما نیز با او بحثی نداریم. ...»

- نویسنده (مانند صاحب تفسیر المنار) نباید بحث تفسیری را که کارش به دست آوردن مدلول آیات کریمه قرآن است، با بحث کلامی که هدفی جز اثبات گفته متکلم درباره مذهبش نداشته و مبتنی بر هر دلیل ممکن از عقل، کتاب، سنت، اجماع و یا دلیلی مختلط از آن‌ها است، «خلط» کند. بحث تفسیری اجازه استدلال به غیر قرآن را نداده و مفسر نباید نظریه‌ای علمی را بر قرآن تحمیل کند. (همان: ۹ / ۲۹۳)

۲۷. «نگو درست نیست تا نمی‌دانی که درست چیست»

تقریر درست مسئله، متضمن بیان وضعیت‌های نادرست و رد آن‌ها است. بیان اینکه چه چیز درست است، به طور طبیعی امر نادرست را نشان می‌دهد. همواره باید در کنار جنبه سلبی پژوهش، متوجه جنبه ایجابی آن نیز بود و به رد مطالب نادرست اکتفا نکرد.

۲۸. «رعاایت اولویت در سند و دلیل»

بیان اسناد و ادله باید بر پایه نظمی مشخص باشد و بهتر است اولویت ترتیب بر پایه ارزش اسناد و دلایل، به ترتیب از عالی ترین سند موجود باشد و مابقی اسناد به عنوان مکمل آن بیان شود. هیچ گاه نباید اسناد درجه دوم را بر اسناد درجه اول ترجیح داد و ارتباط پژوهش خود را با مراجع اصلی پژوهش قطع کرد. با وجود دلایل و مدارک متقن از دلایل ضعیف و نارسا استفاده نکنید.

۲۹. «اصل مقدم بر فرع»

حاشیه را نباید چنان گسترانید که از موضوع اصلی پژوهش خارج شد. معیار اصلی برای تمییز اصل و فرع پژوهش از هم «پرسش تحقیق» است. اگر قاعده «هدفمندی در تحقیق» رعایت شود، احتمال خروج از موضوع تحقیق بسیار کاهش خواهد یافت. برای

مثال، اصل در هر پژوهش بنا بر بررسی پرسش‌های اصلی تحقیق است، نه دیگر پرسش‌ها و یا اصل در انجام هر پژوهش، بنا بر اتکا بر منابع معتبر است، نه دیگر منابع. در انتخاب منابع نیز اصل بر منابعی است که مستقیماً به حل مسئله کمک کنند.

۳۰. «عدم خروج از عرف زبان علمی مگر با دلیل محکم»

در هر علم، اولویت با کاربرد اصطلاحات رایج در همان علم است. در علوم اسلامی می‌توان از ظرفیت‌های واژگانی آثار علمی متقدم و متأخر استفاده کرد. باید تا حد امکان واژگان تخصصی خود را از میراث فرهنگی جهان اسلام و نه غرب استخراج کرد. برای مثال، در پژوهش‌های تاریخ صدر اسلام از واژه انتخابات برای بیعت و جنگ برای جهاد استفاده نکرد و حتی الامکان خود مبادرت به وضع اصطلاح جدید نکرد. در صورت نیاز مبرم به ساخت اصطلاحات جدید، باید آن را به صورت دقیق و مشخص تعریف کرد. همچنین علت وضع آن را به شکل مختصر و مفید بیان کرد.

مثال – نمونه‌ای از نام‌گذاری نادرست

در مقاله‌ای با عنوان «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران^۱» نویسنده‌گان به چند دسته روابط جنسی پیش از ازدواج اشاره کرده‌اند که عبارت‌اند از: الف- گفتمان پیشامدرن (روابط روسپی‌گری و صیغه‌ای)؛ ب- گفتمان مدرن (روابط عاشقانه از قبیل ۱. هم‌خانگی و ۲. دوست‌پسر و دوست دختر و روابط غیر عاشقانه مانند روابط مبتنی بر فریب طرف مقابل)؛ ج- گفتمان پسامدرن (روابط عشق سیال) این‌گونه نام‌گذاری‌ها غالباً از منابع غربی اخذ شده‌اند و استفاده آن‌ها معرف زندگی مسلمانان نیست. نویسنده‌گان در اینجا باید از اصطلاحاتی چون «روابط غیرشرعی و نامشروع» و «زناکاری» استفاده می‌کردند و حدود روابط میان زن و مرد را از دید شرع مشخص می‌کردند. این بدان معنا نیست که مُنکر وجود چنین روابط نامشروعی در جامعه شویم و یا درباره آن سخن نگوییم؛ اما نام‌گذاری پدیده‌ها در جوامع اسلامی، باید دقیق و بر پایه حدود الهی باشد. خطرات کم‌رنگ شدن بار معنایی

^۱ افسلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال دوم شماره دوم پاییز و زمستان ۱۳۹۰.

واژگان از دید شرع زیاد و نگران کننده است.

۳۱. «نگارش پس از تحقیق»

از زمرة باورهای نادرست برخی از دانشجویان این تصور است که: «پژوهش همان نگارش (مقاله یا پایان نامه و ...) است.» این در حالی است که ما ابتدا تحقیق می کنیم و در پایان گزارش آن را در قالب مقاله، پایان نامه و یا کتاب می نویسیم. «مرحله نگارش، مرحله گزارش پژوهش است.» به طور کلی مراحل تحقیق عبارت اند از:

- مرحله مطالعات اکتشافی - موضوع یابی به جهت طرح پرسشی برای تحقیق.
- پرورش مفهومی و محتوایی پرسش های تحقیق.
- نگارش طرح تحقیق.
- بررسی منابع و مدارک.
- جمع آوری داده های مرتبط با تحقیق.
- تحلیل داده ها.
- نتیجه گیری نهایی.
- نگارش و ویرایش گزارش نهایی.

۳۲. اولین قدم محقق، آخرین قدم او نباید.

انجام تحقیق مستلزم صبر و حوصله بسیار است. به محض ارائه یک پرسش و یا پاسخی اولیه برای آن، نباید کار را تمام شده تلقی کرد. نیز مشورت با اهل فن همواره کاری ارزشمند و قابل ستایش است، اما روی مشورت ها تأمل کرد و بهترین گزینه ها را انتخاب کرد. از سخنان گرانمایه حضرت علی (علیه السلام) است:

لسان عاقل وراء قلب و قلب الأحمق وراء لسانه
گفتار عاقل پس از تفکر و تأمل است و فکر احمق پس از گفتار اوست. (اشتیانی،
(۱۳۸۳ / ۱) ۱۹

مزن بی تأمل به گفتار دم
نکو گوی اگر دیر گویی چه غم

۳۳. «محقق حق تشریع ندارد.»

احکام دین جز از خداوند متعال، رسول الله صلی الله علیہ و آله و اهل بیت علیہم السلام گرفته نمی شود. امری که مورد تاکید بسیاری از روایات همچون حدیث ثقلین است. این حدیث چنان در بین مسلمانان متواتر است که حجت قاطعی بر همگان است. (در اینجا به تفاوت میان مفهوم سنت در نزد شیعه و برادران گرامی اهل سنت، توجه شود.)

بر این اساس، هرگونه تشریعی در برابر تشریع الهی مردود است و هیچ حجت و مشروعيتی ندارد و نیز سنت رسول الله مشروعيت دهنده به رفتار و گفتار افراد است و نه آنکه رفتار و گفتار افراد بدان مشروعيت بخشد. پیامبر اکرم صلی الله علیہ و آله و سلم، بر پایه رأی خویش اجتهاد نمی کرد.^۱ از این رو هیچ احتمال خطای در احکام صادره از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیہ و آله و سلم نمی رود.

اجتهاد در مقابل نص مروی از رسول الله صلی الله علیہ و آله و سلم باطل است و مخالفت با آن از سوی هر کس که بوده باشد، واجب است. معیار و میزان همه چیز قول و سنت رسول الله صلی الله علیہ و آله و سلم است که از طریق صحیح به ما رسیده باشد.

۳۴. «قرآن مصون از تحریف است.»

کتاب صد درصد درست و بدون تحریف قرآن است و در هر کتاب جز قرآن مطالب صحیح، ضعیف، تحریف شده و جعلی وجود دارد. استدلال بی اساس برخی مبنی بر تحریف قرآن، منجر به بطلان حجت قرآن و در نتیجه نبوت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیہ و آله و لغو و بی اثر شدن معارف دین می شود. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۲۵-۱۶۵) تمامی روایات تأیید کننده «تحریف قرآن» مردودند. (همان: ۲۰ / ۵۲۰)

۳۵. «رعایت حدود ابراز عقیده»

در مطالعات دینی که محقق می خواهد نظر دین را درباره موضوعی ارائه کند، نباید نظریه شخصی و یا شبیه خود را پیش از عرضه به قرآن و به رسول الله صلی الله علیہ و آله و سلم و به اهل بیت علیہم السلام، در بین مردم منتشر کند؛ زیرا ممکن است برخلاف خواسته محقق،

۱. بر خلاف آنچه که در شرح مقاصد تفتازانی و شرح تجرید ملاععی قوشچی تصریح شده است.

موجبات دعوت به باطل و یا ایجاد اختلاف بین مردم کند که نهایتاً جامعه را به فساد می‌کشاند. (همان، ۴ / ۲۰۶ - ۲۰۷)

۳۶. «تقلید ناپذیری در کسب اعتقادات»

تقلید در امور اعتقادی جایز نیست. نیز «گمان» نمی‌تواند مأخذ اعتقادات باشد. زیرا همیشه احتمال خلاف در ظن وجود دارد. پس در امور اعتقادی ظن و حدس کفایت نمی‌کند و باید به یقین و قطع رسید.

اصول عقاید بر دو قسم هستند. ۱. عقاید ضروری مانند توحید، نبوت و معاد، که مرز پذیرش اسلام است. ۲. اصول نظری که در آن اختلاف بسیار به همراه ادله و شواهد و استدلال‌های فراوان شده است. عدم پذیرش آن‌ها منجر به خروج از اسلام نمی‌شود.

۳۷. «تفاوت کلام الهی با کلام بشری»

در تفسیر آیات قرآنی نباید کلام خدا را با کلام مردم مورد مقایسه قرار داد. بیان قرآنی بر خلاف کلام بشری، کلامی است که الفاظش در عین جدایی از همدیگر، به یکدیگر متصل هستند. پس نباید به مدلول یک آیه و آنچه از به کار بردن قواعد عربیت می‌فهمیم اکتفا کرد و بدون آنکه سایر آیات مناسب با آن را مورد دقت و اجتهاد قرار داد به معنایی که از آن یک آیه به دست می‌آید تمسک کرد. همچنان که آیه شریفه «اَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ القرآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللهِ لَوْ جَدُوا فِيهِ اَخْتِلَافًا كَبِيرًا» (قرآن مجید، نساء: ۸۲) بر

پیوستگی تمامی آیات قرآن به هم اشاره دارد. (طباطبایی، ۳: ۱۳۶۳ / ۳ - ۱۱۷ / ۱۱۸) تفاوت کلام خدا با سایر کلام‌ها از جنبه نحوه استعمال الفاظ یا چیدن جملات و به کار بردن فنون ادبی و صناعات لفظی نیست. زیرا قرآن کلامی عربی است: «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ، لِيَبْيَّنَ لَهُمْ» (قرآن مجید، ابراهیم: ۴) «وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ» (قرآن مجید، نحل: ۱۰۳) «إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنَنَا عَرَبِيًّا لِعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (قرآن مجید، زخرف: ۳) بلکه تفاوت کلام الهی با کلام بشری، از جهت «مراد و مصدق» است. علامه طباطبایی اشاره دارد که ذهن انسان‌ها به جهت ارتباطی که با عالم طبیعت دارد، مأнос با مادیات

شده و از هر معنایی مفهوم مادی آن را فهمیده و هر مفهومی را با مصدقاق جسمانی اش منطبق می‌سازد. مثلاً زمانی که کلامی را از فردی مثل خود می‌شنویم، آن را بر مصدقاقی حمل می‌کنیم که معهود ذهن ما و نظام حاکم در آن است. زیرا می‌دانیم که گوینده کلام نیز انسانی مانند ماست و خودش هم غیر از آنچه ما فهمیدیم، نمی‌فهمد و غیر آن را هم نمی‌فهماند. این نظام «حاکم در مصدقاق» در مفهوم هم جاری است. چه بسا که به مفهوم کلی استثنای زند و یا مفهوم یک حکم جزئی را تعمیم می‌دهد و یا به نحوی دیگر در مفهوم دخل و تصرف می‌کند که آن را «تصرف قرائن عقلیه غیر لفظیه» می‌نامیم. بکار بردن این تصرفات در تفسیر کلماتی که خداوند متعال در معرفی اسماء صفات، افعال خود، فرشتگان، کتب، رسولان، قیامت و متعلقات آن آورده همه اش از قبیل تفسیر به رأی و پیروی غیر علم و تحریف کلام از مواضعش است. (نک: طباطبایی، ۱۳۶۳ / ۳: ۱۲۱-۱۲۴)

۳۸. «ثبت اصول اعتقادی و اخلاقی و احکام اولیه اسلام»

اصول اعتقادی و اخلاقی اسلام در گذر زمان قابل تغییر نبوده و نسبی نیستند. مکتب اسلام شامل پنج رکن اساسی است:

۱. اعتقادات

۲. اخلاقیات

۳. احکام اولیه

۴. احکام ثانویه

۵. موضوعات

از آن رو که عقاید متکی به فطرت و عقل سلیم و وجود انسانی هستند، هرگز قابل تغییر و دگرگونی نخواهد بود.

اخلاقیات شامل یک عده اصول و قضایایی است که انجام و یا ترک آن ها شایسته وجود انسانی است و برای حرکت در مسیر تکامل ضرورت دارد. این ها نیز از آن جهت که مربوط به نیازهای اولیه انسانی است ثابت و غیرقابل تغییر هستند.

احکام اولیه عبارت از احکامی است که بر مبنای نیازهای ثابت انسان به وسیله پیامبر اسلام تبلیغ و مردم به پیروی از آن مکلفاند؛ مانند نماز، روزه، حج و نیز ممنوعیت دروغ و

زنا، قتل نفس، آشامیدن مسکرات و ... از آن جهت که این احکام بر اساس نیازهای اصلی انسان وضع شده است، هیچ وقت قابل تغییر و دگرگونی نخواهد بود. (جفری، ۱۳۷۷ / ۱: ۴۲۰ – ۴۲۳)

احکام ثانویه عبارت از تکالیف و وظایفی است که با نظر به مصالح و مفاسد، توسط زمامداران اسلامی به عنوان حکم ثانوی صادر می‌شوند و با برداشته شدن علت و انگیزه آن (مصلحت و یا مفسدة مربوطه) حکم ثانوی برداشته شده و باز احکام اولیه به جریان می‌افتد؛ مانند تحریم تنبک از طرف میرزا شیرازی با توجه به این مسئله می‌توان گفت که احکام ثانویه قابل تغییر است. با ایجاد علل و انگیزه‌شان به وجود آمده و با از میان رفتن آن‌ها از میان می‌روند.

موضوعات عبارت است از تمام نیازها و واقعیات و شئون زندگی انسان که با عقل سلیم و حواس و اندیشه‌اش با آن‌ها به فعالیت می‌پردازد و زندگی خود را تأمین می‌کند. احکام تابع موضوعات همانند احکام ثانویه در معرض تغییر هستند.

۳۹. ضرورت توجه به مصادر مختلف مذاهب اسلامی

مصادر هر علم سرچشمه‌های آن علم هستند که در بررسی علمی نمی‌توان از آن‌ها چشم پوشید. برای مثال، کتاب‌هایی چون صحیح بخاری یا صحیح مسلم از مصادر علم حدیث اهل سنت و کتاب‌های اصول کافی یا الاستبصار از مصادر علم حدیث شیعه هستند. هستند. کتاب سیبیویه از مصادر علم نحو به شمار می‌رود. کتاب الکامل اثر مُبرد از مصادر ادبیات است. کتاب المغنی اثر ابن قدامة از مصادر علم فقه حنبلی است. برای شناخت مصادر اصلی هر علم اقدامات زیر سودمند است:

- پرس‌و‌جو از منبع شناسان متخصص،
- استفاده از فهرست‌های کتابخانه‌های بزرگ،
- مراجعه به کتابنامه آثار علمی معتبری که در زمینه موضوع علمی مورد نظر نوشته شده‌اند.

- مطالعه آخرین شماره‌های مجلات تخصصی،

رجوع به منابع و مصادر اصلی پیروان هر یک از مذاهب اسلامی برای شناخت

اعتقادات آنان لازم است، ولی علاوه بر آن، باید به تفسیرها و برداشت‌های مورد اجماع علمای آن مذهب از آن منابع و مصادر رجوع شود. پس نباید شیعه به مجموعه‌ای از روایات اهل سنت و یا سنی به مجموعه‌ای از روایات شیعه استناد کنند تا به خیال خود اعتقاد به تحریف قرآن در نزد دیگری را اثبات کنند. درحالی که یقیناً هیچ‌یک از آن دو معتقد به چنان برداشت ناروایی از آن روایات و یا قائل به صحت آن روایات نیستند. پیروان مذاهب اسلامی برای شناخت یکدیگر، باید به منابع روایی هم رجوع کنند و تفاسیر و دیدگاه‌های خود را با بیان دیدگاه‌های رقیب و در نظر گرفتن دلایل مخالف، بسنجدند و بیان کنند و در عین حال، بی‌دلیل، پندار و گفته خود را به منزله اعتقاد دیگران نپندرانند. برای مثال، در صورتی که ما در صدد شناخت عقاید پیروان سلفیه هستیم باید به منابع اصلی آموزش عقاید آنان رجوع کرد. این نکته بسیار مهم است که برخی از این منابع با منابع عموم اهل سنت مشترک‌اند؛ ولی چنانکه گفته شد، محقق باید متون اعتقادی را از زاویه‌ای که پیروان سلفی می‌خوانند، نه برداشت انتقادی خویش مورد توجه قرار دهد. ابتدا از طریق منابع و تفسیر آنان بداند موضوع از چه قرار است، سپس دیدگاه انتقادی خود را بیان کند.

مثالی از اتکا به منابع و استدلال ضعیف در شناخت شیعه

در متن زیر (از ترجمه الغدیر از آقای محمدتقی واحدی) به نقد علامه محقق عبدالحسین امینی^(۱) درباره فرازی از کتاب «عقد الفرید» اثر «بن عبد ربه» توجه شود. با مطالعه آن، به منبع «عقد الفرید» در شناخت شیعه توجه شود. منبع شناخت او چه میزان اعتبار دارد؟ به نظر شما چه عواملی موجب می‌شود تا یک نویسنده به چنین منابعی استناد کند؟ به نظر شما نویسنده «عقد الفرید» برای شناخت شیعه به چه منابعی باید رجوع می‌کرد؟ همچنین به استدلال امینی درباره آن توجه شود.

بخوانید و بخندید! می‌گوید: ابو عثمان بحر الجاحظ گفته است: مردی از رؤسای تجار به من خبر داده گفت: پیرمردی بد اخلاق اخمو و خاموش، در کشتی با ما بود که سرش را از زمین بر نمی‌داشت و هر وقت اسم شیعه را می‌شنید در خشم فرومی‌رفت و چهره‌اش دگرگون شده، ابروهایش را سخت در هم می‌کشید. روزی به او گفتم: خدا تو را رحمت کند مگر از چه چیز شیعه این قدر بدت می‌آید، که می‌بینم هر وقت اسم شیعه در

برابر برد می‌شود، سخت بر آشفته و نگران می‌شود؟ گفت: من از هیچ چیز شیعه به اندازه این شین اول اسمش بدم نمی‌آید، زیرا من شین را نمیدهام مگر در اول هر کلمه زشتی، از قبیل: شر، شوم، شیطان، شغب (شر بسیار)، شقاء، شفار (نقص) شرر، شین، شوک (خار) شکوی، شهره (افتضاح) شتم (فحش) شح (حرص و بخل) ابو عثمان گفت: بدین ترتیب دیگر اساس تشیع واژگونه شد.

شگفتی از سفاهت پیرمرد بد اخلاق و کوتاه بینی اوست که چون توانسته عیی برای شیعه دست و پا کند، دشمنی شدید، او را وادار کرده تا با سفسطه چینی، عیی برایش بترشد، از این رو شروع کرده فقط برای اینکه حرف اول این اسم با حرف اول اسماء زننده‌ای باهم متحدد، شیعه را بدان مواخذه کند. اگر این بهانه گیری‌ها مجاز باشد نسبت به بسیاری از اسماء مقدس، باید سرایت کند و حتی به کتاب خدای عزیز که در آن لفظ شیعه را می‌خوانیم؟ «وَإِنَّ مِنْ شَيْعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ» (قرآن مجید، صافات: ۸۳) و آیات دیگر. بدتر از پیرمرد بد اخلاق، ابو عثمان است که گمان کرده بعد از این کلمه بی‌مایه، اساس تشیع واژگونه گردیده است، گویا این صاعقه‌ای بود که بر شیعیان باریده و یا زمین در زیر پای آن‌ها فرو رفته و یا کوه‌ها بر سرشاران فرو باریده و آنان را هلاک ساخته است یا دلایل آنان وسیله برهانی قاطع مردود واقع شده رسوا شدند او نمی‌دانست که پیرمرد بد اخلاق، با سخنی که به زبان آورده، سوء نیت خود را و دلیل بد اخلاقی اش را آشکار ساخته است و ابو عثمان هم به عقل ناقصش از او پیروی کرده است. از این ناچردری، ابن عذریه (صاحب عقد الفرید) نیز دور نمانده است که آن را در کتاب خود با اظهار رضایت نسبت به آن آورده است، چرا پیرمرد بد اخلاق از شین کلمه شیعه به مناسبت اتحاد حرف اولش با کلماتی از قبیل: شریعت، شمس، شروع (تابش) شعاع، شهد، شفاعت، شرف، شباب (جوانی)، شکر، شهامت، شأن، شجاعت، شفق، خوشش نیامد که بسیاری از آن‌ها مانند لفظ شیعه در قرآن هم آمده است؟! چرا شیخ در این قصه دروغین میکوشد تا شین را فقط در آن الفاظ بیابد نه در این الفاظ. شاید هم اعور یا احول بوده و مقابل چشمان معیوبش را، نمی‌دیده است. آیا شیعه نمی‌تواند مانند پیرمرد بد اخلاق بگوید: من از سنی به خاطر سین اول اسمش بدم می‌آید که آن را در کلمات! سام، سئ، سعر (آش) سقر (دوزخ) سبی (اسارت) سقم (بیماری) سم، سموم، سوئه (بدی) سهم (تیر)، سهو، سرطان، سرقت، سفه، سفل، سخب (سر و صدا) سخط، سخف، سقط، سل سلیطه، سماجت، می‌یابم. ولی شیعیان عقلا و حکمایند^۱ و بدین

۱ و بسیارند از علمای متقدی اهل سنت که به این تهمت‌ها علیه برادران شیعه خود بی‌اعتنای بوده‌اند. شیعیان نیز متقابلاً باید هوشیار باشند و در دام فتنه‌های کور دشمنان وحدت اسلامی گرفتار نشوند.

یاوه‌ها توجه نمی‌کنند، با عواطف مردم به خاطر این یاوه‌های بی‌سروته، در نمی‌افتد و هیچ نوع بنیادی را با این خرافات، بدنام نمی‌کنند. این بود پاره‌ای از دروغ‌ها و جعلیات ابن عبد‌ربه؛ و چه بسیار نظایری می‌توان برای آن یافت که هر گاه بخواهیم همه را متعرض شویم، کتاب بزرگی را تشکیل می‌دهد. از این‌ها گذشته، اشتباهات تاریخی در این کتاب نیز دیده می‌شود، مثل اینکه گوید: زید شهید در خراسان خروج کرد و آنجا کشته شد و بدار آویخته گردید. (عقدالفرید، ۲، ۱۴۶، ۳، ۳۵۵) که هر گاه بخواهیم به نقد و بررسی آن پردازیم، از موضوع بحث خارج می‌شویم و عارف را یک اشارت بس است. ابن تیمیه که در کتاب «منهاج السنّه» خود نسبت‌ها و مجموعات ابن عبد‌ربه را نقل کرده چون خوش آمده نشان دهد به مردم که من از گذشتگانم بیشتر می‌توانم دروغ بیافم و بیش از آنان، از راستی و امانت فاصله دارم، لذا اضافه کرده است: بیهودیان با اخلاص به مؤمنان سلام نمی‌کنند بلکه می‌گویند السام علیک (مرگ بر شما)، راضیان نیز چنین‌اند.

بیهودیان، مسح بر موزه (پای پوش) را جایز نمی‌دانند، همچنین راضیان.

بیهودیان، اموال مردم را حلال می‌دانند، همچنین راضیان.

بیهودیان، در نماز سجده بر فرق سر می‌کنند، همچنین راضیان.

بیهودیان، عقیده به فریب مردم دارند، همچنین راضیان.

و امثال این سخنان خرافی و یاوه. ما تکذیب دروغ‌های نسبت داده شده را به نیروی درک و فهم آزاد شما، و اگذار می‌کنیم و مطلب را به احاطه شما به فقه شیعه و کتب عقائد و احکام‌شان، آنچه از قییم و جدید از شیعه شناخته شده، موكول می‌سازیم. «و هر گاه پس از علمی که تو را فراهم آمده، پیروی از تمایلات و هواهای آنان کنی، نه دوست خواهی داشت و نه یاوری»

۴۰. توجه به روش‌شناسی‌های مختلف

پیروان مذاهب شیعه و اهل سنت در زمینه حجیت برخی روش‌ها اختلاف نظر دارند.

در بررسی نظرات آن‌ها باید به الزامات روشی‌شان توجه کرد. برای مثال، عالمان شیعه اعتبار و ارزش رأی، قیاس^۱ و استحسان^۲ را در تشریع زیر سؤال می‌برند. همچنین از دید

۱. قیاس عبارت است از حکم به یک موضوع به جهت علتی که از حکم درباره موضوع دیگری استنباط شود.

۲. استحسان عموماً به معنای حدس مناسبت مابین حکم و موضوع است. برای مثال، نهادن دست‌ها بر روی هم و گذاشتن آن بر سینه و یا شکم در حال قرائت نماز نوعی خضوع در برابر خداوند تلقی می‌گردد.

شیعه اجماع به خودی خود حجت عقلی یقینی نیست. اجماع حجتی است ظنی و شرعی که دلیل اعتبارش نزد اهل سنت مبتنی بر خبری منقول از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمودند: «امت من بر خطا و خلاص اتفاق و اجماع نمی کند» و نزد شیعه به این است که یا قول معصوم علیه السلام در میان اقوال اهل اجماع باشد و یا از قول اهل اجماع به گونه ای کشف از قول معصوم شود. پس حجت اجماع، چه منقول یا محصل، موقوف بر قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام است، آن نیز موقوف بر نبوت است و صحت نبوت هم در این عصر متوقف بر سلامت قرآن از تحریفی است که صفات قرآن از قبیل هدایت و قول فصل و مخصوصاً اعجاز را از بین ببرد. (طباطبایی، ۱۲ - ۱۶۰ / ۱۶۱)

۴۱. تسلط بر منبع‌شناسی

محقق باید بر منبع‌شناسی حوزه کار خود مسلط باشد. منبع‌شناسی موجب روشن شدن نقشه راه می‌شود و نشان می‌دهد که:

- چه کسی مشغول چه کاری است؟
- چه حوزه‌های مطالعاتی مورد توجه چه کسانی هستند؟
- در چه حوزه‌های مطالعاتی کار چندانی صورت نگرفته است؟
- چه کسانی دوست هم هستند؟ (ادبیات مشترک و همسو)
- چه کسانی دشمن هم هستند؟ (ادبیات غیر همسو مانند ردیه‌نویسی) و ...

بی‌جهت نیست که اولین اقدام اسلام‌شناسان غربی مسلط شدن بر منابع اسلامی است. در اینجا پاره‌ای از مصادر و مراجع علوم قرآن تقدیم حضور می‌شود:

مثال: غریب القرآن و إعراب آن

۱. معانی القرآن اثر فراء، این کتاب در سه جلد با تحقیق محمدعلی النجار و همکارانش در دارالکتب المصرية قاهره منتشرشده است.
۲. معانی القرآن اثر أخفش

در اینجا حکم وجوب گذاشتن دست‌ها بر روی هم بر سینه و یا شکم و موضوع احترام و تعظیم خداوند است.

٣. معانی القرآن و إعرابه که منسوب به زجاج است.
٤. تفسیر غریب القرآن اثر ابن قتیبة که در یک مجلد با تحقیق احمد صقر در مصر (م ١٩٥٨) منتشر شده است.
٥. إعراب ثلاثین سورة من القرآن اثر ابن خالویه
٦. إملاء ما مَنَّ به الرحمن من وجوه الإعراب و القراءات في جميع القرآن اثر محب الدين ابی البقاء عبدالله بن الحسین العکبری
٧. غریب القرآن اثر سجستانی

مثال: تفاسیر اهل سنت

منبع‌شناسی می‌تواند ترسیم‌کننده گرایش‌های روشی مفسران قرآن نیز باشد. برای مثال به نمونه‌هایی از مصادر و مراجع تفاسیر قرآن کریم در نزد اهل سنت، شامل تفاسیر مأثور و معقول، توجه شود:

الف- تفاسیر مأثور

١. جامع البيان عن تأویل القرآن معروف به تفسیر طبری اثر ابی جعفر محمد بن جریر طبری (٢٤٤ - ٣١٠ ق)
٢. معالم التنزيل اثر ابی محمد حسین بن مسعود بن محمد الفراء (متوفی ٥١٠ ق)
٣. افسیر القرآن العظیم معروف به تفسیر ابن کثیر.
٤. الكشف و البيان عن تفسیر القرآن اثر ابی احمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری (متوفی ٤١٧)
٥. المحرر الوجیز اثر ابن عطیه اندلسی غرناطی (متوفی ٥٤٦ ق)
٦. الجواہر الحسان فی تفسیر آی القرآن اثر ابو زید عبدالرحمن بن محمد ثعالبی الجزایری (متوفی ٨٧٦ ق)
٧. الدر المنشور فی التفسیر بالمأثور اثر جلال الدین سیوطی شافعی (٨٤٩ - ٩١١ ق)

ب- مصادر تفسیر معقول

١. الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الأقوال فی وجوه التأویل اثر ابوالقاسم

محمود بن عمر خوارزمی، زمخشی ملقب به جار الله (٤٦٧ - ٥٣٨ ق)

٢. البحر المحيط اثر اثیرالدین أبو عبدالله محمد بن یوسف ابن علی بن حیان اندلسی معمورف به ابی حیان (٥٦٤ - ٧٤٥ ق)

٣. مفاتیح الغیب اثر فخرالدین محمد بن عمر بن الحسین بن الحسن الرزاوی معروف به فخررزاوی (٥٤٤ - ٥٦٠ ق)

مثال: مصادر و منابع علوم قرآنی

از زمرة مطالعات قرآن اهل سنت می توان به منابع زیر اشاره کرد:

١. البرهان فی علوم القرآن اثر بدر الدین محمد بن عبدالله الزركشی (٧٩٤ - ٧٤٥ ق)

٢. الإتقان فی علوم القرآن اثر أبوبکر جلال الدين عبدالرحمن السیوطی (٨٤٩ - ٩١١ ق)

و در مورد اسباب النزول می توان به منابع زیر اشاره کرد:

٣. اسباب النزول اثر ابوالحسن علی بن احمد واحدی نیشابوری (متوفی ٤٦٨ ق)

٤. لباب النقول فی أسباب النزول اثر جلال الدين سیوطی موضوعات مختلفی درباره قرآن کریم نوشته شده است. برخی از آنها عبارت اند از:

٥. التبیان فی آداب حملة القرآن اثر ابو زکریا یحیی بن شرف الدین النووی (٦٣١ - ٦٧٦ ق)

٦. إعجاز القرآن اثر قاضی ابوبکر محمد بن طیب باقلانی (متوفی ٤٠٣ ق)

٧. ثلاث رسائل فی إعجاز القرآن شامل: ١. «ییان إعجاز القرآن» اثر ابو سلیمان حمد بن محمد بن الخطابی (٣١٩ - ٣٨٨ ق) ٢. «النکت فی إعجاز القرآن» اثر ابوالحسن علی بن عیسی الرمانی (٣٩٦ - ٣٨٦ ق) و ٣. «الرسالة الشامية» اثر ابوبکر عبدالقاهر جرجانی (٤٧١ ق) این سه رساله با تحقیق محمد خلف الله و محمد زغلول سلام توسط دارالمعارف مصر، در یک مجلد منتشر شده اند.

٨. تأویل مشکل القرآن اثر ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه (٢١٣ - ٢٧٦ ق) در

یک مجلد با تحقیق السید احمد الصقر در دار إحياء الكتب العربية در قاهره منتشرشده است.

٩. متشابه القرآن اثر عبدالجبار بن أحمد المعتزلی (٤١٥ ق)
١٠. الإكليل في المتشابه والتأويل اثر ابن تيمية (٦٦١ - ٧٢٨ ق)
١١. مقدمة في أصول التفسير اثر ابن تيمية
١٢. التبيان في أقسام القرآن اثر ابن قيم الجوزية (٦٩١ - ٧٥١) و در زمینه قراءات قرآن نیز مصادر و مراجع چندی موجود است:
١. كتاب السبعة اثر ابن مجاهد (٣٢٤ ق)
٢. شواذ القراءات اثر ابن خالویه (٣٧٠ ق)
٣. الحجة اثر ابوعلی الفارسی (٣٧٧ ق)
٤. الكشف عن وجوه القراءات السبع و عللها اثر مکی بن أبي طالب القیسی (٤٣٧ ق)
٥. الإبانة عن معانی القراءات اثر مکی بن أبوطالب

٦. المحتسب في تبیین وجوه شواذ القراءات اثر ابو الفتح بن جنی

در اینجا باید توجه داشت که منبع شناسی نقل مجموعه‌ای از اداده‌های خام (اسامی کتاب و مشخصات انتشار آن‌ها) نیست. منبع شناسی در پژوهش متنضم‌ن چینش خاص منابع بر اساس پرسش‌های تحقیق است. امروزه به لطف پیشرفت‌های عظیم فناوری، امکانات خوبی جهت منبع شناسی و حتی یافتن متن اصلی منابع پژوهش موجود است. یکی از این ابزارها استفاده از نرم افزارهایی است که در این زمینه تولیدشده‌اند. در حال حاضر (۱۳۹۲ شمسی) از میان آن‌ها می‌توان به نرم افزار «ترجم و کتاب شناسی» ویرایش ۲ - مرکز تحقیقات کامپیوترا علوم اسلامی اشاره کرد که نخستین نرم افزار کتاب‌شناسی و شخصیت‌شناسی شیعه است. این نرم افزار به صورت معجم لفظی ارائه شده است و شامل ده عنوان کتاب در شصت و شش مجلد از منابع مهم پیرامون کتاب‌شناسی و شخصیت‌شناسی شیعه است که عبارت‌اند از:

١. الدریعة إلى تصانیف الشیعه، شیخ آبازرگ تهرانی، ۲۵ جلد؛
٢. أعيان الشیعه، علامه سید محسن امین عاملی، ۱۱ جلد؛

۳. مستدرکات أعيان الشیعه، سید حسن امین عاملی، ۷ جلد؛
۴. أمل الآمل فی علماء جبل عامل، شیخ حرّ عاملی، در ۲ جلد؛
۵. معالم العلماء، ابن شهرآشوب مازندرانی، ۱ جلد؛
۶. موسوعة طبقة الفقهاء، شیخ جعفر سبحانی؛
۷. فهرس التراث، سید محمد حسین حسینی جلالی؛
۸. تکملة أمل الأمل، سید حسن صدر، ۱ جلد؛
۹. تعلیقیة أمل الأمل، میرزا عبدالله افندی اصفهانی؛
۱۰. تتمیم أمل الأمل، شیخ عبد النبی قزوینی.

بخش‌های اصلی این برنامه عبارت‌اند از: نمایش، جستجو، اعلام، لغتنامه و یادداشت.
همچین برخی از پایگاه‌های اینترنتی که می‌توانند دانشجو را در این زمینه یاری کند
عبارت‌اند از:

- کتابخانه ملی ایران

بخش: جستجوی کتاب‌شناسی

<http://opac.nlai.ir>

- کتابخانه مجلس شورای اسلامی

بخش جستجو در کتاب‌های کتابخانه مجلس

www.ical.ir

- کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

www.ihcs.ac.ir/Pages/Features/Home.aspx?wid=۲۳

- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

www.sid.ir/fa/index.asp

- کنسرسیوم محتوای ملی

www.icnc.ir/index.aspx?pid=۱

- مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد

<http://c-library.um.ac.ir/>

- پایگاه مجلات تخصصی noormags

www.noormags.com/view/fa/default

- مرکز الملک فیصل للبحوث و الدراسات الاسلامية (منبع‌شناسی عربی)

<http://213.150.161.217/kfcris/login.htm>

- مکتبة الاسكندرية (منبع‌شناسی عربی)

www.bibalex.gov.eg/home/default_ar.aspx

- النيل و الفرات

كتابفروشی بـ خط که برخی منابع جدیدتر و یا محلی‌تر که وارد فهرست‌های کتابخانه‌ها نشده‌اند، قابل مشاهده است.

www.neelwafurat.com/index.aspx

- Internet Archive که پایگاه بزرگی برای دریافت یا بارگذاری (دانلود و

آپلود) منابع نوشتاری، شنیداری و دیداری به زبان‌های مختلف جهان است.

<http://archive.org/details/texts>

- مکتبة المهتمين الاسلامية لمقارنة الاديان (دانلود منابع تخصصی در زمینه‌های

مختلف عموماً به زبان عربی است).

www.al-maktabeh.com

- شبكة الفكر للكتب الالكترونية وبـگاهی برای دانلود آثار قديم و جديد شيعي

غالباً به زبان عربی است.

<http://alfeker.net/>

The British Library -

www.bl.uk/

- Library of Congress که از جامع‌ترین پایگاه‌های منبع‌شناسی به زبان

انگلیسی است.

www.loc.gov/index.html

- مرکز ودود للفهارس و الكتب التحقیق. پایگاهی برای دانلود کتاب و

مقالات و خلاصه پایان‌نامه به زبان عربی است.

www.wadod.net/index.php

تمرین

۱. منبع‌شناسی مطالعات مربوط به تقریب مذاهب اسلامی را انجام دهید.
۲. سپس آن را در قالب دسته‌بندی بر اساس ۱. نویسنده‌گان، ۲. دوره‌های زمانی، ۳. موقعیت‌های مکانی و ۴. موضوعی بازنویسی کنید.

با این تمرین خواهید دید که هر بار اطلاعات جدیدی از داده‌های خام به دست خواهد آمد. همچنین ممکن است دیدگاه شما در اثر اشراف به منابع مطالعاتی مذکور جامع‌تر و فراگیرتر از گذشته شده باشد.

۴۲. توجه به بسامد اندیشه‌ها یا پدیده‌ها

بسیاری از مطالعات فرهنگی در جهان اسلام و نیز رشته‌هایی مانند کلام، شیعه‌شناسی و همواره نیازمند توجه به بسامد اندیشه‌ها و پدیده‌ها هستند. در مطالعه «هنچار» و «انحراف از هنچار» یا به تعبیر برخی «جُور» و «ناجُور»، بودن یا نبودن اندیشه‌ای و یا تحقیق واقعه‌ای آن قدر اهمیت ندارد که بسامد آماری آن. دانستن بسامد اندیشه و یا واقعه‌ای، موجب می‌شود تا امور اتفاقی و استثنایی، از رویده‌های مستمر و متناوب تمیز داده شوند و پژوهش در مسیر موضوعات پیش پافتاذه و کم اهمیت حرکت نکند. هر جامعه‌ای دارای بافت طبیعی فرهنگی و اعتقادی خود است و بسامد آماری می‌تواند تغییرات آن را نشان دهد. این موضوع در دانش تفسیر نویسی هم اهمیت دارد. برای مثال، بسامد تفسیر نویسی موضوعی و یا ترتیبی در طول تاریخ تفسیر نویسی، می‌تواند به بسیاری پرسش‌ها پاسخ دهد و یا بسامد برخی روش‌های تفسیری در طول تاریخ می‌تواند اطلاعات بسیاری را درباره رواج یا افول یک مکتب فکری، یک مشرب و روش و دیدگاه ارائه دهد.

تمرین

با مراجعه به کتاب‌های «الغدیر فی الكتاب و السنّة و الادب» و نیز کتاب «الغدیر فی التراث الاسلامی» به این پرسش‌ها پاسخ دهید:

- در فهرست مطالب آن‌ها آیا توجه به بسامد حدیث الغدیر در طول تاریخ را می‌توان دید؟
- اهمیت یافتن بسامد مطالعات در زمینه حدیث غدیر در چیست؟
- علاوه بر توجه به بسامد مضامین ادبی حدیث غدیر در طول تاریخ اسلام (مورد

توجه علامه امینی) به بسامد چه موضوعات دیگری نیز می توان توجه کرد؟
(پاسخی ابتکاری ارائه دهید).

۴۳. تمایز میان دنیای نظریه پردازی با دنیای واقعی.

نظریه در پی تبیین و تحلیل واقعیت است، اما لزوماً منعکس کننده آن نیست. باید رابطه‌ای منطقی میان این دو برقرار شود و نظریه‌ها موجب غافل شدن محقق از واقعیت‌ها نشوند و از سوی دیگر مشاهده هم نباید عاری از فکر و اندیشه باشد.

۴۴. درک مفهوم فرصت در گرو درک مفهوم تهدید است.

سمت‌وسی مطالعات راهبردی، شناخت فرصت‌ها از خلال تهدیدهای است. وقتی در صدد کسب چیزی هستیم باید بدانیم که در ازای آن چه چیزی را از دست می دهیم و یا ممکن است که از دست دهیم. توجه به این اصل کمک شایانی به فهم مباحث موافقان و مخالفان یک پدیده است.

این سخن امام خمینی ^(۵) که فرمودند: «ما آزادی و استقلال بی اسلام به چه دردمان می خورد؟» (صحیفه امام، ۷ / ۴۵۹) شاخص مهمی در پذیرش مفاهیم و اخذ و انتقال پدیده‌های است.

۴۵. جدایی ناپذیری ابعاد یک پدیده در دنیای واقعیت.

مسایل علوم انسانی، دارای ابعاد و زوایای مختلف و در هم تنیده‌ای هستند که در پژوهش می‌توان یک یا چند مورد از آن‌ها را به صورت انتزاعی مورد بررسی قرار داد، ولی در نتیجه گیری نهایی باید به این موضوع و واقعیت آن اشاره کرد. برای مثال، تفکر درباره هر یک از ابعاد جهانی‌سازی مستلزم داشتن اندیشه و راهکار درباره دیگر ابعاد است. باید مرز توصیف را از برداشت‌های ایدئولوژیکی، نظریه‌ها و پیش‌بینی‌ها جدا کرد. نه آن اندازه در دنیای نظریه‌پردازی سیر کرد که از توصیف صحیح یک پدیده ناتوان شد و نه آن اندازه گرفتار اجزای عینی یک پدیده شد که به واسطه آن از ساختارهای کلی تر در تبیین آن بی‌بهره ماند.

۴۶. ضرورت توجه به امکان عینی تحقق فرضیه‌ها و ادعاهای

باید به امکان عینی تحقق فرضیه‌ها و ادعاهای توجه کرد. آیا ادعای مورد نظر امکان تحقق دارد و یا خیر؟ برای مثال، وقتی گفته می‌شود که شیعیان از روی تقویه در کتاب‌های درسی‌شان نوشته‌اند که قرآن تحریف‌نشده و هرگز نخواهد شد، این سؤال مطرح است که آیا اصولاً ممکن است به میلیون‌ها کودک ایرانی در مدارس گفته شود که «قرآن تحریف نشده است» تا از روی تقویه‌ی اهل سنت فریب ایشان را بخورند و بعد از تعطیلی مدارس صدها هزار خانواده بار دیگر به کودکان خود بیاموزند که: «هرچه در مدارس فرا گرفته‌اید از باب تقویه و برای دل خوش کردن سلفی‌ها بوده است!» واقعاً تقویه در ابعاد وسیع ده‌ها میلیون نفری به چه معناست؟! و به عنوان مثالی دیگر، در جریان قیام شیعیان بحرین بر ضد ظلم و جور نظام مستبد آل خلیفه، مجموعه‌ای وسیع از منابع مکتوب و صوتی- تصویری در معرفی شیعه تولید شد. در یکی از این منابع با عنوان «الشیعه فی البحرين من این أتوا...؟ خرافة السكان الأصليين!» که توسط گروهی با عنوان «هیئتة الدفاع عن عروبة و تاریخ البحرين» منتشر شده است، نویسنده‌گان مدعی‌اند که شیعیان اکثریت مطلق در بحرین نیستند و مشکل اهل سنت، «اکثریت خاموش» آن هاست؛ و با اشاره به سیاست ایران در منطقه و قدرت یافتن شیعیان عراق در دوران پس از سقوط صدام می‌نویسد:

بهترین دلیل ما وضعیتی است که اکنون در عراق در جریان است و آن به واسطه اقدام ایران در صدور نزدیک به چهار میلیون شیعی جهت تغییر ترکیب اهالی عراق ایجاد شده است. از زمرة اینان صد هزار زنی هستند که جهت نیل به نتیجه نهایی که از دیاد تعداد شهروندان در جنوب عراق مطابق منافع ایران شیعی است، با حریه متعه به ازدواج عراقی‌ها درآمده‌اند. (هیئتة الدفاع عن العروبة، ۲۰۰۷: ۸-۷)

براستی نویسنده چه تصوری از اعدادی چون «صدور چهار میلیون نفر!» یا «یکصد هزار نفر زن ایرانی» که به خاطر «منافع سیاسی ایران» جهت «متعه» به عراق اعزام شده‌اند! دارد؟ و چگونه آن‌ها می‌توانند با ناچیز شمردن سطح فهم و شعور مخاطب‌ش چنین ادعاهای عجیب و غریبی را مطرح کنند؟ «دقیق نمایی» و استفاده از ارقام و آمار و نمودار شیوه‌ای رایج در سیزده‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی است که در جنگ روانی مخالفان تقریب مذاهب اسلامی کاربرد وسیعی دارد و محقق نباید گرفتار آن شود. یکی از عواملی که موجب می‌شود تا نظراتی چنین سخیف مطرح شوند، دو قطبی کردن جامعه بر پایه

مذهب و از میان بردن فرهنگ تقریب است که عوام را مهیای پذیرش هر ادعایی علیه مذهب مقابل می‌کند. چرا که هر یک دیگری را غوطه‌ور در هاله‌ای از ارزش‌های منفی و ناپسند می‌بیند و چنین وضعیتی همانا مجرای ورود استعمار است.

۴۷. ممانعت از تبدیل نظریه‌های غربی به صورت اصل خود بنیاد.

برخی از مقالات و کتاب‌ها در حوزه علوم انسانی چنان نظریه‌ها و فلسفه‌های غربی را مسلم پنداشته‌اند که موجب شده است تا نویسنده‌گان آن قادر به دیدن دیدگاه‌های بدلیل نباشند و خود نیز نتوانند دیدگاه‌های بدلیل تولید کنند. اینان عمدتاً متأثر از فلسفه‌ها و معارف متفکران اروپایی و آمریکایی بودند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اثبات‌گرایی و بعدها ابطال‌گرایی؛ ماتریالیسم دیالکتیکی؛ پدیدارشناسی و هرمنوتیک. جالب آنکه موج اقبال به هر یک از این نظرات تابع اقبال آن در اروپا و آمریکا بوده است. لذا فراز و فرود هر یک از آن‌ها در جهان اسلام متأثر از فراز و فرود آن‌ها در غرب است و در هر دوره‌ای شکل خاص خود را داشته است. پاره‌ای از تفاسیر قرآنی علم‌گرا و تجربه‌گرا متأثر از همین وضعیت بوده‌اند که به اشتباهات عدیده‌ای دچار شدند.

۴۸. ضرورت توجه به گذشته علم مورد نظر

محقق باید گذشته علمی را که بدان اشتغال دارد بشناسد و بر آن احاطه یابد. با آگاهی بر تاریخ علم مورد نظر و شناخت نقاط عطف مهمی که در آن تاریخ موجود است و درک علل فراز و نشیب‌های آن علم می‌توان دیدگاه‌هایی به مراتب پخته‌تر و اصیل‌تر ارائه کرد. این امر مستلزم داشتن مطالعات وسیع و درک مطالب در قالب دسته‌بندی‌های منظم و مشخصی است. برای مثال، در علوم قرآنی شناخت طبقات مفسران و رویکردهای غالب در هر یک از آن طبقات بسیار اهمیت دارد. علامه طباطبایی^(۴۰) در این زمینه می‌نویسد: علامه طباطبایی^(۴۰) در این زمینه در کتاب «قرآن در اسلام» می‌نویسد: شیعه به نص قرآن مجید، قول پیغمبر اکرم^(ص) را در تفسیر آیات قرآنی حجت می‌داند و برای اقوال صحابه و تابعان مانند سایر مسلمین هیچ‌گونه حجتی قائل نیست؛ مگر از راه روایت از پیغمبر اکرم (ص) جز اینکه به نص خبر نقلین، قول

عترت و اهل بیت را تالی قول پیغمبر اکرم (ص) و مانند آن حجت می‌دانند و از این روی در نقل و اخذ روایات تفسیری تنها به روایاتی که از پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل شده اکتفا کرده‌اند و طبقات خود را به ترتیب زیرین به وجود آورده‌اند.

طبقه اول کسانی که روایات تفسیر را از پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت فراگرفته‌اند و در اصول خود به طور غیر مرتب ثبت کرده و به روایت آن‌ها پرداخته‌اند مانند زراره و محمد بن مسلم و معروف و جریر و امثال ایشان.

طبقه دوم اهل تأییفات اولی تفسیر مانند فرات ابن ابراهیم و ابو حمزه ثمالی و عیاشی و علی بن ابراهیم قمی و نعمانی صاحب تفسیر. شیوه این طبقه مانند طبقه چهارم از مفسرین اهل سنت این بود که روایات مؤثره را که از طبقه اول اخذ کرده بودند با اسناد در تأییفات خودشان درج می‌کردن و از هرگونه اعمال نظر خودداری می‌نمودند؛ و نظر به اینکه زمان دسترسی به ائمه اهل بیت (ع) طولانی بود و تقریباً سیصد سال ادامه داشت طبعاً این دو طبقه ترتیب زمانی نداشته متداخل بودند و همچنین کسانی که روایت را با حذف اسناد درج کنند بسیار کم بودند و درین باب به عنوان نمونه تفسیر عیاشی موجود را باید نام برد که یکی از شاگردان عیاشی، از تأییف عیاشی اسناد روایات را اختصاراً حذف نموده و نسخه او به عنوان نسخه عیاشی دایر گشته است.

طبقه سوم طبقه از باب علوم متفرقه است مانند سید رضی در تفسیر ادبی خود و شیخ طوسی در تفسیر کلامی خود که تفسیر تبیان است و صدرالمتألهین در تفاسیر فلسفی خود و مبیدی گتابادی در تفسیر عرفانی خود و شیخ عبد علی حوبیزی و سید هاشم بحرانی و فیض کاشانی در تفسیر نور الثقلین و برهان و صافی و کسانی میان عده‌ای از علوم در تفاسیرشان جمع کرده‌اند مانند شیخ طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان که از راههای مختلف لغت و نحو و قرائت و کلام و حدیث بحث می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۵۷-۵۹)

۴۹. ضرورت توجه به طبقه‌بندی علوم

هر اندیشمندی طبقه‌بندی خاصی از علم دارد و علوم را بر مبنای آن از هم تمیز می‌دهد. محقق باید بتواند علم مورد نظرش را در طبقه‌بندی علوم جای داده و آن را تفسیر کند. توجه به طبقه‌بندی علوم و موقعیت علم مورد نظر در

اصالت و پخته شدن دیدگاهها اهمیت دارد.

بیندیشیم

- به نظر شما از چند منظر می‌توان علوم را طبقه‌بندی کرد؟
- طبقه‌بندی‌های علوم چه تبعات و پیامدهایی را ممکن است دارا باشند؟

۵۰. توجه به حدود احکام تعمیم

سخن افراد لزوماً موضع مذاهبان نیست. مواضع افراد با معیارهای متقن مذاهبان سنجیده می‌شود و نه آنکه مذاهاب بر پایه دیدگاه‌های پیروانشان دائماً در حال تغییر باشد؛ بنابراین در بسیاری از موارد عمل افراد را باید مورد نقد قرار داد نه مذاهاب اسلامی را؛ و نباید با مشاهده اعمال و رفتار برخی از پیروان مذاهاب اسلامی (استقرای ناقص)، حکم کلی درباره آن مذاهاب و پیروان آن صادر کرد. برای مثال، برخی از مسلمانان تحت تأثیر اغوای فرهنگی غرب، به اخذ شیوه‌های زندگی غربی روی آورده‌اند. شیوه زندگی آنان ملاک ارزیابی شریعت نیست. این شریعت است که ملاک ارزیابی و قضاوت درباره زندگی و اعمال و رفتار آنان است.

۵۱. پرهیز از استناد به شنیده‌ها و اظهارنظرهای عجولانه

هرچه منابع و استدلال تحقیق محکم‌تر باشد، اعتماد خواننده به آن بیشتر است؛ اما هراندازه که منابع و دلایل ضعیف‌تر شوند، اعتماد خواننده به آن کمتر می‌شود و متن از وثاقت و اعتبار ساقط می‌شود. یکی از دلایل سستی آثار ناصر القفاری بر ضد شیعه استفاده بسیار او از شنیده‌های خود و دیگران و بیان آن‌ها به منزله یکی از اسناد قطعی است؛ چنانکه در آثار خود مدعی است که شیعیان به اذان شرعی پیش از نمازهایشان، این عبارت را با این الفاظ اضافه کرده‌اند: «الله اکبر خمینی رهبر»! (قفاری، ۱۴۱۵: ۱۱۵۴-۱۱۵۵)

این مثال نشان می‌دهد که او سخت متأثر از شنیده‌هایش درباره شیعه است.

عکس این مطلب نیز صدق می‌کند؛ یعنی محقق باید در نتیجه‌گیری تحقیق خود محتاط باشد. برای مثال، یکی از نویسندهای مصری به نام فرج الله الکردى که زمانی از

مروجان آثار ابن تیمیه بود، «بهایی» شد و آثاری در عقاید خاله بهائیت نوشته است. نباید این موضوع را به دیگر سلفی‌ها نیز تعمیم داد و آنان را متهم کرد؛ هرچند که بر عقاید آنان نقدهای بسیاری وارد کرد. همچنین رشاد خلیفه نویسنده مصری که نظریه‌ای را در باب اعجاز قرآن با تاکید بر عدد ۱۹ ارائه کرده بود، پس از مدتی ادعای نبوت کرد و از دین اسلام خارج شد. (تاکید بیش از حد او بر عدد ۱۹ این احتمال را که او بهایی شده بود، تقویت می‌کند). عملکرد او را نباید به حساب برادران اهل سنت گذاشت.

۵۲. کوشش جهت شناخت بی‌واسطه مسایل

یکی از برنامه‌های هر پژوهشگر باید کسب شناخت بی‌واسطه از موضوع تحقیق خود باشد. بسیاری از پژوهش‌ها درباره اندیشه‌های افرادی صورت می‌گیرد که نویسنده‌گان آن‌ها در قید حیات و در دسترس هستند. برای مثال، کتاب‌های درسی در حوزه تعلیمات دینی و قرآن را در نظر بگیریم. در صورتی که بخواهیم بر روی این آثار پژوهش کنیم، ابتدا باید سراغ خود نویسنده‌گان آن برویم، نیز اسناد بالادستی که به موجب آن‌ها این کتاب‌ها نوشته شده‌اند و نتایج تدریس آزمایشی این کتابها و مقالاتی را که دبیران در مجلات رشد آموزش و پژوهش و مانند آن درباره مزایا و یا معایب این کتاب‌ها نوشته‌اند. حال دانشجویانی را در نظر بگیریم که بدون مراجعه به این منابع زنده، درباره کتاب‌های مذکور تحقیق می‌کنند و نظایر این‌گونه مثال بسیار است.

۵۳. تمرکز بر رفع نیاز واقعی

مهم‌ترین علی‌شکل گیری و توسعه علوم و از جمله علوم انسانی، پاسخ دادن به نیازهای انسان‌ها بوده است. در حوزه علوم انسانی اگر رشته‌ای نسبت خود را با نیازهای انسان‌ها از دست بدهد، دیگر علم نیست، چیزی از سنخ تاریخ علم است. لذا اعتبار هر علم در توانایی پاسخگویی آن به نیازهای انسان‌ها است. هرچند که گاه نیازهای احساس شده انسان‌ها نیازهای واقعی شان نیست و در چنین وضعی برخی از علوم یا مهجورند و یا در مسیر پاسخگویی به نیازهای کاذب قرار می‌گیرند. «علوم انسانی» تنها زمانی اسلامی است که در راستای حل نیازهای واقعی (نه کاذب) جامعه‌ی اسلامی باشد. علوم انسانی

غیر اسلامی هم علومی است که در خدمت به جامعه‌ی اسلامی نباشد؛ بنابراین بحران در علوم انسانی دو صورت کلی دارد؛ یا جامعه‌ی ارزش‌های اسلامی فاصله‌گرفته است و علوم انسانی در خدمت نیازهای کاذب آن قرار دارد و یا آنکه جامعه، کم و بیش با ارزش‌های اسلامی زندگی می‌کند ولی تولیدات دانشگاه‌ها در خدمت آن نیستند.

۵۴. ضرورت مشخص کردن رویکرد نظری در پژوهش.

رویکرد نظری نشان‌دهنده دیدگاه کلی پژوهشگر درباره موضوع تحقیق و سنت نظری خاصی است که محقق در چهارچوب آن، به مطالعه می‌پردازد و بر حوزه‌های پژوهش خود و نیز شیوه‌های تشخیص و بررسی مسایل تأثیر می‌گذارد. در علوم اسلامی معمولاً رویکرد نظری همان مشرب‌های فکری است: مانند رویکرد تفکیکی، رویکرد عقلی، رویکرد اخباری، رویکرد اشعری و ... و در جامعه‌شناسی رویکردهای مشهور عبارت اند از: «کارکرد گرایی»، «ساخت گرایی»، «کنش متقابل نمادین» و «مارکسیسم» که در حقیقت موضع‌گیری اندیشمندان علوم اجتماعی درباره جبر و اختیار را نمایان می‌کنند. این چنین هر اندیشمند دارای «چشم انداز خاصی» است. هر پژوهشگر و نظریه‌پرداز باید نسبت به چشم‌اندازهای خودآگاه و بیدار باشد.

۵۵. ضرورت اجتناب از روحیه کتابی

تکیه بر مصادر اصلی مذاهب اسلامی و نیز اقوال دانشمندان اسلامی نباید به روحیه پذیرش جزئی کتابی منجر شود و به تدریج محقق را از حقیقت دور کند. عبدالله‌الامام، (سلفی یمنی) رساله‌ای را با عنوان: «البرهان على تحرير التناح بين الإنس والجان^۱» نگاشته است که در پی حل مشکل ازدواج جن و انس با یکدیگر و معضل تربیت فرزندان آن دو است (!) اما آیا با نگارش چنین کتاب‌هایی مشکلات اصلی جهان اسلام حل خواهند شد؟ جن حقیقتی است قرآنی و وجود آن یقینی و تردیدناپذیر و البته نیازمند انجام

۱. نامبرده سه رساله دیگر در زمینه جن دارد که عبارت‌اند از: «أحكام التعامل مع الجن و الآداب الرقى الشرعية»، «الإيضاح والتبيين من الأحاديث والآثار والهواتف فى الجن والشياطين»، «إنقاذ المسلمين من وسوسة الجن والشياطين».

پژوهش‌های قرآنی دقیق و معتبر بر پایه کتاب و سنت نبوی (ص) منبع شناسی مشخص می‌کند که چه میزان از مباحث مطرح شده در این حوزه، متناسب با نیازهای واقعی جهان اسلام است؟ و نشان می‌دهد که آیا نیازهای احساس شده نویسنده‌گان مسلمان، نیازهای واقعی جهان اسلام اند و یا نیازهایی کاذب هستند؟ در خصوص مثال جن، کار به آنجا رسید که راههای درمان فرد جن‌زده نیز ابداع شد که نه حکم قرآن بود و نه سنت پیامبر اکرم (ص)؛ برای مثال عمر سلیمان الاشقر، (۱۹۴۰-۲۰۱۲ م) در کتاب «عالی الجن و الشیاطین، من سلسلة العقيدة في ضوء الكتاب و السنة»، پیرامون مداوای فرد مبتلا به صرع جنی آورده است که علمایی چون ابن تیمیه، زدن سیصد الی چهارصد ضربه محکم با چوب دستی بر پای بیمار مبتلا به صرع جنی را به جهت دفع جن، نافع می‌دانند و نشانه کتک خوردن جن (و نه بیمار!) آن است که بیمار نمی‌میرد! بنابراین جیغ بیمار هم در واقع جیغ آن جن است. اعتبار این روش در میان اینان آن است که ابن تیمیه خود گفته است که «من بارها چنین کرده‌ام و این عمل را آزموده‌ام» (الاشقر، ۱۳۹۸: ۶۲-۶۳؛ ۱۵۱-۱۵۲؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۹: ۵۶) در اینجا منبع شناسی موجب ترغیب محقق به اتخاذ احتیاط علمی می‌شود و اهمیت آن در شیعه شناسی آن است که اگر سخن ابن تیمیه در کتک زدن فردی تا حد مرگ، مبتنی بر تجربه شخصی اوست و نه حتى شرعی، پس حداقل باید درباره دیگر ادعاهای او (از جمله درباره شیعه) بسیار محتاط بود و یا عبدالعزیز بن باز در پاسخ به محمد سید الطنطاوی، شیخ و مفتی وقت الأزهر، رساله‌ای را با عنوان «إيضاح الحق في دخول الجن في الإنساني والرد على من أنكر ذلك»^۱ نوشته است. ماجرا از آن قرار بود که زنی مدعی شده بود که جنی از بست پرستان هندو وارد بدنش شده و حتی کنترل بدنش

۱. نک: پایگاه رسمی عبدالعزیز بن باز با عنوان: «إيضاح الحق في دخول الجن في الإنساني والرد على من أنكر ذلك» در پاسخ به محمد سید الطنطاوی به نشانی: (آخرین دیدار: شهریور ۱۳۹۲) www.ibnbaz.org.sa/mat/8581

همچنین ادعای مذکوره با جن بودایی و در نهایت مسلمان کردن آن توسط شیخ عبدالعزیز بن باز در مجله الدعوة شماره ۱۵۷۲ مورخ ۹ شعبان ۱۴۱۷ برابر با ۱۹ دسامبر ۱۹۹۶ م و نیز شماره ۱۵۸۷ مورخ ۳ ذی الحجه سال ۱۴۱۷ ق برابر با ۱۰ آوریل ۱۹۹۷ م آمده است.

را نیز در مواقعي در دست گرفته است. (برای مثال هر وقت زن با صدای مردانه سخن می گفت، به این معنا بود که جن در حال سخن گفتن است). بن باز مدعی است که با صحبت با جن مذکور، سرانجام او را هدایت و راضی کرده است که از بدن زن خارج شود. محمد سید طنطاوی، مفتی بزرگ الأزهر به شدت با چنین ادعایی شدیداً مخالفت کرد و آن را رواج خرافات دانست. البته در اینجا نقد را نباید تنها منحصر به پیروان مذهبی خاص کرد. بی توجهی به نیازهای واقعی جهان اسلام و ترجیح امور فرعی بر امور اصلی و عدم رعایت اصل «الاَهُمْ فَالْمُهْمُ» و پرداختن به مسایل غیرضروری به جای مصالح جهان اسلام، از هر کس، شیعه یا سنی، محکوم است^۱.

۵۶. یافتن دوستان و دشمنان یک اندیشه

یکی از روش های آشنایی با اندیشه هر متفسکی، قرار دادن آن در معرض مقایسه با دیگر اندیشه های هم سنگ آن و یا مطالعه آن از خلال اختلافاتی است که درباره یک موضوع موجود است. اختلافات کوچک و بزرگ در میان علمای همه پیروان مذاهب اسلامی موجود است. مطالعه اختلاف باید برای نیل به حل مسئله باشد و نه دامن زدن به تفرقه که به تعبیر رسای قرآن: «وَلَا تَنَازَّعُوا فَفَقْسِلُوا وَتَنَهَّبَ رِيْحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (قرآن مجید، افال: ۴۶) یافتن دوستان و دشمنان یک اندیشه در حقیقت یافت جریان های اصلی متعارض در موضوع پژوهش است؛ به عبارت دیگر افراد مورد نظر، در قالب ساختارهایی وسیع تر از بررسی یک اندیشه، مورد توجه قرار می گیرند. برای مثال، محمد ناصرالدین آلبانی، محدث و شیخ سلفی آلبانیایی الاصل مقیم اردن. (۱۳۳۳- ۱۴۲۰ ق) بود. در مطالعات شیعه شناسی، شناخت آلبانی به عنوان یک مکتب فکری سلفی وابسته به سلفیه سعودی اهمیت دارد. آلبانی به صورت علني، سیاستی را مبنی بر تصفیه متون دینی (حدیثی، کلامی و تاریخی) به منظور سلفی کردن جهان اسلام، دنبال می کرد. این سیاست به مدت چندین دهه است که از سوی مراکز عربستان سعودی دنبال می شود. شناخت شیوه حدیث شناسی آلبانی موجب درک بهتری از رویکرد انتقادی سلفیه نسبت به سایر مسلمانان می شود. بی تردید حدیث شناسی و تمییز سره از ناسره، امری است ضروری

۱ البته گاه ممکن است پرسشی از یک عالم شود و آن عالم مطلبی را در پاسخ به آن پرسش مطرح کرده باشد؛ بی آنکه در صدد ارائه اولویت موضوع باشد.

و از آنجا که ضعیف و صحیح دانستن یک حدیث اثرات اعتقادی و فرهنگی مهمی در جوامع اسلامی خواهد داشت. در ورود به اندیشه‌های آلبانی توجه به تبعات دیدگاه‌های او اهمیت دارد. همین که فردی پس از گذشت چهارده قرن از تاریخ اسلام، از نو، در صدد مشخص کردن صحیح و ضعیف همهٔ احادیث برآید، خود نشانده‌ندهٔ اهتمام او به طریق بنیادین است. از آثار وی که در مطالعات شیعه‌شناسی بسیار بدان استناد می‌شود، «سلسلة الأحاديث الصحيحة و سلسلة الأحاديث الضعيفة» است. بخشی از مجلد دهم «سلسلة الأحاديث الضعيفة» او به نقد شیعه اختصاص دارد.

برای شناخت بهتر آلبانی، علاوه بر شناخت اندیشه‌های او باید به سراغ دوستان و یاران او و نیز مخالفان او رفت که در این صورت، بررسی کنش‌ها و واکنش‌های فکری در قبال آرای آلبانی، به فهم بهتر عقاید او در شبکهٔ وسیع تری از دوستان و دشمنان یک اندیشه کمک می‌کند. مهم‌ترین پیامد این امر مشخص کردن مهم‌ترین موارد چالش‌هاست. نقدهای مخالفان هر متفکر علاوه بر تعیین نقاط اصلی درگیری، نقاط ضعف و قوت او را نیز نمایان می‌کند و موجب می‌شود تا محقق به صورت جدی‌تری وارد موضوع شود. این‌گونه مثال‌ها نشان می‌دهند که برای تسلط بر شناخت یک اندیشه و یا یک جریان فکری، باید منبع‌شناس خوبی بود و اطلاعات خود را دائماً به‌روز کرد.

تمرین

یک شخصیت علمی تأثیرگذار را انتخاب کنید. سپس از طریق منبع‌شناسی نشان دهید که چه افرادی دوست او و چه افرادی منتقد او هستند؟ آیا می‌توانید این دوستی‌ها و دشمنی‌ها را در ساختاری وسیع‌تر از آن متفکر مورد بحث و بررسی قرار دهید؟

۵۷. ضرورت داشتن الگوهایی در پژوهش

هر محققی، در پژوهش متأثر از یک یا چند متفکر پیش از خود است. گاه این تأثیرپذیری ناخودآگاه است، یعنی خود فرد درباره آن چندان تأمل و توجه نکرده است؛ بنابراین باید این پرسش را مشخصاً مطرح کرد که من به عنوان یک پژوهشگر متأثر از چه الگوهایی در پژوهش و تحقیق هستم؟

فردی که نتواند پاسخ این پرسش را به درستی مشخص کند، نوشته‌اش سبک و لحن خاص خود را پیدا نکرده است.

۵۸. لازمه یک تحقیق خوب آگاهی محقق از روش شناسی خود است.

محقق باید نسبت به «منابع علمی» در دسترس خود و «روش تحصیل معرفت» از آن‌ها آگاه و بیدار باشد. به ویژه آنکه روش‌ها و پیش‌فرض‌های تحقیق الزامات خود را بر فرایند تحقیق تحمیل می‌کنند. برای مثال، منطق روشی غیرتوحیدی یا درصد خارج کردن علوم الهی از دایره علم (مانند اثبات‌گرایی و ابطال‌گرایی^۱) است و یا در پی داخل کردن علوم الهی در زمرة علوم بشری و طبیعی (مانند فلسفه زبان معاصر) است. چنانکه «برنارد ویلیامز» می‌گوید:

گرچه فلسفه تحلیل زبان بیش از پوزیتیویسم منطقی به زبان دین لطف نشان می‌داد ولی پوزیتیویست‌های منطقی دست کم این احترام را به آن می‌گذاشتند که چون آن را از لحاظ تجربی بی‌معنا می‌دانستند بگویند لطفاً بفرمایید بیرون! پیروان تحلیل زبان می‌خواستند بگویند: اینجا با صورتی از گفتار مواجه‌ایم که مانند هر چیز دیگر یکی از صورت‌های زندگی است و به این ترتیب به طور ضمنی تعبیری از بیخ و بن انسانی از دین می‌کردند. مطابق این تعبیر دین و اعتقاد دینی هم مثل هر صورتی از زندگی، می‌بین نیازهای انسان است ... (مگی، ۱۳۷۴: ۲۱۴)

علامه سید مرتضی عسکری^(۱) به زیبایی به توصیف روش خود درباره «بررسی اصول عقاید اسلامی از قرآن» پرداخته است و با اشاره به آنکه اصول عقاید اسلامی اثرش برگرفته از آیات قرآن کریم است، می‌نویسد که در شناخت بهتر تفسیر آیات الهی به سه گونه از انواع تفسیر قرآن اعتماد کرده است. او در بخشی از روش شناسی خود در کتاب «عقاید اسلام در قرآن کریم» می‌نویسد:

۱. تفسیر روایی: تفسیر آیات به وسیله روایات، مانند آنچه سیوطی در تفسیر (الدر المتنور) و بحرانی در تفسیر (البرهان) خود آورده‌اند. جز آنکه من، تنها به روایاتی که صحتش را پذیرفته‌ام، اعتماد کرده‌ام، درحالی که سیوطی هر روایتی را که به دستش رسیده، در

۱. در اثبات‌گرایی علم را مجموعه قضایا و نظریه‌هایی می‌دانند که تجربه صحت آن را اثبات می‌کند. ابطال‌گرایی نیز اگر چه در ابتدا بر قیاس تاکید دارد، اما معیار ابطال‌پذیری از طریق تجربی را ملاک علمی بودن آن قرار می‌دهد و از این رو می‌توان آن را شبه اثباتی دانست.

تفسیر خود آورده است. آن گونه که برخی از روایات منقوله، برخی دیگر را نقض می‌کند. بدین سبب پاره‌ای از روایاتش را در این کتاب نقد و بررسی کرده‌ام، در مراجعته به کتاب‌های حدیث، احادیث مورد اعتماد را از همه کتب معتبر مسلمانان اعم از صحاح و مسانید و سنن و غیره بر گرفتم و به اخذ حدیث از مکتب خاصی بسند نکردم. گاهی نیز به بررسی تطبیقی و مقارن بین حدیثی با حدیث دیگر پرداخته و دیدگاهی را که بر یکی از دو حدیث اعتماد کرده، با رأی دیگر مقایسه و با اشاره به صاحب رأی، برداشت خود را با آوردن دلیل، تقویت و اثبات کرده‌ام. در فهم و دریافت حدیث تا سده ششم هجری را برگزیدم. این روش در مبحث: (امامان اهل بیت برای شناخت حدیث میزان‌ها نهاده‌اند) در جلد سوم معالم المدرستین آمده است.

۲. تفسیر لغوی: تفسیر آیات با اشاره به معنای واژه‌ها و اصطلاحات، بدان گونه که سیوطی در روایاتش از ابن عباس و غیر او آورده است و چون دانشمندان لغوی گاهی با آوردن معنای حقیقی و مجازی کلمه، بحث را به درازا می‌کشند، از این روش دوری گزیدم و آن معنایی را آوردم که با سیاق آیه سازگار است.

۳. تفسیر موضوعی. تفسیر آیات یک موضوع در کنار هم مانند فقهها که در تفسیرشان از آیات احکام آورده‌اند... هر سه روش تفسیری مذکور، همان روش درستی است که از امامان اهل بیت علیهم السلام روایت شده است. چون اکثر آیات قرآن مجید، بیش از یک مقصود را در خود دارد، از الفاظ آیات فقط آن بخشی را که ویژه و مربوط به بحث می‌شود، آورده و غیر آن را ترک کردم تا جمع‌بندی مطالب برای دانشجویان آسان شود... (عسکری، بی‌تا: ۱۲ - ۱۳)

موارد جالب‌توجه در بیان علامه عسکری عبارت‌اند از:

- آگاهی او از روش استنباط عقاید از قرآن کریم،
- هماهنگی در روش‌شناسی او،
- نحوه تمرکزش بر موضوع و اجتناب از حاشیه‌روی.

نیز به تبیین روشی مرحوم علامه مصطفوی^(۴) در مقدمه کتاب «التحقیق فی کلمات

القرآن» توجه شود:

از آنجا که استفاده از حقایق و معارف و احکام و آداب قرآن مجید، متوقف است بر درک دقیق و تحقیقی واژه‌ها، لازم است برای درک حقیقت و معنای واقعی کلمه‌ها و تشخیص معنای حقیقی از مجازی تلاش شود.

از طرفی، آثاری که در لغت عرب تألیف شده، گوناگون است و بیشترشان صرفاً

جمع آوری اقوال و اشاره به مطلق موارد استعمال است؛ اعم از حقیقی و مجازی و یا تحقیق نشده‌ای است که در نتیجه معنی حقیقی را روشن نمی‌کند و جز افزایش گمراهی و یا سرگردانی در واژه‌های قرآن، نتیجه‌های ندارد. از این رو، به فضل خدا، توفیق تألیف این اثر شریف را در این خصوص یافتم که دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. در نقل لغات به کتاب‌های تحقیقی و پرمایه که به ریشه‌یابی و ایراد صحیح پرداخته‌اند، اعتماد کردیم، مثل صحاح و مقاییس و اشتقاد و المصباح، التهذیب، الجمهره، العین و مانند آن‌ها.
۲. سپس از کتاب‌هایی که به دقت و تحقیق نزدیک‌ترند، از باب تأیید و توضیح نقل کردیم، مانند اساس، فاقق، مفردات و لسان.
۳. به منظور اختصار، از کتاب‌هایی که بسیار نقل‌شده است، جهت اختصار از علائم قراردادی در متن استفاده کردیم و مشخصات منبع را در پایان کتاب آوردیم.
۴. نقل از منابع مورد نظر تنها به میزان مورد نیاز بدون تغییر و زیادتی انجام شد و از آنچه نیازی به بیان آن نبود، خودداری شد.
۵. در چاپ اول، نقلها با استفاده از خط نسخ و توضیحات و اضافات و تحقیقات و تفاسیر آن‌ها با خط نستعلیق از هم جدا شدند و در چاپ دوم، این دو از هم با استفاده از علائم قراردادی جدا شدند.
۶. در تعلیق و تبیین مسایل، از آنچه موجب اطالة کلام و خروج از بحث می‌شود و نیز از تکرار گویی خودداری شد.
۷. معیار کتاب در شمارش آیات، در غالب موارد سبک «المعجم المفهرس» است و در موقعی نیز به سایر منابع مانند مصحف‌های مصری مراجعه شد.
۸. هدف از تألیف، چیزی جز تحقیق و کشف معانی واقعی واژه‌ها چیزی نبود و تا جای ممکن و بضاعت خویش در این راه کوشیدیم و از قرآن استمداد خواستیم و متول به فیوضات الهی و الهامات ربانی شدیم. سپس خداوند را به دلیل هدایت و عنایت حضرتش که توفیق من تنها از خدای عزیز حکیم بوده است.
۹. زمانی که معنای حقیقی واژه‌ای روش شد، بر همان اساس موارد استعمال کلمه در آیات الهی مورد توجه قرار گرفت تا حق آشکار شود و باطل از میان برود.
۱۰. هنگامی که اصل واحد و ریشه ماده‌ای روشن شد، سایر معانی مجازی و موارد استعمال را به همان اصل واحد ارجاع دادیم و وجه تناسب آن‌ها را بیان کردیم.
۱۱. با روشن شدن حق، معرض سایر سخنانی که در کتاب‌های لغوی، تفسیری و ادبی در تضعیف برخی معانی و وهن و انحراف آن‌ها آمده است، نشدیم.
۱۲. بر اثر همین دقت نظر و تحقیق، حقایق روشن و معارف حقه و لطایفی شریف و

اسراری پنهان که بر بیشتر مفسران پنهان مانده و موجب اشتباه می‌شد، روش و آشکار شدند. (مصطفوی، ۱/۶-۷)

و یا به تبیین روشی مرحوم آیت‌الله العظمی خوبی^(۴) توجه شود:

تفسیر، روش ساختن مفهوم آیات قرآن و واضح کردن منظور پروردگار است. بنابراین، در تفسیر نباید به مدارک ظنی و غیر قابل اطمینان استناد کرد. بلکه باید به دلایل تکیه کرد که عقلاً و یا شرعاً حجیت و اعتبار آن ثابت و مسلم است. زیرا اولاً: پیروی از دلایل ظنی و غیر یقینی، شرعاً منوع و نارواست و ثانیاً: نسبت دادن مطلبی به خدا، بدون اذن وی حرام و گناه بزرگ و نابخشودنی است چنانکه خداوند می‌فرماید: «قل الله اذن لکم ام على الله تفترون» (یونس / ۵۹) «و لا تقف ما ليس لك به علم» (بنی اسرائیل / ۳۶) ... مفسر قرآن در مسیر تفسیرش باید تنها از این گونه مدارک علمی، عقلی و شرعی که در موضوعات ذیل خلاصه می‌شود، پیروی کند:

۱. خواهر الفاظ قرآن ...
۲. عقل فطری و سالم از تأثیرات افکار و سلیقه‌های شخصی ...
۳. دستورها و گفتارهایی که به طور حتم از ناحیه معمصوم علیه السلام رسیده ...
۴. اخبار ظنی معتبر در تفسیر قرآن (خبر واحدی که دارای شرایط حجیت و اعتبار است). ... (خوبی، ۳۸۲: ۵۲۶ - ۵۲۷)

یکی از اشتباهات رایج در میان برخی از دانشجویان این است که مباحث روش شناسی خود را با یک عبارت کوتاه مانند «روش ما مطالعه کتابخانه‌ای است» مختصر می‌کنند و هیچ توضیحی را درباره شیوه مطالعه خود و نحوه بررسی اسناد پژوهشی شان ارائه نمی‌کنند. (همچنین گاه دیده می‌شود که دانشجو در جایی که می‌تواند و حتی لازم است که از روش‌های ترکیبی استفاده کند، پژوهش خود را محدود به یک روش خاص کرده است که همین امر موجب کاهش اعتبار پژوهش او می‌شود.)

۵. شناخت نظام یافته مصادر علمی

برای شناخت منابع پژوهش، راههای مختلفی موجود است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- بنا بر موضوع مورد نظر، از افراد مطلع (به ویژه با سابقه تدریس یا نویسنده‌ی در زمینه مورد نظر) پرس‌وجو شود. پیشنهادهای آن‌ها می‌تواند راهنمای خوبی برای تحقیق باشد.

- از فهرست‌های منابع کتابخانه‌ها (فضای اصلی تحقیق) استفاده شود. رقمی شدن (دیجیتالی شدن) فهرست‌های مذکور امکانات بهتری را فراهم کرده است.
- نیز می‌توان از کتابدارهای باسابقه نیز پرس‌وجو کرد.
- معمولاً دایرةالمعارف‌های تخصصی در ذیل واژه‌های خوبی جهت راهنمایی محقق ارائه می‌دهند.
- برخی از مجلات پژوهشی اطلاعات خوبی درباره آثار منتشر شده علمی به ما می‌دهد.
- برخی از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی در اینترنت نیز اطلاعات خوبی در این زمینه ارائه می‌کنند.

هیچ‌گاه نباید تحقیق خود را بدون بررسی کافی بر منابع تحقیق خود آغاز کرد. پیش از هر کار، محقق باید منابع مکتوب و اسناد در دسترس خود را در فهرستی به تفکیک منابع دست اول و دوم یادداشت کند. منابع دست اول عبارت است از سرچشمه‌های اصلی اطلاعات و آگاهی‌های ما در قبال یک مسئله تحقیق. از طریق این منابع می‌توان بدون واسطه وارد سرچشمه‌های مسئله تحقیق شد. موفقیت هر تحقیق در گرو میزان استفاده از مصادر اصلی است. مصادر اصلی پژوهش در رشته‌های مختلف و مذاهب مختلف متفاوت است. نیز اولویت منابع دست اول به زبان اصلی و نه ترجمه آن خواهد بود. در صورت در دسترس نبودن این منابع و یا بر جستگی خاصی در ترجمه، از متن ترجمه استفاده می‌شود.

(الطویل، ۲۰۰۳: ۲۳) علامه امینی^(۱) در کتاب شریف الغدیر، ضمن نقد آثاری همچون «الصراع بين الإسلام و الوثنية»، «الوشييع في الرد على الشيعة»، «فجر الإسلام»، «ضحي الإسلام»، «ظهر الإسلام»، «الجولة في ربوع الشرق الادنى» به اهمیت رجوع به منابع اصلی چنین اشاره می‌کند:

تهی بودن تأییفات شرقی و اسلامی از ذکر منابع، همانا موجب از یاد بردن کتاب و سنت و نابودی اصول علم و خیانت به سلف امت و نادیده گرفتن آثار و یادگارهای اسلامی خواهد شد؛ و آن کاری ناقص و تلاشی ناتمام است که نه به خیر و صلاح امت عربی است و نه جامعه اسلامی.

و روزی خواهد آمد که چنین نویسنده‌ای دنдан ندامت بر پشت دست بگزد. چنین

تألیفی به جای آنکه بیانگر علوم و معارف حقیقی باشد، تنها معنکس کننده نفسانیت و غرض ورزی نویسنده اش است که خواننده اش خود را مواجه با روایتی می باید که تنها ساخته و پرداخته مؤلفش است. ... (امینی، ۱۴۱۶: ۳ / ۴۹)

«منابع دست دوم» عبارت از منابع مشتق شده از منابع اصلی هستند. برای مثال، چهل حدیث مرحوم حضرت امام خمینی (۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ شمسی) به نسبت کتاب اصول کافی اثر مرحوم کلینی (متوفی ۳۲۸ ق) یک منبع دست دوم است. این منابع اطلاعات مفید و مبسوطی در زمینه تحقیق به ما می دهد. استفاده از این منابع، در کنار منابع دست اول، مفید و لازم است. این را نیز باید افروزد که گاه به اعتبار موضوع تحقیق، اثری که در یک زمینه منبعی فرعی به شمار می رود، در زمینه ای دیگر مصدر اصلی است. برای مثال، کتاب چهل حدیث حضرت امام خمینی^(۱) به اعتبار علوم حدیث (روایت مucchom علیه السلام) مرجع فرعی، اماً به اعتبار اندیشه های مرحوم حضرت امام خمینی ره و یا شیوه استدلالش در زمینه حدیث، مصدر اصلی تحقیق خواهد بود.

تا اینجا مشخص شد که تحقیق را نباید به کتاب های غیرعلمی که اصولاً در طبقه بندی منابع اصلی پژوهش قرار نمی گیرند، وابسته کرد. حداقل معیارهای علمی بودن یک اثر عبارت اند از:

- میزان دقت نویسنده،
- رعایت شیوه استدلال علمی در قلم او،
- آشنایی مناسب نویسنده با پیشینه و گذشته تحقیقش،
- مبتنی بودن بر مدارک و منابع دست اول.

۶۰. ارائه اطلاعات علمی صحیح

ارائه اطلاعات علمی کم باشد بهتر است تا نادرست و یا نامطمئن باشد. ابتدا باید منابع دست اول تحقیق خود را از منابع دست دوم جدا کرد. سپس بررسی کرد که چند منبع درجه اول در دسترس موجود است. ممکن است در این مرحله، محقق به این نتیجه برسد که به دلیل نداشتن منابع مورد نیاز به اندازه کافی، لازم است موضوع تحقیق خود را تغییر دهد. حتی الامکان بهتر است فهرست مذکور به ترتیب زمانی نوشته شود تا محقق متوجه

سیر تطور تاریخ علم مورد نظرش شود.

مذاهب و فرق مختلف، هر یک دارای مصادر تحقیق خاص خود هستند. برای مثال، شخصی که در صدد انجام پژوهشی در زمینه «فقه حنبی» است، باید مصادر تحقیق را به روایت خود فقیهان حنبی شناسایی کند تا بتواند به صورتی بی‌واسطه با آن‌ها ارتباط برقرار کند. این فهرست می‌تواند به صورت زیر تهیه شود.

۱. «المغنی» اثر ابن قدامة (۶۲۰ ق)

۲. «الشرح الكبير على متن المقنع» اثر شمس الدين عبدالرحمٰن بن قدامة المقدسي (۶۸۲ ق)

۳. «الفتاوى الكبرى» اثر ابن تيمية (۷۲۷ ق)

۴. «الفروع» اثر محمد بن مفلح المقدسي (۷۶۲ ق)

۵. کشف القناع على متن الاقناع» اثر شیخ منصور البهوتی (۱۰۵۱ ق) (الطویل، ۱۲۳-۱۲۴: ۲۰۰۳)

هیچ گاه نباید به اتکای چند مقاله دست دوم به تحقیق درباره فقه حنبی و دیگر مذاهب فقهی پرداخت. کم بودن اطلاعات علمی صحیح بهتر از نادرست بودن و یا نامطمئن بودن آن است. شیوه دانشمندان نامی اسلام مانند شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن بن علی الطویل معروف به شیخ طویل^(۱) (۴۶۰-۳۸۵ ق) که از بزرگ‌ترین محققان فقه تطبیقی در جهان اسلام است به ما می‌آموزد که باید علم را از مصادر اصلی آن دریافت کرد. در باب اهمیت این موضوع، مرحوم علامه محمد تقی جعفری^(۲) می‌گوید: ما می‌توانیم عقاید هر دو طرف {شیعه و اهل سنت} را از کتاب‌های خودشان استخراج کرده و باهم مقایسه نماییم و ببینیم که بین ایشان چه نقاط مشترک و چه تمایزاتی وجود دارد. البته توصیه من در این خصوص آن است که در شناخت این دو مکتب بزرگ باید تنها به محققین و مورخین خارج از اسلام {شرق‌شناسان} تکیه نکنند، یعنی برای مثال، اگر یک فرد شیعه بخواهد درباره اهل سنت، حقایقی به دست بیاورد، باید به کتاب‌های متكلمين و حکماء خود ایشان رجوع کند. هنگامی که منابع دست اول در دسترس ما هست، چه نیازی به کارها و ترجمه‌های دست دوم داریم که چه بسا بدون آشنایی به زبان و مسایل و احکام، نگاشته شده و این در حالی است که در این کار،

غرض ورزی نبوده باشد. اگر افراد اهل سنت نیز بخواهند درباره عالم تشیع قضایت کنند، باز به همین ترتیب باید از کتاب‌های دست اول تشیع که در اختیارشان است، استفاده کنند. ما متأسفانه در دوره‌های اخیر، بعضی اشخاص را دیده‌ایم که به منابع دست دوم مستشرقین قناعت کرده و به ارزیابی و داوری در مذهب تشیع پرداخته‌اند و ما این مسئله را نمی‌پذیریم، همان‌طور که علمای اهل سنت {نیز} نباید پذیرند.

(جعفری، ۱۳۷۷: ۱/۵۱)

اگر مرحوم علامه طباطبائی^(۱۵) از منبعی برای مثال، «الدر المنشور» استفاده کرده و مشخصات منبع فوق توسط محققان دفتر انتشارات اسلامی در زیرنویس ترجمه‌این کتاب آورده شده است، کسی «حق ندارد» با رونویسی از ترجمه‌ای تفسیر المیزان و بدون ذکر نام این منبع، چنین وانمود کند که مطلب را مستقیماً از کتاب «الدر المنشور» اخذ کرده است. کسی که می‌خواهد بزرگ باشد، باید اسباب بزرگی را فراهم آورد. درست است که مراجعه و تحقیق در منابع اصلی سخت و دشوار است، اما مگر می‌توان بدون تحمل رنج و سختی بزرگ بود؟

همت بلند دار که مردان روزگار
از همت بلند به جایی رسیده‌اند.

پس اگر فردی در صدد بررسی تاریخ اسلام در سده‌های پیشین است، باید علاوه بر توجه به نظریه‌ها، مناقشات و تحلیل‌های دیگران مورخان تا آنجا که لازم است، به منابع اصلی تاریخی رجوع کند؛ منابعی مانند:

- تاریخ خلیفة بن خیاط - مورخ محدث ابن خیاط العصری (۲۴۰ ق)
- تاریخ الامم و الملوك - طبری محدث و مفسر معروف (۳۱۰ ق)
- کتاب البدء و التاریخ - مطهر بن طاهر المقدسی (۳۵۵ ق)
- المقتبس فی اخبار الاندلس - حیان بن خلف القرطبی (۴۶۹ ق)
- المنتظم فی تاریخ الامم - ابن جوزی
- المعجب فی تلخیص اخبار المغرب - عبدالواحد المراكشی (۶۲۱ ق)
- الكامل فی التاریخ - عزالدین بن الاشیر (۶۳۰ ق)
- تاریخ الاسلام و طبقات المشاهیر و الاعلام - الذہبی (۷۴۸ ق)

- البداية و النهاية - ابن كثير (٧٧٤ ق)
- كتاب العبر و ديوان المبتدأ و الخبر - ابن خلدون (٨٠٨ ق)
- مروج الذهب و معادن الجوهر - أبي الحسن على المسعودي (٣٤٦ ق)
- تجارب الأمم و تعاقب الهمم - ابن مسكونيه (٤٢١ ق)
- تاريخ الأمم و الملوك - ناصر الدين بن الفرات المصري (٨٠٧ ق)
- النجوم الزاهرة في ملوك مصر و القاهرة - جمال الدين أبي المحاسن يوسف ابن تغري بردي (٧٨٤ ق)
- الروضتين في أخبار الدولتين النورية و الصلاحية - أبي شامة المقدسي (٦٦٥ ق)
- حسن المحاضرة في أخبار مصر و القاهرة - سيفوطى (٩١١ ق)
- البيان المغرب في أخبار المغرب - أبي عبدالله محمد المراكشي (٦٦٧ ق)
- نفح الطيب من غصن الاندلس الرطيب - احمد بن محمد بن محمد المقرى التلمساني (١٠٤١ ق)
- الاستقصا في أخبار المغرب الأقصى - احمد بن خالد الناصري.

مثال - نمونه‌ای از نتایج شناخت نادرست

علامه امینی در بخشی از مجلد سوم کتاب الغدیر به نقد کتاب «منهاج السنّة» پرداخته است. (امینی، ۱۴۱۶ / ۳: ۲۱۱) او ادعای ابن تیمیه را زیر سؤال می‌برد که مدعی است از نادانی های شیعیان آن است که از عدد ده کراحت دارند. برای مثال، در ساختمان ده ستون نمی‌سازند و همه این ها به دلیل بعض آنان با عشره مبشره (جز علی بن ابیطالب) است و ابن تیمیه تعجب کرده است که شیعیان عدد ده را دوست می‌دارند ولی نه تای از ده تا را دشمن! (همان به نقل از منهاج السنّة ۱ / ۹) و حتی ابن تیمیه پا را فراتر از این گذاشته و مدعی است که رافضی‌ها (شیعیان) عدد ده را هم به زبان نمی‌آورند و به جای آن نه و یک می‌گویند. (همان به نقل از منهاج السنّة: ۲ / ۱۴۳) امینی در اینجا نقد دیدگاه‌های ابن تیمیه درباره شیعه را از زاویه سنجش میزان شناخت او از شیعه انجام داده است. ابن تیمیه شیعه را مذهبی اسلامی نمی‌داند و بررسی میزان شناخت ابن تیمیه درباره

شیعه می‌تواند اعتبار احکام او درباره شیعه را مشخص سازد. امینی نشان می‌دهد که ابن تیمیه در مقام نقد شیعه، گویی از مردمانی منقرض شده و رویه افول سخن رانده است که دیگر کسی از آن‌ها باقی نمانده تا پاسخ نسبت‌های دروغین او را بدهد. (همان: ۲۱۲) بنابراین نقل همین ادعا به معنای رد آن است؛ اما امینی در ادامه به ادعای مذکور پاسخی علمی می‌دهد. در پاسخ ابتدا امینی آیاتی از قرآن را که در آن عدد ده آمده است یادآور می‌شود؛ مانند: «تِلْكَ عَشَرَةُ كَامِلَةٌ» (قرآن مجید، بقره: ۱۹۶)، «وَ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (قرآن مجید، انعام: ۱۶۰)، «وَ الْفَجْرِ وَ لَيَالٍ عَشْرِ» (قرآن مجید، الفجر: ۱-۲)، «فَأَتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ» (قرآن مجید، هود: ۱۳) سپس ادعیه‌ای از شیعه را که متضمن عدد ده است بیان می‌کند، مانند: «دعای عشرات» که شیعه در هر جمعه‌ای یکبار آن را می‌خواند و نمازهای مستحبی که در آن‌ها خواندن ده بار سوره معینی وارد شده است و اذکار مستحبی که باید ده، ده خوانده شوند، در کنار مباحث عقول عشره و جواهر و اعراض عشره (در فلسفه به نام مقولات عشر) که در کتاب‌های شیعه مورد بحث قرار گرفته‌اند. سپس گفتارهایی از شیعیان را از منابع شیعی می‌آورد که در همه آن‌ها عدد ده به کاربرده رفته است؛ مانند گفتار شیعیان درباره ده نام پیامبر، ده نیروی خدادادی عقل، ده خصلت از صفات امام و ...

۶۱. اجتناب از نقل قول‌های حجم افزا.

استفاده از نقل قول مستقیم تنها زمانی جایز است که دلیلی برای بیان آن موجود باشد. محقق نباید وقت خود را با از بر کردن الفاظ و سرهم‌بندی نوشه‌های دیگران تلف کند و باید به جای حفظ الفاظ، خود را درگیر با مفاهیم کند و قدرت تحلیل خود را بالا برد. او باید بکوشد تا سبک نگارش خاص خود را بیابد و به زبان خاص خود سخن بگوید. اصل در یک متن تحقیقی آن است که هفتاد درصد مطالب آن نقل قول غیرمستقیم باشد و تنها سی درصد مطالب آن هم به شرط ضرورت، نقل قول مستقیم باشد.

۶۲. تهیه منابعی جهت مقایسه دیدگاهها و وقایع

هیچ گاه نباید به پژوهش سمت و سوی یک طرفه داد. یکی از روش‌های غنی کردن مطالب پژوهش خویش آن است که از طریق یافتن دیدگاه‌های مختلف پیرامون موضوعات مورد بررسی، خواننده را در مقابل وضعیت‌های مقایسه‌ای قرار داد. با انجام مقایسه می‌توان مسئله را از زوایای مختلفی مطرح کرد؛ مانند:

- دیدگاه‌های معارض یکدیگر را بیان کرد.
- دیدگاه‌های تأییدکننده یکدیگر را شناخت.
- دیدگاه‌های مکمل هم را شناخت.
- موارد بیان یک مسئله در آثار مختلف را شمارش کرد.

هیچ گاه نباید از ارزش بالای مقایسه در پژوهش غافل شد. به عنوان یک تمرین، در مطالعه مقالات و کتاب‌های برجسته علمی این سوالات را مطرح کنید:

- چند مورد مقایسه در متن موجود است؟
- چه دیدگاه‌هایی در مقابل یکدیگر مطرح شده‌اند؟
- آیا نویسنده صرفاً به نقل قول مستقیم اکتفا کرده است و یا با بررسی هر نقل، با نقل مطالب موضع خود را بیان کرده است؟
- آیا نویسنده در جریان مطالعه و پژوهش فردی منفعل است و یا فعل؟

۶۳. یادداشت نویسی منظم

محقق باید دفتر یادداشت مطالعاتی داشته باشد و در حین تحقیق به حافظه خود متکی نباشد. البته پیشرفت‌های رایانه‌ای امکانات جدیدتری برای پژوهش ارائه کرده است و یادگیری مهارت تایپ را برای نسل جدید پژوهشگران الزامی کرده است. یادداشت نویسی اگر چه کاری وقت‌گیر به نظر می‌آید، اما نوعی سرمایه‌گذاری ارزشمند علمی برای درازمدت است. برگه‌های یادداشت مختلفی (و در اندازه‌های گوناگون) در بازار موجود است. هر محقق بنا بر نوع کار و سلیقه خود برگه‌ای را انتخاب و یا طراحی کند و به صورت منظم داده‌های ثبت شده را در قالب «بایگانی قابل رجوع» ذخیره کند.

۶۴. استنادهای توضیحی و ارجاعی

در طی مراحل تحقیق باید با استفاده از منابع معتبر و در موقعیت مفهومی مناسب (به جا و به موقع) به شکلی نظام مند استناد شود. قاعده کلی استناد به قرار زیر است. همواره نقل قول مستقیم مستنده منبع مورد استفاده شود. ضمن آنکه باید ابتدا و انتهای آن به نحوی مانند استفاده از نشانه «گیومه» و یا اختصاص پاراگرافی برای آن مشخص شود.

مواردی که جزو دانش عمومی محسوب می‌شوند، نیازی به مستندسازی در نقل قول «غیرمستقیم» ندارند. برای مثال، تقسیم بندی کلمه به «اسم و فعل و حرف» جزو معارف عمومی است؛ مگر آنکه منظور دیگری از بیان آن مورد نظر باشد. همچنین است بیان شواهد شعری، در صورتی که ضبط دقیق یا ذکر نام سراینده آن مورد نظر نباشد.

باید از نقل قول‌های بی‌خاصیت و حجم افزای پرهیز کرد و چنانکه گفته شد، باید اساس نقل مطالب را در نقل قول غیرمستقیم گذاشت. نقل قول غیرمستقیم همواره مشکل‌تر از نقل قول مستقیم است؛ زیرا نویسنده باید مطالعه دقیق متن، به کمک ذهن خود و نه رونویسی از کتاب‌ها، محتوا را در قالب نقل قول تحلیل شده، به زبان خود بازنویسی کند.

همچنین گاه نویسنده لازم می‌داند که مطالبی را به اطلاع خواننده اثربخش برساند که بیان آن در داخل متن، منجر به از میان رفتن نظم ساختاری نوشتار و گسیختگی در مطالب آنان می‌شود. لذا توضیحات فوق به صورت مجزا یا در پای صفحه با عنوان پاورقی یا پانوشت و یا در پایان فصول و یا کتاب با عنوان تعلیقات یا یادداشت‌ها آورده می‌شوند. پانوشت بر سه قسم است:

پانوشت ارجاعی: استناد مطلب برای رعایت امانت و یا ارجاع خواننده به منابع دیگر.

پانوشت توضیحی: بیان توضیحات اضافی درباره موضوع سخن (مانند معنای یک واژه، معرفی اجمالی اعلام غیر مشهور که در متن از آن‌ها نامبرده شده باشد، معادل خارجی یک اصطلاح و ...)

پانوشت مختلط: که مشتمل بر ارجاع و توضیح است.
لازم است تا پانوشت مترجم و یا ویراستار اثر از پانوشت نویسنده تفکیک شود. این امر از طریق قرارداد نشانه‌ای (مانند: (م) برای مترجم) صورت می‌پذیرد. همچنین مطالب

پانوشت باید به صورت مجمل و فشرده ارائه شوند.

مستند کردن پژوهش بیانگر شخصیت پژوهشگر است. که ضمن بیان دیدگاه خود، در تعامل و واکنش با اندیشه‌های دیگران قرار می‌گیرد. هیچ‌گاه نباید متن پژوهش را تنها به مجموعه‌ای از نقل قول‌های بی‌هدف مبدل کرد. از لحاظ شکلی استناد به شیوه‌های مختلفی صورت می‌پذیرد. هر شیوه‌ای که بتواند به صورت منطقی، مناسب و با رعایت وحدت رویه، اطلاعات لازم را به خواننده منتقل کند، قابل قبول است. (با توجه به تنوع روش‌های علمی استناد، نیازی به حصر آن در یک روش مشخص نیست). منابع خوبی در این زمینه عبارت‌اند از:

۱. احمد سمیعی (گیلانی): ۱۳۸۳، **نگارش و ویرایش**، تهران (چاپ ششم) سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۲. غلامحسین غلامحسین زاده: ۱۳۸۳، **راهنمای ویرایش**، تهران (چاپ سوم)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۳. آذمه سنجیری، فروغ کاظمی: ۱۳۷۹، **راهنمای ویرایش: شیوه‌نامه انتشارات دانشگاه شهید بهشتی**، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴. محمد جعفر یاحقی، محمدمهدی ناصح: ۱۳۶۸. **راهنمای نگارش و ویرایش**. مشهد (چاپ هفتم) مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

۶۴. ضرورت داشتن استدلال‌هایی صحیح

در طی نگارش یک مقاله و یا رساله دانشگاهی، بارها و بارها از «استدلال علمی» استفاده می‌کنیم. ارزش پژوهش ما به شیوه استدلال به کاررفته در آن بازمی‌گردد. استدلال عبارت از عمل به کار گرفتن دلیل برای اثبات درستی یک مطلب است. همچنان که در بحث نقل با سند و مسایل پیرامون آن سروکار داریم، در استدلال متوجه استحکام و استواری دلایل هستیم. دلیل سست، قول مشکوک و مردود است. اموری مانند سفسطه، مغالطه، مصادره بر مطلوب، قیاس مع الفارق از زمرة عوامل تضعیف کننده دلیل هستند. به طور کلی استواری استدلال منوط به دو امر است:

۱. یقینی بودن مقدمات،

۲. نتیجه‌گیری درست از آن‌ها. (در این زمینه به نظریه و نیز مطالعات توصیفی مراجعه شود.) برای درک اهمیت استدلال به این پرسش‌ها توجه کنید:

- در حین انجام پژوهش، چرا برخی از مطالب را می‌پذیریم و برخی دیگر را رد می‌کنیم؟
- مخاطب پژوهش، نیازمند دانستن چه چیزی است تا بتواند درباره مدعای ما «تفکر» کند؟
- نوشتۀ ما با وجود چه مؤلفه‌هایی می‌تواند تا خواننده خود را به اندیشه وادر کند؟ با کمی دقت در این پرسش‌ها مشخص می‌شود که سطح استدلال هر متن سطح تفکر آن متن را مشخص می‌کند و نیز امکان ارزشیابی متن را برای خواننده‌گانش ایجاد می‌کند. به طور کلی معرفه‌های یک استدلال علمی خوب عبارت‌اند از:

۱. شناخت مسئله: شخصی که خود در شناخت مسئله دچار ابهام است، چگونه می‌تواند آن را برای دیگران روشن و واضح کند.
۲. رعایت تقدم و تأخیر مطالب در بیان مسئله: نباید بدون مقدمه‌چینی لازم وارد نتیجه‌گیری شد.
۳. استفاده از دلایل معتبر: هیچ‌گاه نباید از ادله نامعتبر (مانند آمار نادرست و یا مشکوک) استفاده کرد. استفاده از روایات ضعیف در تفسیر قرآن و دیگر تحقیقات اسلامی صحیح نیست. (خوبی، ۱۳۸۲: ۵۲۷) همچنین هیچ‌گاه نباید امر جزیی را چنان توسعه داد که به کل تعمیم داده شود.
۴. کافی بودن ادله پژوهش: به جای استفاده بیش از اندازه از ادوات تاکید، باید به اندازه کافی دلیل آورد. هر چه دلایل بیشتر باشد، از نیاز (کاذب) به استفاده از واژگانی چون: قطعاً، حتماً، لاجرم واقعاً، مسلم‌اً و نظایر آن کاسته می‌شود. (ضمن آنکه در چنین زمانی است که واژگان کاربرد صحیح خود را می‌یابند.)
۵. آشنایی با نظریات معارض: باید استدلال خود را با توجه به نظریه‌های رقیب و معارض مطرح کرد. اگر هدف ارائه مطالبی درست باشد، پس دیگر چه باک از نقادی آن که زمینه ساز رسیدن به این هدف خواهد بود. یکی از فلسفه‌غربی به نام آنتونی کنی (Anthony Kenny) در ضمن بررسی آثار کشیش مسیحی،

توماس آکوینی (۴۳۰ - ۳۵۴ م) به نکته جالبی اشاره کرده است:

... هر وقت آکویناس می خواهد نظریه یا مدعای فلسفی یا کلامی خاصی را مطرح کند، اول سه تا از قوی ترین دلایلی را که در رد آن به فکرش می رسد، ذکر می کند. این روش انضباط عجیبی در تفکر به وجود می آورد و نمی گذارد امور را مسلم فرض کنید و ادارتان می کند از خودتان بپرسید: چه کسی را می خواهم نسبت به چه چیزی متقاعد کنم و قوی ترین اعتراض هایی که طرف ممکن است بکند، چیست؟ (مگی، ۱۳۷۷: ۹۸)

۶. کافی بودن دلایل: گاه چهت شناخت کفایت استدلال خود، مشورت با اهل فن لازم است تا مشخص شود که آیا به اندازه کافی از دلایل قرآنی استفاده شده است؟ آیا به میزان کافی از روایات معصومین علیهم السلام استفاده شده است؟ آیا شواهد تاریخی بیان شده کافی است؟ عدم توجه به این سوالات و امثال آن ها، منجر به سستی استدلال و در نتیجه ضعف کل پژوهش می شود.

باید ادله خود را در دسته بنده مشخصی بیان کرد: مانند ادله عقلی، ادله نقلی، شواهد تاریخی و نظایر آن. از خلط مباحث بپرهیز کرد و ورود خود در هر یک از این زمینه ها را متناسب با ماهیت بحث تطبیق داد. برای مثال، نباید در بحث عقلی از دلایل تاریخی استفاده کرد. اگر چه ادله و شواهد مختلف در جمع بنده نهایی در کنار یکدیگر قرار خواهند گرفت. نیز اگر استدلال بر محور چند حوزه علمی قرار گرفته است، برای مثال، ضرورت طرح مباحث ادبی، تفسیری و تاریخی در ضمن بحث پیرامون یک آیه از قرآن کریم، هر یک از این حوزه ها نیازمند استفاده از ادله کافی هستند. چه بسا که تزلزل ادله در یک حوزه بر اعتبار کلیت استدلال اثرگذار باشد.

۷. شرط تناسب اقدام با موضوع مورد بررسی: پیش تر اشاره شد که هر علمی را نباید باهر روشی درآمیخت.

- براهین فلسفی با عرفان عملی متفاوت است.
- تفسیر کلام بشری، با تفسیر کلام الله مجید متفاوت است.
- روش شناخت جامعه (آنچه اکنون در آن می گذرد)، با شناخت تاریخ آن جامعه مختلف است.
- در پژوهش های عملی نیازمند تناسب روش با موقعیت پدیده مورد نظر

هستیم. برای مثال، دادن پرسشنامه به مردم «بی‌سواد» نادرست است.

- انتخاب غیرمتخصص برای گفتگو پیرامون مباحث تخصصی، کاری غیرمنطقی و اشتباه است،

- اتکا بر استقرای ناقص یقین‌آور نیست و دیگر نظایر آن.

۸. ضرورت استفادهٔ صحیح از اصطلاحات علمی: باید از به کار بردن اصطلاحات نامأتوس در موضوع پژوهش خودداری کرد و بدون علت موجه، مبادرت به ساخت اصطلاح جایگزین اصطلاحات موجود نکرد؛ زیرا واژه‌سازی تصنیعی، علاوه بر ناتوانی در برقراری ارتباطی منطقی با دیگر دانشمندان، (نبود امکان بین ذهنی شدن مفاهیم)، به آشتفتگی واژگانی دامن می‌زند. همچنین نباید به جهت نمایش سواد و توانایی‌های خود، از عبارات و اصطلاحات خارجی استفاده کرد. (از مشکلات رایج در بسیاری از پژوهش‌ها)

۹. احتیاط در صدور احکام کلی: فردی که مسئله علمی در عرصه وجود را تنها همان بداند که خود طرح کرده است، هیچ بهره‌ای از علم ندارد. (جعفری، ۱۳۷۹: ۷۴) در طرح و تعمیم دیدگاه‌های علمی خویش، باید نهایت احتیاط را به خرج داد.

۶۶. پژوهش مستلزم داشتن درک بالایی از زیبایی‌شناسی است.

زیبایی‌شناسی حداقل به دو بُعد مربوط می‌شود:

۱. زیبایی استدلال علمی که به هماهنگی اجزای آن با یکدیگر و صحت و کمال آن بازمی‌گردد.

۲. بُعد زیبایی جویی و زیبا یابی فرد محقق.

در متن پژوهش، توجه به رعایت زیبایی از دو لحاظ محتوا و لفظ مهم است که به اجمال شامل رعایت موارد زیر است:

۱. **حق جویی:** حق در مقابل باطل است. خیر و برکت‌ها در حق نهفته است. هیچ خیری در باطل نیست.

۲. **رعایت انصاف و امانت علمی:** بدون رعایت انصاف و امانت علمی، زشتی تدلیس نوبینده آشکار می‌شود.

۳. **ویرایش جملات:** از به کار بردن جملات طولانی با بیش از دو سطر اجتناب شود. نیز باید از تکرار بی جهت جملات همسان در لایه‌لای تحقیق خود و یا جملاتی با محتوای تکراری اجتناب کرد. (مگر آنکه مقاصد خاصی مانند اهداف آموزشی مطرح باشد.) استفاده از جملات معتبره نیز تنها در صورت ضرورت باید صورت گیرد. ملاک حذف یا عدم حذف این جملات در پاسخ این پرسش‌ها نهفته است که آیا عدم بیان آن منجر به ایجاد خللی در ساختار استدلال تحقیق خواهد شد یا خیر؟ و وجود آن‌ها چه تأثیر مثبتی در این ساختار ایفا خواهد کرد؟ چنانکه پیش‌تر نیز اشاره شد، بسیاری از توضیحات اضافی تکمیل‌کننده را می‌توان در پانوشت‌های توضیحی بیان کرد.

۴. **استدلال در سطح مخاطب پژوهش:** هر اثری به منظور تأمین نیازهای مخاطبان خاص خود نوشته شده است. انسان‌ها در سنین مختلف زندگانی نیازها و سطح تفکر مختلفی دارند. اقتضای نگارش برای سنین نوجوانی با بزرگ‌سالی متفاوت است. نیز سطح سواد مخاطبان در نحوه بیان نویسنده تأثیرگذار است. آیا می‌توان همان مثال‌هایی را که برای کودکان ارائه می‌شود، برای بزرگ‌سالان نیز بیان کرد؟ معمولاً پایان‌نامه‌های دانشگاهی در سطح مخاطبانی با حداقل درجه کارشناسی (لیسانس) تعریف شده‌اند. لذا باید از بیان مطالب در سطحی پایین‌تر خودداری کرد.

۵. **دادن امکان تصمیم‌گیری به مخاطب:** هدف از تحقیق باید تنها بیان چیزی باشد که بر اساس حق‌جویی به آن رسیده‌ایم. وظیفه محقق با انجام این کار پایان پذیرفته است. باید محقق در اندیشه‌پذیرش اجباری مخاطب نسبت به دیدگاهی خاص باشد.

۶. **توجه به پرورش مفاهیم مورد نظر:** در جریان به کارگیری استدلال، نیازمند توجه به مجموعه مسائل مهمی در کنار آن هستیم. برخی از این امور به طور خلاصه عبارت اند از: الف- تعریف دقیق بین الذهانی کردن مفاهیم، ب- استفاده درست از شواهد، توجه شود که استشهاد گاهی برای اثبات و تأیید نکته‌ای و گاه برای آرایش سخن است. استشهاد در استدلال نباید به گونه‌ای باشد که مراد قائلان آن را تحریف کند. {به «لا

تَقْرِبُوا الصَّلَاةَ» استشهاد شود و از «وَأَنْتُمْ سُكَارَى» (قرآن مجید، سوره نساء: ۴۳) ذکری به میان نیاید.} استشهاد در علوم اسلامی کاربردی فراوان دارد. ج- استفاده از اسلوب مقایسه تا این رهگذر مسائل روشی تر و بارزتر ارائه شوند. لازمه صحت مقایسه، رعایت

شرط هم سخ بودن است. د- استفاده از اسلوب های بیانی مناسب، چون اسلوب پرسشی، شرطی و نظایر آن. برای مثال، برخی از کارکردهای پرسش در متن عبارت اند از:

- ایجاد علاقه و کنجکاوی،
- متوجه کردن توجه بر مفهوم یا موضوعی خاص،
- واداشتن مخاطب به تفکر و تأمل،
- ایجاد ارتقای فکری در ضمن استدلال علمی.

۶۷. داشتن نگاهی نقادانه

نقد یک اثر عبارت است از نشان دادن نقاط ضعف و قوت آن به گونه ای که سرانجام منجر به استخراج قوانینی شود که علل ضعف یا اعتلای یک اثر را بیان کنند؛ بنابراین، نقد علمی صرف یک مرح و ذم ساده نیست، بلکه کوششی در جهت تعالی کلیت علم است. پیام نقد یک اثر به خواننده این است که برای پیشرفت در کار از چه راهی باید رفت و نیز نرفت. معمولاً دانشمندان اسلامی به دو روش به نقد آثار مختلف پرداخته اند.

۱. انتقاد مستقیم: بیان نظریه مورد انتقاد و سپس نقد آن مثل اینکه به مقدمات و یا استنتاج آن اشکال گیرند.
۲. انتقاد غیرمستقیم: بیان نظریه ای که صاحب نظران آن را حق و صحیح می دانند. به گونه ای که ناظران آگاه از نظریه مخالف، با مطالعه آن اعتراض نهفته در آن نظریه را دریافت می کنند. (جعفری، ۱۳۷۶: ۱۵ / ۱۸۳ - ۱۸۴)

معمولاً نقد در محورهای زیر صورت می پذیرد. امری که باید مورد توجه هر دانشجویی در زمان نگارش رساله پژوهشی خود باشد.

- نقد مقدمات استدلال
- نقد نحوه استنتاج
- نقد اصالت پرسش تحقیق
- نقد اعتبار مدارک و منابع
- نقد صحت توصیف
- نقد ساختار و قالب نوشتار

بهترین شیوه نقد اندیشه‌ها پرسیدن درباره آن هاست. در مواجهه با یک استدلال ناسازگار با باید پیش از هر کار، آن را در قالب مجموعه‌ای از پرسش‌ها به نقد کشید؛ مانند:

- بستر فکری - فرهنگی نویسنده چیست؟

شناخت اندیشه‌ها و نظرات بزرگان رشته‌های علوم انسانی، منوط به شناخت سنت‌های فکری است که به عنوان منابع تفکر آنان مطرح بوده‌اند. به طور کلی در مطالعه اندیشه‌های هر متفکر سه محور اهمیت دارد:

۱. زمینه فرهنگی و اجتماعی حیات او،

۲. سرچشمه اندیشه‌ها و عناصر سازنده تفکرش. (مکتب فکری‌ای که بدان تعلق دارد).

۳. تحول اندیشه‌وی در گذشت زمان.

- استدلال او بر پایه چه روشی است؟

هر متفکری گرایش به نوعی روش‌شناسی دارد. برای مثال، مرحوم آیت‌الله سید عبدالحسین طیب اصفهانی (۱۳۱۲ ق / ۱۴۱۱ ق) در تفسیر خویش بنام «اطیب البیان» در ابتدا از روش تفسیر قرآن به قرآن و سپس استفاده از کلمات معصومین (علیهم السلام) بهره برده است. از سویی دیگر افرادی همچون شیخ طنطاوی (وفات ۱۳۵۸ ق) در تفسیر خود بنام «الجوهრ فی تفسیر القرآن» ضمن تفسیر آیه، اهتمام زیادی به ارائه شگفتی‌های طبیعت و دانستنی‌های علمی، که در مواردی با کشیدن جدول و نمایش عکس، همراه است، دارد و افراط زیادی بر مباحث علمی به خرج داده است. آیا می‌توان بدون شناخت روش‌های تفسیری، نتایج دیدگاه‌های آن‌ها را مورد بررسی قرار داد؟

- نویسنده مدعای خود را بر اساس چه ادله‌ای اثبات کرده است؟

برای مثال، در آثار فردی که بر زوال اندیشه سیاسی در ایران حکم می‌دهد، موارد متعددی از عدم شناخت متون اسلامی مشاهده می‌شود. او در یک مورد، با اشاره به فرمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر درباره لزوم تناسب خراج با توان رعیت، آن را به معنای مصلحت‌اندیشی در نظر می‌گیرد و مصلحت‌اندیشی را تفکر ایرانشهری می‌داند و با این مقدمات! چنین نتیجه می‌گیرد که نهج‌البلاغه رساله‌ای در

اندیشه سیاسی است که برخلاف رساله‌های شرعی اهل سنت (مانند آثار ماوردی و ابن تیمیه) از سخن سیاست‌نامه‌های ایرانی است! (طباطبایی، فروردین - اردیبهشت ۱۳۸۲: ۵۲-۵۴) حال بار دیگر به استدلال او توجه کنیم:

۱. فرمان مالک اشتر متنضم مواردی از مصلحت‌اندیشی است.

۲. مصلحت‌اندیشی تفکری ایرانشهری است.

۳. سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی بر پایه تفکر ایرانشهری است.

۴. پس بخشی از نهج‌البلاغه هم از سخن سیاست‌نامه‌های ایرانی است.

البته مشخص است که وی اطلاعی محدود و ضعیف از کتاب عزیز نهج‌البلاغه دارد. این سخن علامه جعفری^(۴) نیز در عدم اعتنا به فرینندگی ظاهری برخی سخنان جالب توجه است. او در خصوص عبارت مشهور (منسوب به) «ولتر» مبنی بر اینکه: «برای من آزادی آن قدر با ارزش است که حاضرم برای اینکه شما سخن خود را آزادانه بگویید خودم را فدا کنم، اگر چه خود مخالف سخن شما بوده باشم» می‌نویسد: من آن موقع

۱. عین سخن او چنین است: «اما من گمان می‌کنم برجسته شدن جنبه‌های سیاسی نهج‌البلاغه، از دیدگاه تاریخ اندیشه سیاسی، دلیل دیگری دارد. به اجمال کوشش می‌کنم به دو نکته در این باره اشاره کنم: نخست اینکه من حدس می‌زنم که بخش‌هایی از این کتاب، بیشتر از آنکه یک سند دینی باشد، از سخن سیاست‌نامه‌ها است و به عبارت دیگر، از اندیشه سیاسی ایرانشهری تأثیر پذیرفته یا بر پایه رساله‌هایی درباره اندیشه سیاسی ایرانشهری تدوین شده است و جه تمایز اصلی میان اندیشه سیاسی - اعم از ایرانشهری و یونانی - با اندیشه سیاسی دینی، این است که در یک سند دینی اصل بر اجرای حکم خداوند است. حال آنکه در اندیشه سیاسی - و نیز در نهج‌البلاغه به ویژه در عهدنامه مالک اشتر - توجه خاصی به رعایت مصالح سیاسی شده است. در عهدنامه مالک اشتر نیز اصل «مصالح مرسله» یا رعایت مصلحت رعیت است. این امر را می‌توان آشکارا در تاریخ اندیشه در ایران دید و به گونه‌ای که من در جای دیگری توضیح داده‌ام وزیر متشرعی مانند خواجه نظام‌الملک در یکی از مهم‌ترین رساله‌های اندیشه سیاسی ایرانشهری در دوره اسلامی، به صراحة، این نکته را که پیش از او نیز گفته بودند، برجسته می‌کند که «ملک با کفر می‌ماند، اما با ظلم نمی‌ماند.» همین ضابطه عدالت، یعنی رعایت مصالح عمومی، در عهدنامه به مالک نیز به تأکید آمده است که خراج باید با توجه به توان رعیت، یعنی با رعایت ضابطه مصلحت، گرفته شود و تردیدی نیست که این ضابطه مصلحت ناظر بر مصالح عمومی کشور است و نه صرف اجرای حکم خداوند.» (ص ۵۳)

با مشاهده چنین عبارتی که به ولتر نسبت داده اند احتمال قوی دادم که ترجمه ها صحیح نبوده است و هنوز هم تا اصل عبارت ولتر را با چشم خود نبینم خطرا به مترجمان نسبت خواهم داد. زیرا ولتر هر که باشد مردی عاقل و متفکر و فرهنگ دیده و محال به نظر می رسد که او سخنی را بگوید که تناقضش را در درون خود داشته باشد. توضیح اینکه فدکاری ولتر برای عظمت و ارزش آزادی است اگر این ارزش و عظمت به قدری مطلق باشد که حتی شامل ابراز عقیده شخصی باشد که بر ضد آزادی است، عمومیت سخن چنین است که ولتر برای این که شما سخن ضد آزادی خود را آزادانه بیان کنید حاضر است خود را فدا کند! نتیجه گزافه گویی در ابراز سخنی که تنها برای جلب شنونده گفته می شود.

- پیامدهای فرهنگی و اعتقادی پذیرش دیدگاه وی چیست؟

با هر اندیشه و تفکری که مواجه می شوید، متوجه تبعات فرهنگی و اعتقادی پذیرش آن بر فرد و جامعه باشید. برای مثال، پیامد صامت انگاری قرآن مجید چیست؟ پیامد تبدیل حکم شناسی به شرایط شناسی در تفاسیر هرمنوتیکی غربی از آیات قرآن چیست؟ پیامدهای اعتقادی پذیرش ابطال گرایی به عنوان یک روش شناخت در مسایل دینی چیست‌اند؟

- آنان چگونه به پاسخ (احتمالاً) نادرست رسیده‌اند؟

تأمل بر این پرسش موجب می شود تا در ورود به اندیشه‌های آنان با احتیاط بیشتری قدم برداشت.

مثال نمونه‌ای از یک متن علمی

متن زیر درباره احمد بن محمد بن موسی رازی از مورخان ایرانی اصل اندلسی است که توسط مورخ عراقی دکتر عبدالواحد ذنون طه نوشته شده است. نویسنده در هر سطر از کتابش کوشیده است تا اطلاعات مفید و مستندی درباره مورخ مورد نظرش، ارائه دهد. متن زیر را بر اساس تمیز مثال‌های نحوه توصیف و تحلیل و منابع مورد استفاده مورد توجه و بررسی قرار دهید.

احمد بن محمد بن موسی الرازی

احمد رازی در روز دوازدهم ذی الحجه سال ۲۷۴ هـ / بیست و ششم آوریل سال

۸۸ م به دنیا آمد.^۱ از دوران اولیه زندگی و طفولیت او اطلاعات زیادی در دست نیست. با این حال از روایت پسرش عیسی مشخص می‌شود که او سه سال پیش از وفات پدرش در شهر آلبیره به دنیا آمد. از کودکی در پی طلب علم برآمد و علاقمند به ادبیات شد. پس از چندی علاقه شدیدی به تحقیق پیرامون اخبار تاریخی و تفحص در آن در او ایجاد شد.^۲ و از این‌رو، در نزد شیوخ محدثان قرطبه، همچون قاسم بن اصیخ (متوفای سال ۳۴۰ ه / ۹۵۱ م) و احمد بن خالد (متوفای ۳۲۲ ه / ۹۳۳ م)^۳ که شأن والایی در تاریخ و حدیث داشتند، شاگردی کرد.

به نظر می‌رسد که قاسم بن اصیخ بر احمد رازی تأثیر بسیار گذاشته است. قاسم با تأییفات متعددش در زمینه‌های گوناگون علوم دینی و دنیوی، مشهور بود.^۴ از آن جمله می‌توان به «انساب» اشاره داشت. ابن حزم بیان می‌کند^۵ که ابن اصیخ کتابی در انساب تأثیف کرده است و بی‌تردید احمد رازی از آن کتاب، که اکنون در دسترس نیست، استفاده کرده است. ضمن آنکه از کتاب پدرش (الرایات) که کمی پیش‌تر درباره آن سخن به میان آمد، بهره برده است. دلیل آن کثرت مطالب رازی درباره آنساب در کتابش با عنوان «الاستیعاب فی انساب مشاهیر اهل الاندلس» است که البته به دست ما نرسیده است، ولی بسیاری از مورخان و نویسنده‌گان زندگی نامه‌ها در تأییفات موجود خود از قبیل «تاریخ علماء الاندلس» از ابن حیان الفرضی و «المقتبس» از ابن حیان و «النکملة لكتاب الصلة» از

۱. ابن الفرضی، القسم الاول، ص ۴۰، یاقوت، معجم الادباء: ۲۳۶ / ۴.
۲. المقتبس، تحقیق: مکی (روایة عیسی بن احمد الرازی)، ص ۲۶۹: و نیز نک به خود راوی: Arabica, II, ۱۹۵۵, P. ۲۳۰.
۳. از احمد بن خالد. نک به: الحمیدی، ص ۱۲۱ - ۱۲۲ : الضبی، بغية الملتمن، نشر: فرانسیسکو کودیرا، مدرید، ۱۸۸۵، ص ۱۶۳ - ۱۶۴: ابن الفرضی، القسم الاول، ص ۳۱.
۴. همان منبع، القسم الاول، ص ۳۶۴ - ۳۶۷، الحمیدی، ص ۳۳۹ - ۳۳۱، الضبی، ص ۴۳۳ - ۴۳۴، معجم الادباء: ۶ / ۳۳۶ - ۳۳۷: Pons Bolgues, Op. Cit, p. ۶۰.
۵. رسالت فی فضل الاندلس، نقلها المقری فی نفح الطیب: ۳ / ۱۵۶ - ۱۸۶، نک به: ص ۱۷۴. همچنین در ضمن (رسائل ابن حزم الاندلسی) آمده است: تحقیق: احسان عباس، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، بیروت، ۱۹۸۱: ۲ / ۱۸۴.

ابن‌البار و «الاحاطة في اخبار غرناطة» از ابن‌خطيب^۱ مطالب آن را نقل کرده‌اند.

و ترجمه از امور دیگری بود که قاسم بن اصیخ بدان پرداخت. برخی از پژوهشگران با استناد به دو متن از کتاب العبر اثر ابن‌خلدون^۲ معتقدند که به فرمان المستنصر، در دوران ولی‌عهدی اش،^۳ قاسم با همکاری ولید بن خیزان قاضی نصاری قرطبه به ترجمه کتاب تاریخ اثر هروشیش (Paulus Horosius) مبادرت کرد. هروشیش مورخ اسپانیایی در قرون چهارم و پنجم Historiea Adversus میلادی بود که کتاب وی با عنوان لاتینی (Paganos) از زمرة آثاری بود که «ارمانیوس» (Romanos) پادشاه بیزانسی قسطنطینیه در سال ۳۳۷ هـ / ۹۴۸ م برای خلیفه اموی «عبدالرحمٰن الناصر لدین الله» ارسال کرده بود. نسخه منحصر به‌فردی از ترجمه عربی کتاب هروشیش در دانشگاه کلمبیا در نیویورک با شماره (X ۸۹۳ ۷۱ ۲ H) موجود است و نویسنده‌گان دیگر مانند ابن‌خلدون و سلیمان بن حسان الاندلسی معروف به ابن‌جلجل از این ترجمه استفاده کرده‌اند.^۴

دکتر حسین مؤنس معتقد است^۵ که رازی از این ترجمه در نگارش مقدمه تاریخ خود در زمینه جغرافیا از آنچه که هروشیش ارائه کرده است، بهره برده است. ضمن آنکه در آن کتاب از موضوعات مربوط به شرق، که در نتیجه ارتباطات و مسافرت‌های میان مشرق و اندلس کسب شده بود، به وفور یافت می‌شد. رازی با استفاده از همه آن منابع، جغرافیایی کامل از شبه‌جزیره ایبریا تهیی کرد و به مانند

۱. نک به: عبدالواحد ذنون طه، دراسات في التاریخ الاندلسی، الموصل، ۱۹۸۷، ص ۹۸.

۲. العبر و دیوان المبتدء والخبر، بیروت، ۱۹۵۶ – ۱۹۶۰ : ۲ / ۱۶۹، ۴۰۲.

۳. به مقدمه کتاب زیر مراجعه کنید: طبقات الاطباء و الحكماء لابن جلجل، بقلم المحقق: فؤاد السید، القاهرة، ۱۹۵۵، ص کط – لج.

نیز نک به: حسین مؤنس، تاریخ الجغرافیة و الجغرافین فی الاندلس، مدرید، ۱۹۶۷، ص ۳۰، ۳۱ : و مقاله: G. Levi Della Vida, La Traduzione Arabe d'ila storie di Orosio, Al Andalus. XIX, ۱۹۵۴, fasc, ۲, pp. ۲۵۷ – ۲۶۰.

۴. نک به: طبقات الاطباء و الحكماء ، ص ۱۱، ۱۲، ۱۲، ۳۶.

۵. تاریخ الجغرافیة و الجغرافین فی الاندلس، ص ۵۴ – ۵۵.

هروشیش جغرافیا را به عنوان مقدمه تاریخ خود درباره اندلس قرار داد. پس از وی روش مقدم داشتن جغرافیا بر تاریخ و یا به عبارت دیگر شرح زمینه (جغرافیایی) پیش از بیان وقایع در نزد تمامی مورخان اندلسی معمول شد و چنانکه در ادامه بیان خواهد شد آنان هم‌زمان جغرافیدان و مورخ بوده‌اند.

اکنون وقت آن فرا رسیده است که به سهم احمد رازی در تدوین تاریخ سرزمین اندلس بپردازیم. او به حق از بر جسته‌ترین افرادی است که در این زمینه صاحب تأثیف است و به جهت کثرت آثارش تاریخی اش و تدوین کتاب‌هایی درباره تاریخ اندلس ملقب به تاریخ‌دان است.^۱ «ابن حزم» اشاره دارد که احمد رازی دو کتاب یکی درباره «اخبار ملوک اندلس» و دیگری در زمینه «توصیف قرطبه» تأثیف کرده است که در آن از عادات شهری و بنای‌های بزرگ آن سخن رانده است.^۲ ضمن آنکه وی دایرة‌المعارفی بزرگ درباره انساب عرب اندلس با عنوان «كتاب استیعاب فی انساب مشاهیر اهل الاندلس» نوشته است که مشتمل بر پنج جلد بزرگ است.^۳ نیز رازی دارای کتابی بزرگ در زمینه راه‌های اندلس و بندرها و شهرهای مهم و مراکز تجمع سپاهیان و ویژگی‌های هر یک از این سرزمین‌ها، بنام کتاب «مسالک الاندلس و مراسیها و امهات اعیان مدنها و اجنادها الستة» است.^۴ «ابن‌الابار» اضافه می‌کند^۱ که رازی کتابی دیگر نیز درباره

۱. الحمیدی، ص ۱۰۴: ابن الفرضی، القسم الاول، ص ۴۲، نفح الطیب (بروایة ابن حیان) : ۳ / ۱۱، و نیز نک به: بالشیا، همان منبع، ص ۱۹۷، Pons Bolgues, Op. Cit, p. ۶۲.

۲ رسائل ابن حزم الاندلسی: ۲ / ۱۸۴ (رسالة فی فضل الاندلسی : نفح الطیب: ۳ / ۱۷۳) نیز نک به: الحمیدی، ص ۱۰۴، الضبی، ص ۱۰۴، بالشیا، همان منبع، ص ۱۹۷، بروکلمان، تاریخ الادب العربي: ۳ / ۸۷، بروفنسال، ماده: (الرازی) فی دائرة المعارف الاسلامية ، روزنال، علم التاریخ عند المسلمين، ص ۲۱۰ ، مؤنس، همان منبع، ص ۵۷.

۳. رسائل ابن حزم الاندلسی: ۲ / ۱۸۴، (نفح الطیب، ۳ / ۱۷۴)، الحمیدی، ص ۱۰۴، ابن‌الابار، الحلة السیراء: ۱ / ۲، ۲۴۵ / ۲، ۳۶۶ / ۲، نیز نک به: دائرة المعارف الاسلامية، ماده، (الرازی).

۴. ابن حزم، همان منبع: ۲ / ۱۷۲ - ۱۷۳ (نفح الطیب: ۳ / ۱۶۰ - ۱۶۱)، الحمیدی، ص ۱۰۴، مؤنس، همان منبع، ص ۵۷.

بزرگان موالی در اندلس بنام «اعیان الموالی» تألیف کرده است. این مرور سریع از تألیفات رازی در وهله اول بیانگر عظمت کار او در حوزه تاریخ‌نویسی است. او تاریخ و چغرافیای اندلس را تا زمان زندگی خود پوشش داده است و ناحیه‌ای از آن نبوده که وصفش نکرده باشد و یا واقعه‌ای از وقایع تاریخی نبوده که آن را بیان نکرده باشد.

۶۸. جهت افزایش قدرت نقادی خود مباحثه کنید

مباحثه گفت‌وگوی علمی درباره موضوعی است که از دیرباز در حوزه‌های علمیه انجام شده است. چنانکه در ابتدای این کتاب بیان شد، در نقد مقالاتی که خوانده‌اید، با دوستان خود مباحثه کنید. توجه کنید که بر سر حسن و قبح چه موضوعاتی در نگارش مقاله توافق دارید و در زمینه چه موضوعاتی دیگر باهم اختلاف نظر دارید.

۶۹. کاهش اشتباهات از طریق مشورت با دوستان اهل فن.

مشورت نیز یکی از سنت‌های حسن‌های است که مورد تاکید اسلام است. نباید خود را هیچ‌گاه بی‌نیاز از مشورت دید و از سوی دیگر نباید با افراد ناوارد و نااهل در موضوعات تخصصی مشورت کرد.

۷۰. مشاهده؛ یکی از ابزارهای مهم پژوهش

انسان موجودی چندبعدی است که دارای قوای مختلفی از جمله قوای حسی، عقلی و روحانی است. نمی‌توان به استناد به یکی از این قوا، مانند حس، دیگر قوای انسان را نادیده گرفت و باید متوجه حدود امکان شناخت آن‌ها بود. قوای شناختی انسان قابل تربیت و ارتقا است. برای مثال، باکمی توجه به پرسش‌های کودکان در می‌یابیم که آن‌ها به تدریج و متناسب با پیشرفت فکری‌شان، غالباً از امور محسوس به امور معقول و فراتر از آن در حال حرکت‌اند. مسئله‌ای که برخی از زبان‌شناسان در تحلیل «تشبیهات» بدان

۱. التکملة لكتاب الصلة: ۱ / ۴۰، نیز نک به: بروکلمان، همان منبع: ۳ / ۸۷، Pons Bolgues, Op. Cit, P.6۳.

اشاره کرده‌اند.^۱ با این حال، نقش حس در دوران بزرگ‌سالی انسان از میان نمی‌رود، بلکه با بهره‌گیری از توانایی‌های ذهنی‌اش، آن را می‌تواند دقیق‌تر و تند و تیزتر کند. مشاهده نوعی کسب تجربه از جهان است که انسان با آن آگاهانه، ادراک و حواس خود را متوجه مسایل می‌کند. برای مثال، زکریا بن محمد قزوینی (حدود ۶۰۰ - ۶۸۲ ق) در کتاب «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات» موجودات را به دو دسته تقسیم کرده است:

۱. موجوداتی که قابل مشاهده با چشم ظاهر نیستند، (مانند عرش، کرسی و ...) که راه علم به آن‌ها از نصوص و اخبار صحیح و معتبر حاصل می‌شود.)
۲. موجوداتی که به توسط چشم ظاهر قابل ادراک هستند؛ مانند زمین و آسمان‌ها و پدیده‌های موجود در آن‌ها.

قزوینی متوجه این معنا شده بود که در هر حرکتی در این عالم، حکمت و یا حکم‌هایی موجود است که شخص ناظر، با مشاهده عمیق آن، به عظمت و وحدانیت خالق پی می‌برد. (خطابی، ۱۹۹۸ / ۲: ۷۰۹ - ۷۱۰)

در آیات قرآن مجید هر دستوری که به دیدن داده شده است، مقصود نظر کردن برای تحقیق و شناخت است، نه تماشگری محض» (جعفری، ۱۳۶۰: ۳۸۱) و مبنای اصلی در اسلام نظر و تحقیق درباره انسان و جهان است و نه تقلید و نگرش‌های سطحی. (همان: ۳۸۲. نیز نک: حکیمی، ۱۳۸۳: ۵)

برخی از آیات الهی در این زمینه عبارت‌اند از:

«فلينظر الانسان مم خلق. خلق من ماء دافق» (قرآن مجید، الطارق: ۵-۶)

«اَفَلَا يَنْظَرُونَ إِلَى الْأَبْلَلِ كَيْفَ خَلَقْتَ وَ إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رَفَعْتَ وَ إِلَى الْجَبَالِ كَيْفَ

نصبت و إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سَطَحْتَ» (قرآن مجید، الغاشیه / ۱۷ - ۲۰)

«أَوْ لَمْ يَنْظُرُوا فِي مُلْكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (قرآن مجید، الاعراف / ۱۸۵)

و روایات بسیاری دلالت بر عظمت تدبیر در مشاهدات دارد:

۱. مرحوم استاد جلال‌الدین همایی (۱۳۷۸ - ۱۳۵۹ ش) در کتاب معانی و بیان (درس نامه خود) که به کوشش دکتر ماهدخت بانو همایی به چاپ رسیده است، شواهد متعددی درباره این مسئله بیان کرده است که نشان از توانمندی و فهم بالای ادبی او دارد.

أعْجِبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانَ، يَنْظُرُ بِشَحْمٍ وَيَكْلَمُ بِلَحْمٍ وَيَسْمَعُ بَعْظُمٍ وَيَتَنَسَّسُ فِي خَرْمٍ.
شَكَفُتَا از آدمی که با پیه می بیند و با پاره ای گوشت سخن می گوید و به استخوانی
می شنود و از راه بینی نفس می کشد. (امام علی علیه السلام)

از دیرباز تدبیر کردن در وقایع روزمره زندگی مورد توجه متفکران اسلامی بوده است. جراح معروف مسلمان ابوالقاسم زهراوی (متوفی ۴۲۷ ق / ۱۰۳۵ م)، حسینی ای را لطیف ترین حواس قوای نفسانی انسان می داند. (خطابی، ۱۹۹۸ / ۱: ۷۴) و نیز ابن هیثم (متوفی ۴۳۰ ق / ۱۰۳۹ م) مشاهده را در دو صورت شناخته بود: ۱. مشاهده بدون فکر و به صورت ناگهانی و ۲. مشاهده همراه با تأمل. او واقعه به این مسئله شده بود که انسان گاه به رغم قرار گرفتن چیزی در مقابل دیدگان انسان، گویی آن را نمی بیند و گاه امری را دیده ولی در آن درنگ و اندیشه نمی کند؛ اما مسئله در مشاهده مملو از تأمل در سطح عالی تری از شناخت قرار گرفته و بر دو قسم است:

۱. مشاهده بدون شناخت اولیه و قبلی
۲. مشاهده به همراه دارا بودن شناخت پیشین از آن. که بسته به نوع تأمل و میزان استقرای معانی آن متفاوت است. (همان: ۲ / ۷۰۹ - ۷۱۰)

مشاهده هدفمند در تحقیق یا به دنبال یافتن پرسش تحقیق به عنوان بخشی از یک مطالعه اکتشافی است و یا در پی پاسخ دادن به پرسش های مورد نظر است. برای مثال، شخصی که در صدد شناخت روش های اشاعه حجاب اسلامی در جامعه است، باید با گشتوگذاری هدفمند در بازارها و فروشگاه های پوشش و مشاهده رفتار فروشندهان و خریداران در معرفی و انتخاب پوشش، ضمن شناخت مسئله خود، اطلاعات مفیدی را جمع آوری کند؛ و یا پژوهشگری که در صدد نگارش مقاله ای درباره نحوه سلوک مراجع بزرگوار تقلید با مردم است، لازم است تا با حضور در محضر آن بزرگان، به صورت عملی اطلاعات لازم را کسب کند و یا ممکن است فردی بارها و بارها به فروشگاه های کفش فروشی رفته باشد، اما به نام گذاری کفش های فوق توجهی نکرده باشد. چرا غالباً اسامی کفش های فروشگاه های کفش دست ساز شهر تهران، غربی است؟ نویسنده در پاییز سال ۱۳۸۳ برخی از این اسامی را از فروشگاه های کفش خیابان انقلاب تهران (حد فاصل میدان فردوسی و پیچ شمیران) چنین ثبت کرده است: «بارسلون، کارل، میتا، سیلور، پاندا، روبرتو، رئال، متالیکا، ویکتور، پولار، ژانویه، میلان، کارلوس، لرد، موریس، مارسی، موناکو،

ژنو، کلارک، نیکلاس، لیون، پاپ، هیلتون، آتن، زیکو، Kent، Toronto، ...» ممکن است فردی به جهت خرید اسباب بازی کودکان به فروشگاه‌های مربوطه مراجعه کند و بسیاری از اجناس موجود را «حامل فرهنگ عربی» بیابد. چه بسا او پیش از مواجهه با اسباب‌بازی‌ها دارای مسئله‌ای برای پژوهش نباشد؛ اما با مشاهده وضعیت این فروشگاه‌ها، متوجه ضرورت پژوهش درباره نقش اسباب‌بازی‌های کودکان بر جامعه پذیری دینی کودکان شود. در اینجا مسلماً او فراتر از یک مشاهده عادی وارد مسئله شده است. بسیاری از مسایل پیش پا افتاده زندگی ما از قابلیت تدبیر و پرورش موضوعی برخوردارند؛ به شرطی که مشاهده به معنای یک استقرای محدود در نظر گرفته نشود. برخی از مهم‌ترین فواید یک مشاهده خوب عبارت‌اند از:

۱. تولید پرسش‌هایی اساسی در انسان
۲. توجه به مسایل بنیادین در ساده‌ترین وقایع و پدیده‌های گردآگرد حیات انسانی
۳. قابلیت تحلیل مسئله در ساختار روابط علی، بدون افراط و تفریط در مسئله.

برای مثال، زمانی که کودکی این پرسش را مطرح می‌کند که: «خدا کجاست، من می‌خوام خدا را ببینم.» محقق را متوجه اهمیت پژوهش درباره پرسش‌های دینی کودکان خردسال و نحوه پاسخ‌دهی به آن می‌کند. نویسنده در سفر خود به مشهد مقدس (اسفندماه سال ۱۳۸۳ ش) با بازارها و مغازه‌های باز و شلوغ در هنگام نماز و نیز نماز جمعه مواجه شد. مشاهده‌گر می‌تواند مجموعه عواملی را که منجر به بی‌توجهی برخی از ایشان به انجام این فریضه‌الهی شده است را در «خود محل» مشاهده کند و به صورت عملاً به مطالعه این موضوع بپردازد که چه چیزهایی به عنوان مانع توجه به نماز عمل می‌کنند؟ و چه راهکارهایی با توجه به موقعیت‌های مورد مشاهده می‌تواند مطرح شوند؟ بدیهی است که پاسخ به این پرسش، مستلزم حضور در آن مکان‌هاست.

۷۱. تفکیک وضعیت‌های مشارکتی و غیر مشارکتی

مشاهده در دو وضعیت متفاوت باهم صورت می‌پذیرد که عبارت‌اند از:

۱. مشاهده مشارکتی
۲. مشاهده غیر مشارکتی

در مشاهده مشارکتی پژوهشگر، در صدد کسب موقعیت و جایگاهی همانند افراد مورد مطالعه است. لذا در وضعیت دوگانه (محقق / بازیگر) قرار می‌گیرد، از سویی محقق است و از سویی عضو گروه مورد بررسی. صرف نظر از ملاحظات اخلاقی، مسئله تأثیرات خواسته و ناخواسته حضور وی بر جریان پژوهش، همواره مورد بحث بوده است. (مانند حضور بازرس در محیط اداره) بحث اصلی در اینجا به رابطه محقق با پدیده اجتماعی بازمی‌گردد. آیا محقق صرفاً یک «تماشاچی» است که به تدبیر در مسئله پرداخته است و یا آنکه خود نیز جذب موقعیت مورد مطالعه شده است؟ در پاسخ به این پرسش باید اشاره کرد که انسان هم بازیگر است و هم تماشاگر. مرحوم علامه جعفری در این باره به اصول مهم زیر اشاره دارد: (جعفری، ۱۳۷۶: ۵/ ۱۷۰)

۱. واقعیت اشیاء و رویدادها با قطع نظر از درک و تعقل ما وجود دارد. ساده لوحانه است اگر واقعیت، تابع قطب درک کننده در نظر گرفته شود.
۲. در انسان‌ها نوعی موضع‌گیری غیرقابل اجتناب موجود است که عبارت است از عوامل درک و هدف‌گیری ما در جهان هستی. چنانکه قرآن مجید می‌فرماید: «و تری الجبال تحسبها جامدة و هي تمر مِن السحاب» (قرآن مجید، نحل: ۸۸) و تو ای پیامبر کوه‌ها را می‌بینی و گمان می‌کنی که آن‌ها جامد و ساکن‌اند، در حالی که آن‌ها مانند ابر در حرکتند.»
۳. خواست اصلی انسان این است که اشیاء را چنانکه هستند دریابد.
۴. این خواسته متأثر از عواملی درونی و بیرونی قرار دارند. عامل درونی مانند عینکی است که فرد از طریق آن امور را مشاهده و تفسیر می‌کند و عامل بیرونی چگونگی اجتماعی است که محقق در آن زندگی می‌کند.
۵. نتیجه سه اصل اخیر (اصول ۲ تا ۴) اینکه معرفت بشری، چه بخواهد یا نخواهد، آگاهانه یا ناآگاهانه ترکیبی از بازیگری و تماشاگری است.
۶. بازیگری^۱ به دو قسم تقسیم می‌شود. ۱. بازیگری ناشی از جبر طبیعت، مانند کوچک دیدن اجسام از مسافت‌های دور و یا دایره دیدن پرهای سه‌گانه پنکه

۱. مراد علامه محمدتقی جعفری از بازیگری عبارت است از دخالت دادن عوامل درونی و بیرونی در شناخت اشیاء و رویدادها.

برقی که در حال حرکت سریع است. ۲. بازیگری‌هایی که ناشی از خواسته‌ها، آرمان‌ها و اصول پیش‌ساخته‌ای هستند که ناظر آن‌ها را پذیرفته است.

۷. قسم اول بازیگری، به رغم آنکه نتایج مختلف و متضاد را نتیجه می‌دهد، اماً با توجه به موقعیت‌های گوناگون ناظران، نه تنها منفی نیست، که بهترین وسیله برای شناخت چهره‌ای گوناگون واقعیت از دیدگاه‌های متنوع است.

۸. عوامل بازیگری نوع دوم عبارت‌اند از: عامل اول: توجیهات درون ذاتی: رسوب تدریجی پدیده‌هایی از جهان عینی در درون که استعداد پذیرش آن را در درون داشته و با گذشت زمان و تقویت به وسیلهٔ شرایط دیگر، به صورت عاملی فعال، شخص ناظر را آگاهانه یا ناآگاهانه توجیه می‌کند؛ مانند سودجویی و خودخواهی که با جلب افراد به خود (امثال توماس هابز و ماکیاولی) عینک خاصی را به چشمان آنان می‌زنند؛ عینکی که جز با واقعی محاسبه نشده‌ای که فرا روی آن‌ها قرار گیرد و مسیرشان را عوض کند، برداشته نمی‌شود؛ و عامل دوم، پذیرش از محیط و اجتماع: اندیشه‌ها و عقایدی که فضای جامعه را فراگرفته است، معمولاً به طور ملموس و یا ناملموس بر افراد جامعه اثرگذار خواهد بود. اگر چه در صورتی که از سوی ناظر تشدید نگردد و قدرت درست اندیشیدن را از او نگیرد، نه تنها ضرری به واقع جویی و واقع یابی نمی‌زنند که مفید و سازنده هم است.

۹. چه کنیم تا از نقش بازیگری ما بر جریان شناخت کاسته شود؟ برخی از راههای از میان بردن یا تقلیل بازیگری عبارت‌اند از: مراعات اصول درست اندیشیدن، تنظیم حواس طبیعی، تصحیح بهره‌برداری از تماس با اشیاء از موضع گیری‌های گوناگون، ساخت و تنظیم وسایلی (مانند میکروسکوپ و تلسکوپ) که منجر به درک ابعاد بیشتری از واقعیات می‌شود و ...

۷۲. تفاسیر بازیگران و تفاسیر ثانویه علمی

در بسیاری از مواقع، به هنگام مشاهده نیازمند «گفتگو» هستیم. زیرا ادراک انسان‌ها در درک موقعیت‌ها با یکدیگر متفاوت است و بسیاری از مسایل مملو از پیچیدگی هستند که تنها با مشاهده دقیق، قابل شناخت نیستند. همچنین باید بدانیم که انسان‌ها برای

اعمال و رفتارهای خویش، معمولاً دارای دلایلی هر چند ساده، هستند. در مثال اسامی کفش‌های فروشگاه‌های کفش دست‌ساز تهران، برخی از فروشنده‌گان دلایلی مختلفی را بیان می‌داشتند:

- «نامها انتخاب ما نبوده، کارگاه تولیدی با این نام عرضه داشته، ما هم چنین عرضه می‌کنیم.»
- «موضع مربوط به کاتالوگ Catalogue کفش (عمده‌ای ایتالیایی) می‌شود.»
- «چون با این اسامی خریدار داره»
- «کفش‌ها مستقیماً از خارج با این نام‌ها وارد شده است!»
- ... و ...

البته خریدارها نیز برای خود دلایلی دارند؛ اما در اینجا پرسش‌های دیگری نیز قابل طرح است. برای مثال، چرا تولید کننده ایرانی، حاصل کار و زحمت خود را با برچسب و نام خارجی به فروش می‌رساند؟ و در نتیجه، چه گروه‌هایی به عنوان گروه مرجع فکری و رفتاری جامعه فعال شده‌اند و در حقیقت چه فرهنگی با فروش این کالاهای، در حال انتقال به جامعه است؟

۷۳. ثبت مشاهدات

پس از انجام مشاهده، نیازمند ثبت دقیق آن در برگه‌هایی مشخص هستیم. گاه می‌توان (بنا بر موقعیت) با استفاده از ضبط صوت‌های کوچک، (و البته با پیشرفت‌های رایانه‌ای انواع و اقسام ابزارهای کوچک جدید) مشاهده را جهت اطمینان بیشتر در محل ضبط کرد و سپس آن را در زمان مناسب مورد بازبینی قرار داد. در نگارش مشاهده باید تاریخ دقیق آن ثبت شود. در صورتی که به اقتضای موضوع بیان تاریخ هجری قمری و یا میلادی مهم باشد، به آن اشاره می‌شود. همچنین باید مکان مشاهده (در کدام شهر، در کدام اداره و یا خیابان و ...) و موضوع مورد مشاهده یعنی موضوعی که مرتبط با پرسش تحقیق ما است، بیان شود. در این زمینه توجه به موارد زیر لازم است:

۱. باید از بیان حواشی واقعه که ارتباطی با موضوع تحقیق ندارد، خودداری کرد.

۲. در هنگام ثبت مشاهدات نباید آن‌ها را تفسیر کرد. (توصیف از تفسیر مشاهده جدا شود).
۳. گاه می‌توان مشاهدات خود را از طریق گرفتن عکس و فیلم مستند کرد؛ اما به این موضوع نیز توجه داشت که گاه عکاسی از یک پدیده، می‌تواند القا گر مفهومی فراتر از واقعیت باشد. برای مثال، دو نفر که در پیاده‌رو در حال رفتن هستند و هیچ ارتباطی باهم ندارند در یک لحظه تصویر وانمود می‌شود که باهم آشنایی بسیار دارند. همچنین است فنون عکاسی در بر جسته کردن موضوعی از طریق تغییر و تنظیم زاویه دید عکاس.
۴. می‌توان پیش از انجام مشاهده، مسئله تحقیق را در قالب یک پرسشنامه بسته تعریف کرد و در حین مشاهدات گزینه لازم را علامت‌گذاری کرد. هر چند به رغم سهولت در تحلیل کمی، وجود موقعیت‌های غیرمنتظره و نیز تفاوت در ادراک و تفسیر یک پدیده همچنان باقی می‌ماند.
۵. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق مشاهده، داده‌های دست اول محسوب می‌شوند، هر چند که در تعمیم مشاهدات خود به کل جامعه باید بسیار احتیاط کرد.

از شروط یک مشاهده خوب عبارت است از:

۱. دقت نظر و استفاده درست از حواس،
۲. عدم اکتفا به مشاهدات یا نقل قول‌های سطحی،
۳. یادداشت‌برداری از یافته‌ها هر اندازه هم که جزیی باشند،
۴. پرهیز از نتیجه‌گیری شتاب‌زده،
۵. استفاده از ابزارهای ثبت وقایع مانند ضبط صدا، تصویر و ...

۶. قرار دادن استنتاج خود از مشاهده در معرض ارزشیابی دقیق، مانند بررسی مسئله از زوایای مختلف، مقایسه نتایج مشاهده با نتایج دیگر پژوهش‌های مرتبط، مشورت با اهل فن، توجه به نقد اهل فن.

۷۴. گفت‌و‌گوی هدفمند با نخبگان

گفتگو یا مصاحبه، یکی از روش‌های یافتن صورت مسئله تحقیق و نیز جمع‌آوری داده‌های پژوهش است. ماهیت گفتگو بنا بر افراد گفتگوکننده، متفاوت است. گفتگو با نخبگان علمی متفاوت با افراد عادی است. اگر چه در هدف همانند هستند و آن عبارت است از؛ طراحی پرسش و یا پاسخ دادن به پرسش‌های موجود. گفتگوی خردمندانه با دانشمندان خود یک هنر و همواره مورد تاکید منابع دینی بوده است. این مهم باید به گونه‌ای صورت پذیرد که منجر به «ازدیاد» علم شود. لازمه تحقق این امر، احساس نیاز دانشجو به «یادگیری» است. شخصی که خود را بی‌نیاز از دانستن بداند، راه کسب معرفت را بر خود بسته است. لذا پیش‌نیاز هر مصاحبه و گفتگوی علمی، شوق به دانستن است.

هر چیز که دل بدان گراید
گر جهد کنی به دست آید.

۷۵. گفت‌و‌گوی علمی باید قاعده‌مند و از روی برنامه باشد.

مصاحبه نیازمند مهارت و شناخت عملی است. لذا بهتر است در ابتدا آن را در جمع دوستان تمرین کرد. مهم‌ترین موارد قابل ذکر در یک گفتگوی علمی عبارت‌اند از:

۱. ابتدا باید هدف از گفت‌و‌گو مشخص باشد. محقق با انجام گفتگو در صدد رفع چه مشکل معرفتی است؟ هیچ گاه نباید بدون هدف وارد گفتگو با اهل علم شد. اگر کسی نداند دنبال چه چیزی است، مسلمًا آن را پیدا نخواهد کرد؛ بنابراین پیش از انجام گفت‌و‌گو باید از خود پرسید که «چه نیازی به انجام آن است؟
۲. مصاحبه شونده به درستی انتخاب شود. محقق باید بداند با چه کسی مصاحبه می‌کند؟ و چه کسی می‌تواند مشکل معرفتی او را حل کند؟ معرف انتخاب مصاحبه شونده باید علاقمندی به موضوع و تخصص او (مانند اشتغال او به تألیف و یا تدریس در موضوع مورد نظر) باشد و از مسائل غیرحرفه‌ای مانند آنکه «چون ایشان رئیس اداره ما نیز هست!» و ... اجتناب شود.
۳. درخواست مصاحبه باید محترمانه، رسمی و مطابق با میزان آشنایی با مصاحبه باشد. بهتر است پیش‌تر مکاتبه‌ای رسمی صورت پذیرد و در آن هدف از

مصاحبه و فهرست مواردی که مدنظرتان است، مختصر و مفید بیان شود. بهتر است مصاحبه عنوان دار باشد. باید مطمئن شد که هدف از مصاحبه و نیز محتوای مورد نظر به درستی به مصاحبه منتقل شده است.

۴. به مصاحبه نشانی و شماره تلفنی داده شود تا در صورت لزوم (مانند قصد تغییر زمان مصاحبه) بتواند با شما تماس بگیرد.
۵. به مصاحبه علت انتخاب او و اهمیتی را که حضور وی در این گفتگو برای پیشبرد تحقیق دارد، خاطرنشان شود.
۶. باید پیش از انجام مصاحبه در زمینه آثار و اندیشه‌های شخص مصاحبه تحقیق شود. نباید بدون اطلاعات کافی درباره عقاید و افکار مصاحبه وارد گفتوگو شد. این امر منجر به افزایش روحیه مثبت در طرفین و در نتیجه برگزاری بهتر مصاحبه می‌شود.
۷. باید پرسش‌های مصاحبه را بر اساس زمان مصاحبه طراحی کرد تا از کمترین زمان، بیشترین بهره را جهت اخذ اطلاعات مورد نیاز بُرد. عدم طراحی پرسش، گاه منجر به مکث بیش از حد برای طرح پرسش و در نتیجه اتلاف زمان و کاهش مصاحبه‌گر در مصاحبه خواهد شد.
۸. باید به زمان و مکان مورد توافق پاییند بود. هیچ چیز همانند بدقولی نمی‌تواند سازنده تصویری منفی از مصاحبه‌گر در ذهن مصاحبه باشد. همچنین باید سر وقت معین، گفتگو را به پایان برد.
۹. پرسش‌های مصاحبه باید با یکدیگر هماهنگ باشند. در قالب بیانی مناسبی ادا شوند، بیش از اندازه طولانی نباشند، مبهم نباشند و با عبارات و یا الفاظی نارسا ادا نشوند و به صورتی جانب‌دارانه و یا به شکلی مجادله برانگیز مطرح نشوند و مناسب شان مصاحبه شونده طرح شوند.
۱۰. آغازی خوب، مؤدبانه و مسلط در گفت‌و‌گو لازم است. محقق باید خود را مشتاق شنیدن پاسخ‌های مصاحبه نشان دهد. در طول مصاحبه، شرط ادب را رعایت کند؛ و اگر محقق با مصاحبه شونده دچار اختلاف نظر شد، اجازه دهد تا او نظرات خود را به طور کامل بیان کند. مراد از گفت‌و‌گو، کسب اطلاعات لازم و

نه ستیزه و مجادله است. پس به جای ورود به مجادلات بی حاصل، باید تا حد امکان از او توضیحات بیشتر خواست. (هرچند که در گزارش نهایی می‌توان با اطلاع مصاحبه‌شونده، با ارائه دلایل کافی با نظر او مخالفت کرد و در صورت لزوم جوابیه او را نیز منعکس کرد.)

۱۱. در مصاحبه نباید به حافظه متکی بود و حتی الامکان باید مصاحبه را با کسب «اجازه» از مصاحبه ضبط کرد و یا آن را نوشت. نام مصاحبه‌شونده، سمت علمی وی، مکان و زمان مصاحبه، به همراه گزارش نهایی مصاحبه، در برگه یادداشت به طور دقیق آورده می‌شود.

۱۲. باید متن نهایی مصاحبه را در اختیار مصاحبه قرار داد تا او بتواند ضمن رفع ابهامات احتمالی، توضیحات دیگری اگر خواست اضافه کند. در این حالت ملاک متن نهایی مورد امضای اوست.

فصل سوم

انتخاب موضوع، پرسش، فرضیه و تعاریف

انتخاب موضوع تحقیق یکی از مهم‌ترین مراحل یک پژوهش علمی و از دشوارترین آن به شمار می‌رود. برای درک بهتر جایگاه موضوع‌یابی، بهتر است تا نگاهی کلی به مراحل پژوهش کنیم. پژوهش را می‌توان بر دو مرحله تقسیم کرد:

- مرحله اول، مرحله پژوهش به منظور یافتن پرسشی شایسته و بایسته‌پژوهش است.
- مرحله دوم، پژوهش به منظور یافتن پاسخ پرسش مورد نظر است.

۷۶. پژوهش‌های اکتشافی زیربنای دیگر پژوهش‌ها

هر پژوهشی در دو مرحله انجام می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. مطالعات اکتشافی که در واقع موضوع‌یابی به منظور یافتن بهترین پرسش‌ها در مناسب‌ترین موضوعات به اقتضای هر پژوهشگر است. از طریق مطالعات اکتشافی می‌توان داشته‌های خود را از قبیل منابع و امکانات تخمین زد و محدوده‌های واقع‌بینانه‌ای برای پژوهش ترسیم کرد.
۲. پژوهش اصلی که شامل پژوهش برای یافتن پاسخ‌های پرسش‌های مورد نظر است؛ و آن از خلال بررسی مدارک و منابع و جمع آوری داده‌های مرتبط با پژوهش و در نهایت تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری نهایی است. در پایان کار نیز مرحله نگارش و ویرایش گزارش

نهایی (در قالب رساله دانشگاهی، مقاله و مانند آن) انجام می‌شود.

۷۷. انتخاب موضوع بر پایه خودشناسی و موضوع‌شناسی

لازم‌هه انتخاب صحیح موضوع پژوهش، خودشناسی است که می‌توان آن را در قالب دو پرسش زیر مطرح کرد:

۱. علاقه‌هه معطوف به تخصص من در چه حوزه‌ای است؟

۲. توانایی‌های من در حوزه‌هه پژوهش در چه زمینه‌هایی است؟

علاقه محقق باید علاقه‌ای درونی باشد و تحت تأثیر اطراقیان و به عبارت دیگر، «حرف مردم» شکل نگرفته باشد. معمولاً افرادی در پژوهش موفق می‌شوند که به شکلی «مستمر» در یک یا چند حوزه‌های مطالعاتی فعالیت می‌کنند و آن را در طول زمان گسترش می‌دهند. علوم دینی با زحمت به دست می‌آید. پس نباید به فکر حل و فصل سریع همه مسایل و به قولی یک شبه دانشمند شدن نباشید.

برای نیل به موضوع شناسی نیز باید به پاره‌ای پرسش‌ها پاسخ داد که عبارت‌اند از:

۱. در زمینه مورد علاقه من چه موضوعاتی وجود دارد؟

۲. در زمینه انتخابی من تا کنون چه کارهایی انجام‌شده است؟

۳. انجام چه تحقیقاتی، دوباره کاری و تکرار مکرات محسوب نمی‌شود؟

۴. امکانات من با کدام یک از حوزه‌های کار نشده دارای بیشترین هماهنگی است؟
پاسخ به این پرسش‌ها را باید با رجوع به کتابخانه و مطالعه فهرست‌های عنوانین مقالات آخرین مجلات علمی، فهرست منابع آخرین پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی و پرس‌وجو و مشورت با اساتید و دوستان آگاه به دست آورد. نویسنده غالباً با چند پرسش ساده از دانشجویان متوجه شده است که ادعای بسیاری از آن‌ها مبنی بر اینکه «تحقیق من پیشینه مطالعاتی ندارد.» ناشی از عدم تحقیق کافی در این زمینه بوده است. گسترش جهل مرکب از بزرگ‌ترین خطرات فرا روی مطالعات علوم اسلامی است.

در خصوص موضوع یابی توجه به موارد زیر لازم است:

– در انتخاب موضوع نباید عجله کرد.

– انتخاب موضوع باید بر اساس علاقه خود محقق باشد، نه علاقه دیگران و یا مُد

روز! و نظایر آن.

- انتخاب موضوع باید بر اساس توانایی محقق باشد؛ یعنی او بتواند در آن زمینه «فکر» کند و «منابع و مراجع اصلی» آن مورد احاطه و دسترسی او باشد. داشته باشد.
- موضوع انتخاب شده، باید متنضمن موضوع جدیدی در عنوان و محتوا باشد. این جدید بودن می تواند در نوآوری یعنی آنچه تاکنون دیگران انجام نداده اند، یا در قالب تکمیل کارهای قبلی صورت پذیرد.
- انتخاب موضوع باید متناسب با هدف مورد نظر باشد. برای مثال، انتخاب موضوع جهت پایان نامه باید نه آن چنان وسیع باشد که قابل جمع شدن در دوران دانشجویی نشود؛ و نه چنان محدود باشد که بیشتر متناسب با یک مقاله محدود به نظر آید.
- باید به فراخور توانایی علمی خویش وارد مباحث تخصصی علمی شد.
- پژوهش باید برای جامعه فایده عملی داشته باشد و از جهت فکری و فرهنگی بر آن اثر مثبت بگذارد. برای مثال، اینکه حرم‌سرای فلان پادشاه دارای چند نفر زن و خدمه و غیره بوده است و یا آنکه فلانی صحیح پنج شنبه از دنیا رفته است و یا بعد از ظهر آن، هیچ کمکی به مشکلات متعدد معرفتی و فرهنگی جامعه (به ویژه مسایل اساسی فرا روی نسل جوان کشور) نمی‌کند.
- یکی از ویژگی‌های پژوهش‌های علمی خوب، منتهی شدن آن‌ها به عرصه‌های جدیدی برای پژوهش و ارائه پیشنهادهایی سازنده جهت پژوهشگران بعدی است. (لذا می‌توان از پیشنهادهای پژوهش‌های قبلی نیز یاری جست.)
- انتخاب موضوع باید با آگاهی بر مشکلات مادی و محدودیت‌های زمانی و توانایی‌های روشنی محقق صورت پذیرد. (دوییدی، ۲۰۰۲: ۴۰۶ – ۴۰۰ با تلخیص و تصرف) موضوع یابی باید به پرسش‌های اصلی پژوهش منتهی شود. موضوع یابی زمانی به پایان می‌رسد که پژوهشگر پرسش‌های اصلی پژوهش خود را یافته باشد. داشتن پرسش مشخص موجب می‌شود تا او موضوع پژوهش و محدوده‌های خود را بشناسد. پرسش فوق را باید در چارچوب طرح پژوهش به صورت عملیاتی تعریف کرد.

۷۸. پرسش قطب‌نمای پژوهش است.

اکنون زمان آن رسیده است که مفهوم پرسش تحقیق تشریح شود. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «ان هذا العلم عليه قفل و مفتاحه المسألة» «علم قفلی است که کلید آن پرسش است.» نویسنده‌ای که پرسش علمی خود را به درستی طراحی نکرده است، قطعاً در اثنای پژوهش، به بیراهه خواهد رفت، زیرا پرسش قطب‌نمای هدایت مسیر پژوهش است. پژوهش از «پرسش» (Question) آغاز می‌شود. پرسش اساس پژوهش بوده و موققیت هر پژوهشی منوط به نحوه پرسشگری در آن است. آغازی خوب در کسب معرفت، از پرسشی خوب نشأت گرفته و چنانکه مرحوم علامه محمدتقی جعفری^(۱) بیان داشته است «طرح صحیح سؤال اساسی ترین عامل تسهیل جواب است. شناخت اینکه مسئله چیست و ابهام کجاست کار بزرگی است.» (جعفری، ۱۳۷۸: ۲۲) پیش از آنکه پژوهش به معنای یافتن پاسخ پرسشی باشد، یافتن «خود» پرسش است. همان‌گونه که بدون انجام تحقیق نمی‌توان به پاسخ پرسش رسید، یافتن پرسش مناسب نیز بدون انجام پژوهش میسر نخواهد بود و چنانکه بیان شده، مرحلهٔ موضوع یابی زمانی به اتمام می‌رسد که موضوعات مورد نظر در قالب پرسش‌هایی بیان شوند. این مسئله، مستلزم توجه بیشتری به مطالعهٔ پیشینهٔ تحقیق است. بدون در اختیار داشتن تصویر مناسبی از گذشته، نمی‌توان پژوهشی را به منظور کمک به ارتقای سطح دانش در آن رشته بنا کرد.

همچنین باید توجه داشت که برخی از پرسش‌ها بر پایهٔ پاسخ به پرسش‌های دیگری مطرح می‌شوند. برای مثال، این پرسش که تفاوت دیدگاه مرحوم علامه طباطبائی و مرحوم آیت‌الله سید محمدباقر صدر پیرامون تأویل قرآن چیست؟ مبتنی بر یافتن پاسخ حداقل دو پرسش زیر است:

۱. دیدگاه علامه طباطبائی درباره تأویل قرآن چیست؟
۲. دیدگاه آیت‌الله سید محمدباقر صدر درباره تأویل قرآن چیست؟

۷۹. ضرورت وجود مشکل فکری در پرسش

اصالت کار هر پژوهشگر از پرسش‌های او معلوم می‌شود. این اصالت از خلال مشکل فکری مطرح در پرسش او قابل مشاهده است. وجود حداقل سه شرط در تبدیل یک پرسش به مشکل فکری (Problem) لازم است. این شروط سه گانه عبارت‌اند از:

۱. پرسش واجد امری مجهول باشد. (تا اصولاً بحث پیرامون آن عیث نباشد.)
۲. این مجهول «معین» و «محدود» شود. (تا ذهن متوجه اصل موضوع شود.)
۳. مبتنی بر منبع‌شناسی و آگاهی از پرسش‌های پیشین (مطالعات اکتشافی) باشد.

غالباً تصور می‌شود که تحقیق عبارت است از کوشش به جهت نیل به پاسخ مسئله‌ای. حال آنکه اساس هر پژوهش در وهله اول مبتنی بر مسئله یابی و ساخت بهترین پرسش است.

برای مثال، پرسش‌های مقالات شماره از مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی (ویژه الهیات و حقوق - سال چهارم، شماره یازدهم، بهار ۱۳۸۳) به شرح ذیل هستند:

- مقاله «معجزه ضرورتی دفاعی»: آیا معجزه یک وسیله دفاعی است و یا وسیله‌ای تبلیغی است؟

- مقاله «امامت در نگره قرآنی امام کاظم علیه السلام»: امامت در تفسیر قرآن توسط حضرت امام موسی کاظم علیه السلام، چگونه تبیین شده است؟

- مقاله «حقیقت گروی، استراتژی اساسی در زبان قرآن»: آیا حفظ حقیقت قرآن در گرو رده گونه اذعان به مجاز و تأویل است؟ یا برای رسیدن به حقیقت قرآن باید از ظاهر متن خارج شد؟ آیا می‌توان بدون خروج از صورت ظاهر متن، به صورتی ضابطه مند تأویل را پذیرفت؟

- مقاله «حکمت‌های سوگند در قرآن»: هدف‌ها و کارکردهای سوگندهای خداوند متعال در قرآن چیست‌اند؟

- مقاله «تأویل و راسخان در علم»: آیا آگاهی از تأویل متشابهات، منحصر به خداوند است، یا راسخان در علم نیز تأویل متشابهات را می‌دانند؟ در این صورت راسخان در علم چه کسانی هستند و دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟

- مقاله «آسیب شناسی فهم روایات (تعارض، علل و عوامل آن)»: علل پیدایش تعارض در فهم روایت کدام‌اند؟

- مقاله «پژوهشی در حدیث طلب العلم فریضة»: بر اساس کدام ادله، مراد از علم در حدیث طلب علم، نه مطلق علوم که علوم مرتبط با اصول و فروع دین و اخلاق اسلامی است؟

- مقاله «درآمدی بر علم تجوید» پیدایش علم تجوید به چه دوره‌ای بازمی‌گردد و سیر تحول این علم چگونه بوده است؟ روش دانشمندان تجوید در تحقیقات آوایی چه بوده است؟

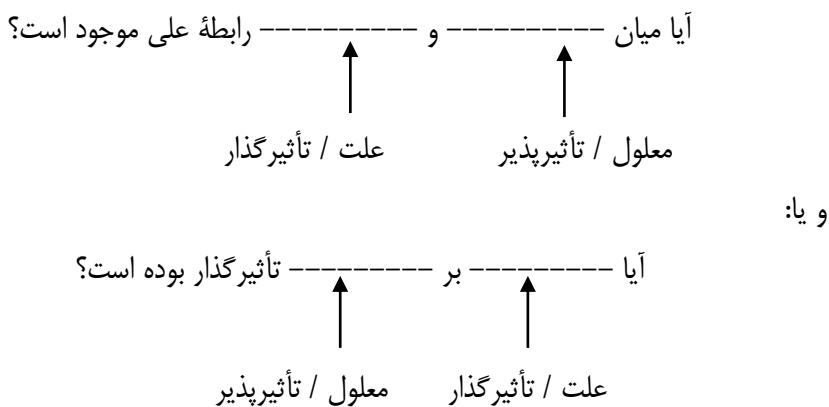
پرسش دربردارنده سخنی جدید باشد و تکرار باور معمول نباشد. یعنی از زاویه ای به موضوع نگریسته شود که دیگران تا کنون متوجه آن نشده بودند. لازمه کسب این ویژگی انجام مطالعات اکتشافی کافی به جهت تعیین شناخت کارهای علمی انجام‌شده و پی بردن به نتایج آن هاست. اینکه بدانیم آیا مسئله ما دارای پیشینه تحقیق بوده است یا خیر؟ و پژوهشگران قبلی چگونه مسئله را تشخیص داده و به حل آن پرداخته اند تا حدود زیادی در طرح خلاقانه پرسش به ما یاری خواهد کرد. پرسش باید متوجه آفرینش و تولید علم باشد. تولید علم زمانی صورت می‌پذیرد که چیزی فراتر از آنچه موجود است ارائه شود. به نحوی که حداقل بتوان گفت که بخشی از نتیجه پژوهش متنضم حرف جدیدی است. یک پرسشگر خوب قادر به دیدن اشکالات فکری در چیزهایی است که تا پیش از او مسلم، بدیهی و غیرقابل اعتماد می‌شود. شناخت این که «مشکل در کجاست» از بزرگ‌ترین و بنیادی‌ترین استعدادهای علمی بشر قلمداد می‌شود. علامه طباطبائی^(۱) پژوهشگر بر جسته ای است که درست در همان چیزی که همه بدون فکر، توجه و دغدغه از کنارش گذشته‌اند، مشکل را می‌شناسد. مقدمه تفسیرش نشان از تفکر پویای ایشان در برخورد با روش تفسیری است. اگر چه ایشان یادآور می‌شوند که «طریقه نوبنی که بیانات این کتاب بر آن اساس نهاده شده، طریقه‌ای جدید نیست، بلکه قدیمی‌ترین طریقه‌ای است که در فن تفسیر سلوک شده و طریقه معلمین تفسیر سلام الله علیهم است.» (طباطبائی، ۱۳۶۳/۱) اما این بازشناخت و بازکاوی میراث غنی تفسیری، خود مسئله‌ای نوین در دوران حیات ایشان بوده است.

۸۰. هماهنگی عناصر پژوهش با پرسش‌های اصلی

عنوان پژوهش باید از پرسش اصلی آن ساخته شود. نتیجه‌گیری پژوهش باید پاسخ پرسش‌های آن باشد. فصول مختلف آن باید ارتباط معناداری با پرسش‌های محقق داشته باشند؛ بنابراین پرسش‌های هر پژوهش قطب‌نمای آن پژوهش هستند. هیچ‌گاه نباید موضوع تحقیق خود را با ساخت «عنوان» آغاز کرد. باید ابتدا مسئله علمی را در قالب یک یا چند پرسش بیان کرد. ساخت عنوانی برای یک مقاله و یا کتاب و پایان نامه بدون دانستن پرسش پژوهش عملی نادرست است. «ریمون کیوی» و «لوک وان کامپنهود» به درستی بیان داشته اند که «محقق باید در نظر داشته باشد که این پرسش آغازی است که در مراحل بعدی تحقیق، برای مثال، خواندن متون و یا مصاحبه‌های اکتشافی، راهنمای او خواهد شد. هر اندازه این راهنمای دقیق تر باشد، تحقیق بهتر پیشرفت خواهد کرد. علاوه بر این با پرداختن و پیراستن پرسش آغازی است که محقق گستن از پیش‌داوری‌ها و سوابق ذهنی را شروع می‌کند بالآخره، دلیل آخر ... این است که فرضیه‌های تحقیق که ستون پایه‌های آن را تشکیل می‌دهد، به صورت پیشنهادهای پاسخ به پرسش آغازی ظاهر می‌شود. (کیوی، ۱۳۷۹: ۳۰ - ۳۱)

۸۱. اسلوب بیانی پرسش: روان و مختصر و مفید

محقق باید پرسش خود را با روان ترین اسلوب بیانی و بدون استعمال واژه‌هایی دشوار و یا فربینده تنظیم کند و آن را تا حد امکان مختصر و مفید بیان کند. همچنین در تحقیقات میدانی اصطلاحات به کاررفته در پرسش از قابلیت تعریف عملی برخوردار باشند. تناسب اسلوب بیانی پرسش‌ها باید متناسب با نوع پژوهش باشد. در هنگام طراحی پرسش، باید به نوع پژوهش، چه توصیفی (Descriptive) و چه معمای گشای (Puzzle Solving Research) توجه کرد. برخی از پرسش‌ها ماهیتی نظری داشته و برخی دیگر ماهیتی کاربردی دارند. هر نوع پژوهشی طراحی پرسش خاص خود را می‌طلبد. در پژوهش‌های تحلیلی پرسش متنضم روابط علی و معلولی مد نظر پژوهشگر است. یکی از اشکال بیانی آن چنین است:



در بخش اول علت (و یا تأثیرگذار) و در بخش دوم معلول (و یا تأثیرپذیر) نوشته می‌شود. یکی از مزایای این شیوه پرسشگری آن است که با حذف واژه پرسش «آیا» به راحتی فرضیه ساخته می‌شود.

شیوه‌ای از پرسش‌های پژوهش‌های توصیفی چنین است: وجود اشتراک و افتراق دیدگاه -(الف)- با دیدگاه -(ب)- در زمینه -(ج)- در چه مسایلی است؟ در اینجا (الف) طرف مقایسه ۱ و (ب) طرف مقایسه ۲ و (ج) وجه مقایسه میان آن دو است. برای مثال، وجود اشتراک و افتراق دیدگاه علامه طباطبایی با دیدگاه سید محمدباقر صدر در زمینه «تأویل قرآن» در چه مسایلی است؟ این گونه پرسش مناسب پژوهشی مقایسه‌ای است که دربردارنده دو طرف مقایسه به علاوه «وجه مقایسه» است. در این موارد، هیچ‌گاه بدون بیان «وجه مقایسه» نباید پرسش مطرح شود. همچنین طرفین مقایسه باید در حد و اندازه یکدیگر طراحی شوند. هیچ‌گاه نباید دو اندیشه یا اثربرا را که قادر فضای مقایسه متناسبی با یکدیگر هستند، مورد مقایسه قرار داد. برای مثال، مقایسه نظرات علامه طباطبایی در خصوص «تجدد نفس» با اثری ضعیف (برای مثال، درجه سوم) در این حوزه (مانند مقایسه یک وزارت‌خانه با یک شرکت کوچک) نادرست و غیرعلمی است.

نمونه‌ای دیگر از اسلوب بیانی پرسش برای پژوهشی توصیفی چنین است: روش (دیدگاه / نظرگاه و ...) - (الف) - در زمینه - (ب) - چیست؟ در اینجا (الف) موضوع تحقیق و (ب) محدوده پژوهش است؛ مانند این پرسش که دیدگاه علامه طباطبایی در زمینه معیار ترجمه قرآن کریم چیست؟ این گونه پرسش در صدد روشن ساختن ماهیت امری است که از دید پرسشگر «مجهول» است. در رابطه با آن حداقل به دو نکته توجه شود: اول آنکه باید مطمئن شد که پرسش پژوهش دارای مجهولی واقعی است. چنانکه پیش تر بیان شد، پیش‌زمینه این امر در گرو انجام مطالعات مقدماتی و شناخت مطلوبی از تحقیقات انجام شده است. دوم آنکه باید به شیوه‌ای معقول دامنه مجهول مورد پرسش را محدود کرد.

برخی از پرسش‌ها موضوع پژوهش را در داخل دو گزینه مورد مطالعه قرار می‌دهند. برای مثال، آیت‌الله معرفت در مقاله‌ای این پرسش را مطرح می‌کند که آیا معجزه امری تبلیغی است و یا دفاعی؟ (معرفت، بهار ۱۳۸۳: ۷) این پرسش متعلق به پژوهشی توصیفی است و در حقیقت پرسش دربردارنده پاسخ احتمالی و نیز فرضیه آن است.

۸۲. توجه به تخصص، امکانات و محدودیت‌ها در طرح پرسش‌ها

طرح پرسش‌ها باید واقع‌بینانه و بر اساس توانایی‌های تخصصی، زمانی و مالی پژوهشگر طراحی شود. این امر به ویژه برای دانشجویان که زمان محدودی در اختیاردارند، حیاتی است.

«فرضیه» همان «ظن» در مفهوم منطقی است. ابن سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ ق) ظن حقیقی را عبارت از اعتقاد به وجود حالتی برای چیزی می‌داند که می‌تواند به آن حالت نباشد. (صلیبا، ۱۳۸۳: ۴۵۰) معادل واژه فرضیه در زبان انگلیسی (Hypothesis) است که متشکل از دو جزء است: Hypo به معنای «کمتر از»، «کم اعتبارتر از» و Thesis به معنای «اصل»، «نظریه» است. در مقابل ظن «علم» است که بر امری صد درصد یقینی دلالت دارد. در بسیاری از پژوهش‌ها محقق به دنبال تبدیل ظن خود به علم است. مرحوم علامه طباطبایی ^(رد) می‌نویسند:

کلمه ظن به معنای تصدیق بیش از پنجاه درصد و نرسیده به صد درصد است، زیرا که اگر به درجه صد در صد برسد، جزم و قطع می‌شود... (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲ / ۳۷۱) و

کلمه علم همچنان که گفته شد به معنای احتمال صد درصد است، به طوری که حتی یک درصد هم احتمال خلاف آن داده نمی‌شود. (همان: ۳۷۳)

به طور طبیعی، غالب دانشمندان علوم اسلامی نظری مفسران قرآن، در کنار بیان علم خویش به ارائه احتمالاتی با امکان بیش از ۵۰ درصد مبادرت کرده‌اند و خود یا دیگران به بررسی آن احتمالات پرداخته‌اند؛ اما قرار دادن ظن به جای علم و یا «فرض گروی» در علومی چون علوم قرآنی که منجر به دگرگونی پیوسته و انکار یقین می‌شود، امری است که از هیچ محقق صاحب‌نظری انتظار نمی‌رود. (نک: آملی، ۱۳۷۹: ۱۵۹ – ۱۹۱) آیت‌الله جوادی آملی در شرح دیدگاه استاد خویش علامه طباطبایی می‌نویسند:

ششم: جناب استاد (رضوان‌الله تعالیٰ علیه) آشنایی کامل به مبادی برهان، شرایط و مقدمات آن داشت و لذا هرگز برای فرضیه‌ای علمی، ارج برهان قائل نبود و آن را به منزله پای ایستا و ساکن پرگار می‌دانست که به انتکای آن پای دیگر پرگار حرکت کرده، دایره را ترسیم می‌کند. در حقیقت، ترسیم دایره از آن پای پویای پرگار است نه پای ایستای آن^۱ – لذا از استناد به هر گونه فرضیه‌ای غیر مبرهن در تفسیر آیه پرهیز می‌فرمود و پیش‌رفت علوم و صنایع را سند صحت آن فرضیه نمی‌دانست و همواره خطر احتمال تبدل آن فرضیه را به فرضیه دیگر در نظر داشت و می‌فرمود: ثابت را که قرآن کریم است نمی‌توان به متغیر که فرضیه‌های زودگذر علمی است تفسیر کرد و یا بر آن تطبیق داد، مگر آنکه به حد برهان تمام عقلی می‌رسید که در این حال صلاحیت قرینه بودن برای ترجیح برخی از احتمال‌های تفسیری آیه را دارا می‌شد.^۲

۸۳. تنها برخی از تحقیقات فرضیه دارند.

چنانکه پیش‌تر بیان شد پژوهش با پرسش آغاز می‌شود. پرسش تحقیق به مانند یک قطب‌نما، جهت ادامه کار را به ما نشان می‌دهد. پس از طرح پرسش ممکن است محقق در برخی از مسایل دارای احتمالی اولیه باشد که بررسی آن را در اولویت تحقیق قرار دهد. از زمرة علل اصلی ای که موجب می‌شود یک محقق دارای فرضیه باشد یکی اشراف بر

۱. وجه شبه در این تشبیه، نقش آفرینی برهان است نه محور انکا بودن فرضیه علمی.

۲. به نقل از تفسیر موضوعی قرآن در قرآن حضرت آیت‌الله جوادی آملی، ص ۳۹۹، از سایت اسراء به نشانی: esraco.net

پیشینه موضوع و داشتن حدسی قریب به یقین و دیگری شناخت رویکردهای متعارض درباره موضوع مورد بحث و در نتیجه اشراف بر فرضیه‌های رقیب احتمالی است. همچنین کسانی که در پی آزمون یک نظریه هستند، هنگامی که قوانین نظریه‌شان را محدود به زمان و مکان و موضوع می‌کنند، در واقع آن‌ها را مبدل به فرضیه کرده‌اند؛ بنابراین پیش‌نیاز اصلی فرضیه‌سازی خوب، تسلط بر منبع‌شناسی و داشتن نگاهی چندبعدی (از زوایایی مختلف) به مسئله است. به جهت شناخت بهتر فرضیه، پرسش زیر را مورد بررسی قرار می‌دهیم: «آیا معجزه امری تبلیغی است و یا دفاعی؟» در این پرسش:

۱. محقق در صدد بیان ماهیت کاربرد معجزه است.
۲. پرسش دارای دو گزینه احتمالی است. محقق اجمالاً می‌داند که «علم» در یکی از این دو گزینه قرار دارد.

۳. این دو گزینه، به عنوان مهم‌ترین گزینه‌های فرا روی محقق در این پرسش مطرح شده‌اند.

۴. ضمن آنکه ممکن است که پاسخ اصلی، هیچ یک از این دو گزینه نبوده و یا آنکه ترکیب و تعیلی از هر دو باشد.

۵. انجام تحقیق به منظور تبدیل حالت احتمال به علم است.

۶. در این وضعیت، هر یک از این دو گزینه که از احتمال صحت بیشتری در نزد محقق برخوردارند، فرضیه نامیده می‌شود که تا پایان تحقیق واجد حکم علم نیست؛ اما پس از تحقیق، ممکن است که به عنوان علم پذیرفته شود.

پس فرضیه پاسخ موقتی به پرسش تحقیق است که احتمال صحت آن داده می‌شود و تا زمانی که با روش معتبر مورد بررسی قرار نگرفته است، ارزش استناد علمی ندارد.

برخی از مواردی که نیازمند طراحی فرضیه نیستند:

– آن دسته از پژوهش‌های مقایسه‌ای که پژوهشگر قادر به بیان فرضیه تا پیش از انجام مطالعه و یا مقایسه نباشد. به عبارت دیگر، سطح آگاهی‌های اولیه پژوهشگر از موضوع وی را قادر به پاسخ دادن به پرسش نمی‌گردداند. در این حالت – چنانکه پیش‌تر بیان کردیم – به جای فرضیه محدوده دقیقی را که پاسخ پرسش در آن موجود است، مشخص می‌کنیم. توجه شود که نبود فرضیه در پژوهش به معنای نبود پرسش نیست.

- پژوهش‌هایی که مربوط به تصحیح کتاب‌های خطی هستند: مانند: «تصحیح و تحقیق در الناصح و المنسوخ اثر ابو عبدالله اسفراینی» (رساله‌ای در دانشگاه تهران)
- برخی از پژوهش‌هایی که به صورت ترجمه و تحقیق هستند، نیازی به طرح فرضیه ندارند؛ مانند «ترجمه و تحقیق «الخرائج و الجرائح» اثر ابوالحسن سعید بن هبة الله مشهور به قطب‌الدین راوندی (رساله‌ای در دانشگاه تهران)
- نگارش فرهنگ‌ها و دائرةالمعارف‌ها در درجه اول نیازمند تشریح دقیق روش‌شناسی آن است. در صورتی که هدف نویسنده‌گان آن اثبات یا برتری دادن نظریه‌ای، برای مثال، در زبانشناسی نباشد، نیازمند فرضیه نیست.

۸۴. فرضیه پاسخی علمی به پرسش است.

هر جمله‌ای را نمی‌توان فرضیه نامید. یک فرضیه خوب عبارت‌اند از:

۱. فرضیه باید پاسخ صریح و مناسب پرسش تحقیق است. برای مثال، این پرسش و پاسخ (انتخاب از پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد) را در نظر بگیرید:
انواع جهاد از دیدگاه قرآن کدام است؟ (پاسخ): قرآن به عنوان کتاب هدایت به بیان ریشه‌های جنگ در ابعاد فردی و اجتماعی پرداخته است.
۲. آیا این پاسخ بر طرف کننده مجهول پرسش ماست؟ آیا در آن «انواع جهاد از دیدگاه قرآن» یک به یک شمرده شده است؟ مشاهده می‌کنیم که نه تنها پاسخ فوق با پرسش محقق نسبتی ندارد، بلکه در آن واژه «جهاد» به واژه غیرتخصصی «جنگ» ترجمه شده است. عدم رعایت وحدت رویه در پژوهش منجر به «از هر دری صحبت کردن» محقق می‌شود. آیا این گونه پاسخ دادن به پرسش‌ها منجر به گسترش معارف دینی می‌شود؟
۳. باید فرضیه به صورت یک جمله خبری و به صورت مثبت بیان شود. فرضیه یک عبارت مصدrij، یا یک جمله پرسشی یا تعجبی نیست. فرضیه اصلی باید «جهت دار» و در اسلوب مثبت طراحی شود. محقق باید همواره اثبات حق را در کنار Directional نفی امور نادرست و باطل، در مرکزیت کار خود قرار دهد.

لذا فرضیه «اصلی» خود را به صورت منفی بیان نمی‌شود. فرضیه منفی در برابر فرضیه اصلی طراحی می‌شود برای مثال^۱،

- میان نحوه بهره برداری از مأخذ فقهی و اختلاف نظر در قضایت قضات اسلامی رابطه‌ای موجود است.

- قرایات قرآن بر تطور مطالعات علم نحو تأثیرگذار بوده است.

- میان توبه و اسقاط حدود در فقه اسلامی رابطه‌ای موجود است. (این مطالعه می‌تواند به صورت مقایسه‌ای در مذاهب مختلف اسلامی صورت پذیرد.)

فرضیه می‌تواند در اسلوب شرطی: اگر ----- پس ----- و یا هر چه بیشتر / کمتر --- پس بیشتر / کمتر و نظایر آن (در قالب قانون علمی محدودشده) استعمال شود. برای مثال، هر چه وحدت اعتقادی جامعه‌ای افزایش یابد، به همان میزان بر انسجام اجتماعی آن جامعه افزوده خواهد شد.

اما این نمونه‌ها فرضیه نیستند:

«بررسی علل پیدایش اختلاف در تفسیر قرآن»؛ «میزان تاکید بر امر به معروف و نهی از منکر در متون اسلامی تا چه اندازه وسیع است!»؛ «نهضت ترجمه در قرن سوم هجری عجب تأثیری بر رشد علم کلام داشته است!»؛ «آیا فهم دینی امری عصری و سیال است؟»

۳. فرضیه باید شفاف، ساده و قابل فهم ادا شود. باید از به کار بردن عبارات طولانی غیر لازم و دو پهلو در طراحی فرضیه خودداری شود. در جمله‌بندی فرضیه از واژگان و عباراتی چون «بهتر است...»، «بدتر است....»، «شاید»، «خوب است که...» و نظایر آن‌ها استفاده نشود. برای مثال، فرضیه زیر (به نقل از یک پایان‌نامه) نادرست است:

با توجه به اینکه در جامعه ناگزیر از ایجاد روابط گوناگونی بین دختر و پسر هستیم و با عنایت به مسائلی که مبنی بر آزادی روابط به وجود آمده است، جامعه و خانواده باید به جوانان آموزش‌های کافی را در خصوص جنس مخالف و خصوصیات روحی و جسمی آن‌ها بدهند تا جوان با آگاهی کامل و با احترام گذاشتن به شخصیت فرد مقابل، بهترین رابطه که همان رابطه آگاهانه و محترمانه است را داشته باشند تا شاهد بروز ناهنجاری‌های اجتماعی نباشیم.

۱. توجه شود که مثال‌های این کتاب جنبه آموزشی دارد.

به طولانی بودن متن فوق، عدم دقت و تمرکز نویسنده بر اصطلاحات تخصصی، روان نبودن جملات. توجه شود. اما این فرضیه می تواند در زمان و مکان معینی مورد بررسی قرار گیرد:

هر چه معارف دینی از طریق خانواده در فرزندان «درونی» شود، پس به همان میزان

روابط میان انسان‌های جامعه بر پایه معیارهای دینی گسترش خواهد یافت.

اکنون به این فرضیه نادرست زیر که عیناً از یک رساله دانشگاهی (با عنوان: قرآن از دیدگاه نهج‌البلاغه) نقل می‌شود، توجه کنید:

حضرت علی (علیه‌السلام) نخستین فردی بود که به خدای یگانه و به دعوت راستین

پیامبر لبیک گفت و استفاده او به توحید و نبوت و معاد ناب و خالصانه و این اعتقاد ناب

در رفتار و گفتار آن حضرت متجلی شده است. پس با احتمال صد در صد در نهج‌البلاغه

باید سخنانی از امام پیرامون اصول اساسی دین وجود داشته باشد.

در این فرضیه به موارد زیر توجه شود: طولانی بودن متن فوق، عدم دقت نویسنده بر تمرکز بر اصطلاحات تخصصی، عدم تناسب فرضیه با «عنوان» پژوهش، کلی گویی نویسنده (در نهج‌البلاغه درباره اصول دین سخن به میان رفته است). آیا فرضیه نویسنده متن‌من نکته جدیدی از دریای بی کران معارف الهی نهج‌البلاغه است؟ آیا نویسنده در صدد حل مشکلی فرهنگی و معرفتی در جامعه است؟

در ساخت فرضیه باید از استعمال واژگانی که استنباط فرضیه را به خواننده موكول می‌کند، خودداری کرد و هیچ‌گاه در داخل فرضیه از علامت (...) و یا واژه «و غیره» استفاده نشود؛ زیرا با این کار خواننده ممکن است به سلیقه خود فرضیه را تفسیر کند. ۴. در یک فرضیه خوب از اصطلاحات علمی به شکلی «دقیق» و «هدفمند» استفاده می‌شود.

هیچ‌گاه اصطلاحات غیرتخصصی را جایگزین اصطلاحات اصلی در فرضیه نکنید. عنوان یکی از پژوهش‌های یکی از مراکز پژوهشی چنین بوده است: «تحلیل تطبیقی تئوری عدالت از دیدگاه حضرت علی (ع) و غرب» صرف نظر از اشتباه در ترسیم فضای مقایسه‌ای در این پژوهش اطلاق واژه «تئوری» بر کلام معصوم (علیه‌السلام) - همانند اطلاق واژه فرضیه - صحیح نیست. فرضیه یکی از رساله‌های پژوهشی «محبت در قرآن» به این شیوه طراحی شده بود: «به نظر می‌رسد نیروی شگفت انگیز محبت است

که انسان را به کمال و درجات والای قرب الهی می‌رساند.» در این فرضیه استفاده از واژه «شگفت انگیز» بی‌مورد است. همچنین نیازی به بیان «به نظر می‌رسد» نیست.

۵. فرضیه باید محدوده مشخصی داشته باشد و باید بتوان فرضیه را با روش معتبری مورد بررسی قرار داد.

در تعیین محدوده فرضیه نباید افراط و تفریط شود. فرضیه باید در حد توانایی محقق باشد. نیز در تنظیم فرضیه خود به تناسب شیوه استنباط آن (فقهی، تاریخی، تجربی و ...) توجه کنید.

۶. فرضیه در پژوهش‌های تحلیلی متنضم روابط علی و معلولی مد نظر است. برای مثال، این فرضیه که (هر چه روحیه «تجمل گرایی» در انسان افزایش یابد به همان نسبت ایمان دینی در آن جامعه کاسته می‌شود). بیان می‌کند که تجمل گرایی «تأثیرگذار» بر ایمان دینی (تأثیرپذیر) است؛ و یا در این فرضیه که (سنت «وقف» بر گسترش معارف شیعی در عصر صفویه تأثیرگذار بوده است). سنت «وقف» تأثیرگذار و «گسترش معارف شیعی» تأثیرپذیر است.

۷. (در صورت لزوم) باید فرضیه را بنا بر متغیرهای مکمل به دیگر فرضیه‌ها پیوند داد. در طراحی فرضیه باید توجه داشت که آیا به اندازه کافی از متغیرها استفاده شده است یا خیر؟ نباید هیچ گاه نباید یک متغیر را چنان بزرگ کرد که قادر به دیدن دیگر متغیرها و جنبه‌های مسئله نشد.

در این شیوه از فرضیه‌سازی می‌توان مجموعه‌ای از متغیرها را در قالب یک فرضیه بیان کرد و یا اینکه آن را به شیوه چند فرضیه بیان کرد. در این حالت به ازای هر متغیر با یک فرضیه سروکار داریم. برای مثال، به این فرضیه (مثال آموزشی) توجه شود:

علل سیاسی رواج شرق‌شناسی در شمال آفریقا در قرن ۱۹ عبارت است از:

به فرمانروایی رسیدن حکمرانانی متأثر از فرهنگ اروپایی

تبليغ دینی و اشاعه فرهنگ مسیحی و اروپایی در جوامع اسلامی

ضعف خلافت عثمانی

اشغال الجزایر به توسط فرانسه

حمله ناپلئون به مصر

۸۵. تناسب فرضیه‌ها با نوع پژوهش

برای طراحی فرضیه روش‌های مختلفی موجود است که بسته به اقتضای تحقیق خوبیش از آن استفاده می‌شود. یکی از شیوه‌های مناسب در ایجاد مهارت در ساخت فرضیه، مطالعه «آگاهانه» کتاب‌های برگسته دینی، باهدف شناخت نحوه استدلال، شیوه طبقه‌بندی موضوعات علمی و روابط علی و معلولی مد نظر نویسنده است.

اولین پاسخ شما به پرسش تحقیق آخرین پاسخ شما نباشد. سعی کنید در قبال هر پرسش علمی چندین پاسخ منطقی ارائه کنید. ممکن است که فرضیه شما در نهایت ترکیبی از مجموعه فرضیات اولیه شما باشد. کوشش شود تا در قبال مسایل مختلف وسعت نظر بالایی کسب شود.

چند شیوه بیانی فرضیه عبارت‌اند از:

----(علت / تأثیرگذار)---- در تکوین / در ایجاد / در شکل‌گیری ---(معلول / تأثیرپذیر)---- اثرگذار است.

مانند: (به کارگیری روش هرمنوتیک در تفسیر نصوص دینی منجر به تبدیل حکم شناسی به شرایط شناسی می‌شود) و یا (خواندن آیات قرآن کریم بر کاهش درد بیماران اثرگذار است).

شیوه دیگر چنین است: میان - (علت / تأثیرگذار)---- و ----(معلول / تأثیرپذیر) - رابطه موجود است؛ مانند (میان مذهب اعتقادی دانشمندان علم نحو و شیوه استدلال نحوی ایشان رابطه موجود است). در چنین فرضیاتی روابط موجود میان متغیرها ممکن است متقابل باشد.

شیوه دیگر بیان فرضیه

وجوه اشتراک / اختلاف میان -(طرف اول مقایسه) - و -(طرف دوم مقایسه) -- در زمینه (یا از دیدگاه) -(وجه مقایسه) عبارت است از: ۱. ۲. ۳. (موارد به اندازه کافی بیان شوند).

البته معمولاً مطالعات مقایسه‌ای فاقد بیان فرضیه کاملی هستند. زیرا تا مقایسه صورت نگیرد، وجود مختلف تشابه و تضاد میان طرفین مقایسه آشکار نخواهند شد؛ بنابراین تنها کسانی قادر به طرح فرضیه در این موارد هستند که مطالعات قبلی مناسبی در موضوع

بوده باشند. در این صورت، بیان کافی مورد نیاز فرضیه در واژگانی سنجیده و متناسب نقطه قوت پژوهش محسوب می‌شود.

در وضعیتی که محقق قادر به بیان احتمال اولیه نیست، باید به جای فرضیه، به تعیین دقیق محدوده پاسخ پرسش که در این نوع سوالات شامل سه بخش طرفین مقایسه و وجه مقایسه است، بپردازد. پس در این حالت، به جای بیان فرضیه به تعیین حدود مسئله مانند مکان، زمان و ابعاد موضوع مورد نظر می‌پردازیم.

شیوه دیگر طرح فرضیه استفاده از قانون علمی است که جهت صحت اثبات آن باید محدوده آن را مشخص کرد. (برای مثال، محدود به یک شهر و یا مدرسه در دوره زمانی مشخص)

هر چه ----- بیشتر (/ کمتر) شود، پس ----- بیشتر (/ کمتر) می‌شود
مانند: (هر چه «روحیه تجمل گرایی» در یک جامعه بیشتر شود، پس به همان میزان از «رفتارهای معنوی» اعضای جامعه کاسته می‌شود.)

در این اسلوب با «قانون علمی» سر و کار داریم و جهت صحت اثبات فرضیه خویش نیازمند محدود ساختن آن هستیم. لذا به جای یک جامعه باید به مکان مدنظر خود اشاره کنیم. این مکان می‌تواند با توجه به قصص قرآنی شامل یکی از امتهای پیشین باشد و یا در یک بررسی عملی شهر تهران انتخاب شود. همچنین باید مراد خود از رفتار معنوی را با تعریف دقیق به همراه مثال‌های کافی برای آن بازگو کرد.

شیوه دیگر به این صورت است:

الف ----- به صورت ----- ب ----- است.

این شیوه ساده‌ترین شکل یک فرضیه توصیفی است که به توصیف مسئله بدون ورود به تشریح علل شکل گیری آن اختصاص دارد. پژوهشگر بنا بر نوع پرسش خود از این نوع فرضیات استفاده می‌کند. برای مثال، (اسلام از دید تشیع دارای پنج رکن اساسی است: ۱. اصول عقاید ۲. اخلاقیات ۳. موضوعات ۴. احکام اولیه ۵. احکام ثانویه)

اما شیوه دیگر به تحلیل علل شکل گیری موضوع اختصاص دارد؛ مانند:

علل ----- عبارت است از:

----- ۱.

----- ۲.

۳. ----- (متغیرها به تعداد کافی آورده شوند.)

مثال:

علل «عدم تولید علم» در رشته‌های علوم انسانی در ایران عبارت است از:

۱. از میان رفتن سنت فکری پیوسته بومی،
۲. عدم طرح موضوع مبتنی بر نیاز واقعی جامعه،
۳. نگاه غربی به جامعه ایران، تعمیم شرایط غرب بر تاریخ و فرهنگ ایران در نظریه‌پردازی‌ها،
۴. عدم استفاده از روش شناسایی مطلوب،
۵. نبود اعتقاد به کار گروهی.

۸۶. یا فرضیه اصلی یا «فرضیه رقیب».

فرضیه رقیب توضیح دیگری از مسئله است که از نظر منطقی در مقابل فرضیه اول به کار می‌رود. به عبارت دیگر، می‌توان نسبت فرضیه اصلی با فرضیه رقیب را چنین بیان کرد: یا فرضیه اصلی و یا فرضیه رقیب.

ممکن است فرضیه اصلی با اتمام پژوهش، «رد» و یا «اصلاح» شود و یا حتی با فرضیه رقیب «ادغام» شود و از آن وجه سومی حاصل شود. هیچ‌گاه نباید نسبت به فرضیه پژوهش خویش تعصب بی‌مورد نشان داد و چنانکه گفته شد فرضیه‌ها مادامی که با روش صحیح علمی مورد بررسی قرار نگیرند، «علم» نیستند.

هم فرضیه اصلی و هم فرضیه رقیب، ظن و غیر علم هستند؛ اما علت انتخاب یکی به عنوان فرضیه اصلی بر اساس جدی تلقی کردن و نزدیک به علم دانستن آن از سوی محقق است. هر چند که با بیان معکوس فرضیه اصلی می‌توان فرضیه رقیب خود را ساخت، اما توصیه می‌شود که فرضیه رقیب از موضوعات زنده و از دیدگاه‌های مقابله‌کننده در عرصه مباحث دینی و فرهنگی موجود است، انتخاب شود؛ مانند دیدگاه صامت بودن قرآن در مقابل ناطق بودن آن.

۸۷. ضرورت بین‌الاذهانی کردن واژگان پژوهش

واژه تعریف (definition) واژه‌ای عربی از ریشه (عرف) و مترادف واژه «تحدید» است. در لغت به معانی شناساندن، معرفی کردن، آگاهی، شرح، توضیح، تصریح، تشخیص، تبیین ... آمده است. این واژه در مقابل «تنکیر» قرار دارد که از معانی آن ناآگاهی و بی‌خبر بودن از چیزی است.

در پرسش و فرضیه پژوهش واژگان مختلفی بیان می‌شوند. برخی از این واژگان مانند: «است»، «هست»، «و» و نظایر آن از زمرة واژگان غیرتخصصی جملات و عبارات ما بوده و نقش ربط، اسناد و برقراری دیگر حالات بیانی را بر عهده دارند؛ اما دسته‌ای دیگر از واژگان جملات ما (به ویژه در پرسش و فرضیه تحقیق) شامل اصطلاحات اساسی علم مورد بحث می‌شوند. کلماتی که متضمن مفاهیم اصلی مد نظر پژوهش بوده و تا معنای این واژگان برای پژوهشگر دانسته نشود پژوهش وی پیشرفته نخواهد داشت.

«تعریف» در اصطلاح روش تحقیق عبارت است: روشن کردن فضای مفهومی واژگان اصلی پژوهش به جهت بین ذهنی کردن آن میان مخاطبان پژوهش. (پیش‌فرض آن است که خود محقق از تعریف واژگان تحقیق خود باخبر است).

بدون بین‌الاذهانی کردن واژگان تحقیق نمی‌توان مطالب آن را به خواننده منتقل کرد. انتقال علم در گروه تعریف فضای مفهومی واژگانی تخصصی است. برای مثال، شخصی در صدد انجام پژوهشی در زمینه حجیت اقسام اجماع در علم اصول است. این اصطلاح در علم اصول به شیوه‌های مختلف به کاررفته است. اولین کار باید ارائه تعریفی دقیق از واژه «اجماع» (و نیز حجیت) باشد. تا تعریف این دو واژه معلوم نشود، نمی‌توان وارد پژوهش درباره آن‌ها شد.

۸۸. توافق در تعاریف، شرط گفت‌وگو با دیگران

در برخی از پژوهش‌ها نیازمند توجه به تعاریف مشترک هستیم؛ یعنی قدر مشترک مفاهیم واژگان در نظر گرفته می‌شود. برای مثال در گفت‌وگوهای بین ادیان و یا مذاهب اسلامی، ابتدا کوشش می‌شود تا تعاریفی که مورد قبول همگان است، ارائه شوند. هرچه معرفه‌های مشترک مفاهیم واژگانی بیشتر باشد، امکان وفاق بیشتر می‌شود.

۸۹. مأخذ تعاریف لغوی باید مراجع معتبر باشند.

تعاریف پژوهش‌های علمی دارای مشخص‌های زیر است. اول آنکه در کوتاه‌ترین عبارات تنظیم شده‌اند. همچنین مت مرکز بر تعریف مختار محقق هستند و عاری از نقل قول‌های بی‌هدف هستند. دوم آنکه با توجه به ماهیت پژوهش خویش تنها از زاویه تخصص مربوطه به تعریف واژگان می‌پردازند.

در پایان نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی اصطلاحات موجود در پرسش، فرضیه و عنوان نیازمند پژوهش هستند.

به طور کلی در تعریف واژگان پژوهش، از این روش استفاده شود:

- اصطلاحات اصلی تحقیق خود را در یک فهرست (به ترتیب الفبا) آورده شود. در اثنای پژوهش، ممکن است بر تعداد آن‌ها افزوده شود.
- ابتدا معنای لغوی و سپس معنای اصطلاحی آن‌ها را، با استفاده از منابع و روش متناسب، استخراج شود.
- چنانکه گفته شد، نباید بخش تعاریف را به مجموعه‌ای از نقل قول‌های به هم چسبیده مبدل کرد.
- تنها به مواردی باید پرداخت که به پژوهش مربوط است. حواشی بحث نباید در جای متن اصلی را اشغال کند.
- و در خاتمه تعریف منتخب به همراه حداقل دو مثال بیان شود.

برخی از فرهنگ‌های مناسب تحقیقات دینی به جهت بررسی لغوی واژگان عربی مورد نظر عبارت‌اند از:

- الصحاح اثر جوهری ابی نصر اسماعیل بن حماد (۳۹۳ ق) لسان العرب اثر ابن مکرم بن منظور الافریقی (۷۱۱ ق)
- القاموس المحيط اثر فیروزآبادی مجدد الدین محمد یعقوب (۸۱۷ ق) که مرتضی زبیدی در کتاب تاج العروس آن را در ده جزء شرح کرده است.
- اساس البلاغة اثر زمخشري (۴۶۷ - ۵۳۸ ق) صاحب الكشاف

- المخصوص اثر شیخ ابی الحسن علی بن اسماعیل نحوی و زبان‌شناس اندلسی معروف به ابن سیده (۴۵۸ ق)
 - معجم مقاییس اللغة اثر ابن فارس (متوفی ۳۹۵ ق)
 - العین اثر خلیل بن احمد فراهیدی (متوفی حدود ۱۷۰ ق)
 - المفردات اثر راغب اصفهانی
 - التهذیب اثر الازهري (نک: الطویل: ۹۸، ۲۰۳ - ۹۹)
- و از آثار جدید کتاب التحقیق فی کلمات القرآن مرحوم علامه مصطفوی استاد علامه حسن‌زاده آملی در توصیف مرحوم آیت‌الله شعرانی (۶) می‌گویند: از خصایص دیگر ایشان این بود که دست به هر کتابی دراز نمی‌کرد، حتی المنجد در میان کتاب‌هایش نبود و خودش صریحاً فرمود: این کتاب منجد را برای دانشجوهای مدارس نوشته‌اند، نه برای عالم روحانی. ملا دست می‌برد به کتاب‌های علمی اساسی لغت، به جمهره این درید، تاج العروس و صحاح، به این جور کتاب‌ها که کتاب است، نه به منجدی که برای بچه‌های مدرسه نوشته‌اند.^۱
- تعاریف لغوی و اصطلاحی باید به گونه‌ای مکمل یکدیگر آورده شوند. در تعاریف واژگان اساسی پژوهش خود هیچ‌گاه نباید به فرهنگ‌های غیرتخصصی مراجعه شود. در مطالعات قرآنی به جای استفاده از آثاری چون «مفردات» راغب اصفهانی (و دیگر فرهنگ‌های تخصصی قرآنی) به سراغ «الرائد» جبران مسعود نباید رفت. بنابراین همواره جنبه تخصصی فرهنگ‌های علوم انسانی را باید رعایت کرد.

۹. شرط قابلیت مشاهده و سنجش شرط در پژوهش‌های تجربی

برخی از تعاریف مناسب پژوهش‌های کاربردی در حوزه علوم اجتماعی هستند. به این تعاریف، تعاریف اجرایی operational گفته می‌شود. برای مثال، تعریف واژه «ثروتمند» در لغت با نشان دادن عملی شخص ثروتمند در جامعه ما دو مقوله به هم مرتبط ولی

۱. در واقع آن مرحوم در صدد ترغیب شاگردان خود به استفاده از کتاب‌های اساسی و رعایت استفاده از منابع درجه اول بوده است. نک: روزنامه اطلاعات: ۱۳۸۴ / ۲ / ۲۳۴۷۵. شماره ۲۳۴۷۵، ص ۶ (با عنوان: شیخ بهایی روزگار. به مناسبت بزرگداشت مرحوم آیت‌الله شعرانی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی).

متفاوت هستند. در فرهنگ لغت با تعاریف قراردادی در فرهنگ‌های نظری لغتنامه دهخدا سروکار داریم؛ اما در تعاریف عملی نیازمند یافتن معرف‌هایی هستیم که به طور دقیق نشان دهد که از نظر مردم آن جامعه (یا نظر رسمی حکومت که می‌تواند متفاوت از عرف جامعه باشد) داشتن چه سقفتی از مادیات، فرد را در زمرة افراد ثروتمند قرار می‌دهد. لذا برای انجام تعاریف عملی نیازمند پژوهش در سطح جامعه هستیم، که در بسیاری از موارد مانند مثال بیان شده با مشکلات بسیاری همراه است. زیرا اگر در جامعه‌ای ثروت، ملاک اصلی مقایسه‌های مثبت اجتماعی شود، در آن صورت افراد وارد رقابت «بز عالی، جیب خالی» می‌شوند. در نتیجه نمایش ثروت، موجب می‌شود تا وضعیتی گول زننده حاکم شود. برخی از معرف‌های تعریف عملی ثروت عبارت‌اند از: نوع منزل و ارزش مادی آن وسایل منزل و ارزش مادی آن‌ها؛ لباس و زیورآلات و ارزش مادی آن‌ها؛ ماشین شخصی و نظایر آن. این معیارها با گذشت زمان دچار تحول می‌شوند و از آنجا که نهایت تعریف عملی تبدیل آن به مقادیر کمی و مشخص است، نیازمند تبدیل آن به کمیت مناسب با زمان و مکان جامعه مورد مطالعه هستیم. برای مثال، چه میزان درآمد ماهیانه، چه مُدلی برای اتومبیل، چه منزلی، در کجا، با چه مساحت و مصالح ساختمانی شخص را در زمرة ثروتمندان قرار می‌دهد؟ (نک: رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۳۶ به بعد)

برای مثال، دکتر فرامرز رفیع پور در پژوهشی با عنوان «تغییر ارزش‌ها در آینه سینما و مطبوعات» به جهت مشخص ساختن فضای مفهومی ارزش می‌نویسد:

- ارزش‌های مورد بررسی: مهم‌ترین ارزش‌های مورد بررسی عبارت بودند از:
- میزان مشروعیت بخشیدن به ثروت و تبدیل آن به یک ارزش مثبت،
- میزان تأیید و مشروعیت دادن به نابرابری‌های اجتماعی یا کاهش آن،
- میزان گستردن ارزش مادی‌گرایی و سودجویی یا کاهش آن،
- میزان گسترش ارزش و روحیه مصرف‌گرایی یا کاهش آن،
- میزان تقویت و یا تضعیف ارزش‌های مذهبی.

به منظور بررسی میزان انتقال ارزش‌های نوع اول تا چهارم، یعنی انتقال ارزش ثروت، نابرابری، مادی‌گرایی و مصرف‌گرایی، معرف‌های زیر در نظر گرفته شدند:

- نوع منزل و ارزش مادی آن،
- وسایل منزل و ارزش مادی آن‌ها،

لباس و زیورآلات هنرپیشه‌ها و ارزش مادی آن‌ها.

برای بررسی میزان انتقال ارزش‌های مذهبی از نمادهای مذهبی (نظیر حجاب و ریش) استفاده شد. البته معرفه‌های دیگری نیز همچون وسایل نقلیه مورد استفاده و ارزش مادی آن‌ها، آرایش هنرپیشه‌ها، رفتارها و عمل‌های مذهبی (از جمله الفاظ به کار گرفته شده)، میزان انتقال ارزش‌های انقلابی و میزان انتقال ارزش‌های مربوط به گروه مرجع غربی یا هویت ملی بررسی شدند که نتایج آن‌ها به طور انفرادی برای هر فیلم مفید است اما از آنجا که برای مقایسه فیلم‌ها با یکدیگر، مناسب نبودند، از نتایج آن‌ها چشیده شد. ...» (رفع پور، ب ۱۳۷۸: ۹) «... همکاران و دستیاران محقق پس از استخراج اشیاء و وسایل در هر فیلم یا مجموعه، به فروشگاه‌های مختلف مراجعه کرده و قیمت تک تک وسایل را که در هر فیلم بسیار متنوع و تعدادشان بسیار زیاد بوده است، از چندین فروشگاه پرسیده‌اند، گرچه فروشنده‌گان نمی‌توانستند برخی از وسایل قدیمی و کم ارزش را ارزیابی کنند. دیگر این که چون قیمت‌ها به سرعت در حال تغییر بوده و هستند، به منظور دست یافتن به مقیاس ثابت‌تر، قیمت‌ها نسبت به سال مورد نظر و همچنین به قیمت دلار آن زمان استخراج و تبدیل شده است. ... (همان: ۱۲)

۹۱. نام‌گذاری و انتخاب واژگان باید دقیق باشد.

تعریف بی‌هدف از واژگان تحقیق از منظر رشته‌های علمی غیر مرتبط محقق را از هدف اصلی خود دور می‌کند. باید معادل‌های واژگان مورد تفکر در زبان‌های دیگر را دانست؛ اما نباید واژگان بیگانه را زبان اصلی خود کنیم. ما متعلق به ملت و تمدنی هستیم که از سنت‌های محکمی در ادبیات، حکمت و فلسفه، تاریخ، برخوردار است. چرا یک فرد دانشگاهی به جای واژه «مرحله» از واژه «فاز» Phase و یا به جای واژه « مجررا» یا «مسیر عبور ...» از واژه «کانال» Canal استفاده می‌کند؟ البته غالب این استعمالات ناگاهانه (و احتمالاً تا حد زیادی ناشی از عدم همکاری نظام‌مند اهل فرهنگ در زمینه معادل‌یابی واژگان بیگانه) هستند.

در یک رساله علمی نباید از اصطلاحات غیرتخصصی مانند استفاده از نبرد به جای جهاد و یا در متون تاریخی قدیم استفاده از ملت (Nation) به جای رعیت و یا در مطالعه تاریخ صدر اسلام استفاده از انتخابات به جای بیعت استفاده کرد.

بدون وجود دلیل موجه‌ی نباید اصطلاحات رایج در علم مورد نظر را تغییر ندید. برای مثال، صبحی صالح می‌نویسد که در زبان عرب معروف است که فرقی بین «حدثنا فلان» یا «خبرنا» یا «أَنْبَانَا»، یا «ذَكْرُ لَنَا» یا «قَالَ لَنَا» وجود ندارد. (صالح، ۱۳۸۳، ۷۰۶۹) این بیان از منظر علم الحديث اهل سنت مطرح شده است؛ اما همان گونه که مرحوم استاد غفاری^(۱) بیان داشته‌اند، در نزد علمای امامیه اصطلاحات به شکلی دقیق مطرح است که ضمن افاده تحدیث، احتمال تدلیس را از میان می‌برد. برای مثال:

حدثنی: زمانی است که شیخ را ملاقات کرده و حدیث یا کتاب را با اجازه روایت از او گرفته باشد.

حدثنا: زمانی است که حدیث را فقط در درس رسمی از او شنیده است.

خبرنی: زمانی است که شیخ را ملاقات نکرده و شیخ کتاب خود را برای او (راوی) با اجازه روایت کتاب فرستاده باشد.

خبرنا: هر کجا که برای جماعتی فرستاده باشد که بر آن‌ها قرائت شود و خود بر آن‌ها نخوانده باشد. (همان: ۹۶ پاورقی)

مثال و تمرین

دکتر محمد عابد الجابری در پایان کتابی که درباره ابن خلدون تألیف کرده است، فرهنگ اصطلاحات پرکاربردی را که ابن خلدون در مقدمه کتاب تاریخش به کاربرده برده است، در ۶۱ اصطلاح آورده است. در این بخش چند نمونه از تعاریف او را نقل می‌شود که در مطالعه آن به مواردی چون «کوشش نویسنده در ارائه مختصر و مفید مطالب»، «کوشش نویسنده در تعریف واژگان بر اساس متن مقدمه ابن خلدون؛ ولو آنکه ابن خلدون خود مستقیماً واژه را تعریف نکرده باشد.» و «کوشش نویسنده در استفاده از اصطلاحات اصلی آثار ابن خلدون و ارائه مثال‌ها، شواهد بیان و نقل قول‌های مستقیم مناسبی از آن.» توجه شود. با مطالعه نمونه تعاریف زیر، چند اصطلاح علوم قرآنی را انتخاب کنید و آن‌ها را از زاویه نگاه یک شخصیت برجسته قرآنی تعریف کنید.

توضیح:

ابن خلدون بدون در نظر گرفتن معنای تحقیر، این واژه را بسیار استعمال کرده است و مراد وی از آن، شیوه عام رفتار و سلوك قبایل منفرد و در انزوا در بادیه و

خصوصاً صحرانشینان است.

«الام الوحشية»: قبایلی که در زندگی بادیه نشینی فرو رفته، با غیر خود آمیزش نکرده و در سرزمین‌های کم آب و علف در حال کوچ اند: شتربانی منجر شده تا عرب توحش وار در صحراها و زمین‌های بی‌آب و علف بادیه زندگی کند. (ج ۳، ص ۹۲۹)

و از این‌رو: عرب بیش از دیگر ملت‌ها به بادیه نشینی متصف هستند و در دورترین دشت‌های خشک رفت‌وآمد می‌کنند. (ج ۲، ص ۴۵۶)

- «خلق التوحش»: «طبيعة التوحش»، «عوائد التوحش» ... عبارت است از تمامی صفات و ویژگی‌های روحی و جسمی که به بادیه نشینان در حال کوچ در سرزمین‌های خشک تعلق می‌گیرد. این ویژگی‌ها نتیجه شرایط طبیعی و معاش سختی است که صحرا برایشان تحمیل می‌کند. نظیر: شجاعت، کرم، زیر بار ظلم و ستم نرفتن، جنگجویی و افتخار به آن و ... (ج ۲، ص ۴۵۴-۴۵۵)

جاه:

نیرویی است که دارنده خود را بر انجام هر تصرف و عمل آزادانه در قبال همنوعان زیردستش چه با اجازه و یا منع و بازداشت قادر می‌سازد. (ج ۳، ص ۹۱۰) از این‌رو جاه در این معنا «سلطه» است.

«الجاه مفید للمال»:

ابن خلدون جاه را مهم‌ترین منبع ثروت و غنی می‌داند: ... اگر جاه توسعه داشته باشد نتایج و سود آن فراوان خواهد بود و اگر محدود باشد، به همان نسبت سود اندکی خواهد داشت.» کسانی که فاقد جاه باشند: «بهره ای بیش از حداقل زندگی نمی‌برند. (ج ۳، ص ۹۱۰)

جیل:

نسل، امت. مراد از امت، قبیله‌ای بسیار بزرگ یا مجموعه قبایلی است که از طریق «نسب» با یکدیگر در ارتباط‌اند.

الف. در این معنا ابن خلدون واژه «جیل» را استعمال کرده است.

... تفاوت قبایل و شعوب^۱ با یکدیگر در امور و احوالشان، نتیجه تفاوت ایشان در شیوه معاششان است. (ج ۲، ص ۴۰۷)

ب. گاهی این واژه به معنای اخص استعمال شده و به مرحله یا سطح معینی از مراحل و سطوح پیشرفت بشری چون شهرنشینی و تمدن دلالت می‌کند. که از زمرة این استعمالات عبارت‌اند از:

«اجیال البدو» (مراحل بادیه‌نشینی)

«اجیال الحضر» (مراحل شهرنشینی)

«جیل العرب فی الخلقه طبیعی» (ج ۲، ص ۴۰۹) و معنای عبارت اخیر آن است که اسلوب خاص «عرب و آنچه به معنای عرب افزوده می‌شود.» (م ۳۶) مرحله‌ای طبیعی در کردار پیشرفت بشری است چرا که اسلوبی در زندگی و شیوه‌ای در حیات بوده که تحت تأثیر شرایط طبیعی و معاش مناطق سکونتشان قرار دارد.

ج. الاجیال الحادثة. (ج ۲، ص ۴۸۴) به معنای نسل‌های جدید (بعدی).

حسب:

به نسب شریف و صفات و ویژگی‌های پسندیده اطلاق می‌شود و صفات نیکو در پیدایش آن اهمیت دارد:

شرف و حسب از راه خصال و ملکات نیکو حاصل می‌شود.» و «پس معنای حسب به اصل و نسب بازمی‌گردد. (ج ۲، ص ۴۳۱)

- الحسب بالحقيقة او بالاصالة: مبتنی بر ثمرة و نتیجه نسب یعنی عصیت است.

«حسب و نسب در میان خداوندان عصیت حقیقی و اصالت داراست. چرا که ایشان از «ثمرة نسب» = عصیت برخوردارند و به تفاوت عصیت - که راز بزرگی ایشان

است - خانواده در شرف و بزرگی مختلف‌اند.» (ج ۲، ص ۴۳۲) از این‌رو در نظر ابن خلدون، حسب خاص خداوندان عصیت بادیه‌نشین است.

- الحسب بالمجاز: به بزرگی حاصله از نسب که «فائد عصیت» باشد، اطلاق

می شود. این نوع حسب به شهرها اختصاص دارد.

... اگر حسب را در میان ساکنان شهرها (اهل الامصار = م ۳۸) در نظر گیریم، به این معنا خواهد بود که فردی از ایشان، آباء و اجداد خود را که متصف به خصال نیکو و همنشین نیکوکاران بوده‌اند در حسب خود بر می‌شمرد ... درحالی‌که این حسب به معنای استعمال حقیقی آن نیست. (ج ۲، ص ۴۳۲) «زیرا شرف و بزرگی حقیقی تنها به اهل عصیت اختصاص دارد. (ج ۲، ص ۴۳۳).

- الحسب بالمجاز: همچنین بر بزرگی‌ای که «موالی» (م ۵۶) و بندگان از خواجگان به دست می‌آورند، دلالت دارد.

حضرارة:

ضد «بداوة». شهرنشینی در مقابل بادیه نشینی است و حضر بر اهل شهرها یعنی افرادی که در شهرها و بلاد «حضور» دارند، دلالت می‌کند.

الف. حضارة در اصطلاح ابن خلدون عبارت است از: «تنهن در ناز و نعمت و احکام صنایع متداول در قالب شیوه‌ها و انواع گوناگون آن از قبیل امور آشپزخانه‌ها، پوشیدنی‌ها، ساختمان‌ها و گستردنی‌ها و وسایل و سایر امور خانه‌داری» (ج ۲، ص ۴۸۸) از این رو «حضرارة» بیانگر شیوه زندگی آریستوکراسی حاکمان مقیم در

پایخت و نوع زندگی از قبیل «امارة» است. یعنی جماعت حاکمی که با گذشت دورانی از زندگی در شهر، بادیه‌نشینی و خشونت آن را (م ۱۰) فراموش کرده و به صورت سربار اطرافیان خود و جامعه، مصرف‌کننده و بدون تولید درآمده‌اند.

ب. از دیدگاه ابن خلدون شهرنشینی^۱ مقرن با فرمانروایی است. پس ساکنان شهر، مردمان دولت^۲ در مرحله ناتوانی اش می‌باشند.

«امور شهرنشینی از توابع آسایش و خوش گذرانی^۳ و کشورداری و حکمرانی^۴ است.» (ج ۲، ص ۴۹۲)

۱. حضارة

۲. اهل الدولة

۳. الترف

۴. الملك

ج. رقة الحضارة: در مقابل خشونت بادیه نشینی است و به مجموعه صفات جسمی و روحی و شیوه های سلوک فردی و اجتماعی حاصله از زندگی شهرنشینی، به معنای که گذشت اطلاق می شود.

د. الحضارة مفسدة للعمران: شهرنشینی، عمران را از نظر ماده و صورت تباہ می کند. مراد از فساد ماده عمران، فساد اخلاق فرد فرد اعضای جامعه از درون (ج ۳، ص ۸۷۷) و مراد از فساد صورت عمران، فساد دولت و زوال امکانات و ابزار آن و یا به عبارت دیگر جدایی عصیت از حکمران است.

حل و عقد:

از نظر ابن خلدون اهل حل و عقد و شوری عبارت از «أهل عصیت حاکمه» (حاکمانی که دارای نیروی عصیت‌اند) می‌باشند.

... زیرا عمل شوری و حل و عقد را تنها صاحب و دارنده عصیت می‌تواند انجام دهد. کسانی که به دلیل عصیت توانایی حل و عقد و یا انجام و ترک عملی را داشته باشند؛ اما کسانی که فاقد عصیت‌اند نظیر: فقهاء، قضات ... «چه دخالتی می‌توانند در کار مشاوره و شوری داشته باشد. (ج ۲، ص ۵۷۴)

فصل چهارم

نکاتی درباره نگارش طرح‌نامه و مقاله

طرح تحقیق عبارت از گزارش جامعی از برنامه پژوهشی محقق و توصیف منظم و منطقی آن است. نحوه نگارش طرح تحقیق منعکس کننده هویت علمی پژوهش و به نوعی سند دانش و اعتبار علمی پژوهشگر است.

۹۲. بخش‌های مختلف یک طرح‌نامه

طرح‌نامه‌ها معمولاً شامل سه بخش هستند.

الف - کلیات نظری طرح پیشنهادی:

شامل:

۱. بیان مسئله
۲. مرور تحقیقات پیشین
۳. پرسش‌ها
۴. فرضیه‌ها (در صورت دارا بودن)
۵. متغیرها (در صورت دارا بودن آن‌ها)
۶. تعاریف
۷. سازمان‌دهی تحقیق

ب - روش‌شناسی:

شامل:

۱. نوع پژوهش

۲. نوع روش شناخت علمی بکار رفته در پژوهش
۳. ابزار گردآوری داده‌ها
۴. پیش‌فرضها
۵. محدوده‌ها و محدودیت‌ها

ج - اهمیت بررسی:

شامل:

۱. کاربرد پژوهش
۲. مخاطبان پژوهش
۳. نوآوری‌های پژوهش

برخی از پژوهشگران، نقاط ضعف متدالو طرح‌های پژوهشی را در شش محور خلاصه کرده‌اند. این محورها عبارت‌اند از:

۱. مسئله، بی‌اهمیت و موضوعی حاشیه‌ای است و شایستهٔ پشتیبانی مالی نیست.
۲. حدود مسئله مشخص نیست.
۳. اهداف، فرضیه‌ها و سؤال‌ها بیش از حد گستردگی تبیین شده‌اند. (کلی‌گویی موجب می‌شود تا مسئله تحقیق پیش از آنکه واقعی باشد، آرمانی و غیرقابل انجام شود. همچنین کلی‌گویی خواننده را گیج می‌کند)
۴. روش انجام پژوهش فاقد جزئیات است و کاملاً تشریح نشده است.
۵. از یک طرح ساده برای بررسی یک مسئله پیچیده استفاده شده است؛ به عبارت دیگر طرح پژوهش مناسب با مسئله نیست.
۶. محقق یا به متغیرهای مسئله نپرداخته است و یا آنکه برخی از آن‌ها را نابجا حذف کرده است. او باید نشان دهد که از وجود متغیرهای نامربوط دخیل در بررسی آگاه است و توضیح دهد که چگونه می‌خواهد آن‌ها را در طرح خود بگنجاند. (آری، ۱۳۸۰: ۶۱۷-۶۱۸)

نگارش طرح پژوهش نیازمند چندین بار ویرایش است. نباید اولین نگارش طرح پژوهشی را آخرین کار خود قلمداد کرد و باید به منظور ارزیابی طرح تحقیق خود، نوشته خود را در معرض نقد افراد آگاه و علاقمند قرار داد. یکی از رایج‌ترین اشتباهات

دانشجویان، عدم مشورت سازنده با دوستان اهل فن در زمینه طراحی طرح پژوهش است.

۹۳. تنظیم طرح نامه بر اساس پرسش‌های اصلی پژوهش است.

تا زمانی که به پرسش‌های مشخصی نرسیده‌اید، به دنبال پر کردن برگه طرح نامه پژوهشی نباشید. نگارش طرح پژوهش پس از انتخاب موضوع تحقیق و اطلاع از پرسش و مسئله خود است. بنابراین تا زمانی که پرسش تحقیق معلوم نشده و حوزه کلی و جزئی مطالعه مشخص نشده است، نباید وارد نگارش طرح تحقیق شد.

۹۴. اجزای طرح نامه پژوهش باید باهم هماهنگ باشند.

اجزای طرح پژوهش باید باهم هماهنگ باشند. باید پرسش و فرضیه آن کاملاً به هم مربوط باشند. پرسش و پاسخ باید به گونه‌ای مرتبط با یکدیگر قرار گیرند که سکوت بر آن جایز باشد. یعنی انسان مطلع باشند پرسش و پاسخ عرفا آن‌ها را در ارتباط باهم بیابند. (هر چند که می‌تواند از لحاظ مفهومی پاسخی نادرست به پرسش باشد) برای مثال، به تناسب میان پرسش، فرضیه و عنوان این پژوهش توجه شود:

عنوان پژوهش: «بررسی تأثیر استفاده از وسایل کمک آموزشی بر پیشرفت یادگیری قرآن کریم دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمایی تهران - ۱۳۸۰

پرسش: آیا میان استفاده از وسایل کمک آموزشی قرآن کریم با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمایی تهران (در سال ۱۳۸۰) رابطه‌ای علی موجود است؟

فرضیه: میان استفاده از وسایل کمک آموزشی قرآن کریم با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمایی تهران (در سال ۱۳۸۰) رابطه‌ای علی موجود است

متغیرها: متغیر مستقل (تأثیرگذار) استفاده از وسایل کمک آموزشی / متغیر وابسته (تأثیرپذیر) پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

عنوان پژوهش باید بیانگر همان موضوعی باشد که قرار است در بیان مسئله طرح شوند. متغیرهای آن باید دقیقاً همان متغیرهایی باشند که در فرضیه پژوهش به کاررفته است واژگان تعاریف انتخابی باید همان واژگانی باشند که در پرسش و فرضیه پژوهش به کاررفته‌اند. (واژگانی تعریف نشوند که اصلاً ربطی به پژوهش مربوطه ندارند!) میان انتخاب محدوده پژوهش با محدودیت‌های فرا روی محقق باید تناسب و سنتیت موجود

باشد و همه این مسایل نیازمند هماهنگی با یکدیگر هستند. هر چه این هماهنگی بیشتر باشد، بر جنبه زیبایی‌شناسی کار شما افزوده خواهد شد.

برای مثال، به نحوه ساخت عنوان پایان‌نامه توجه شود. پیش‌تر اشاره شد که عنوان بر اساس پرسش‌های اصلی پژوهش تنظیم می‌شود و بهتر است که با توجه به عرف رساله‌های پژوهشی بهتر است که عنوان تحقیق از ۱۶ کلمه فراتر نرود. در ساخت عنوان پژوهش باید از رساله‌این واژگان استفاده کرد و در صورتی که مطالعه به شکل «مقایسه‌ای» (میان دو نظریه، دو اثر، دو پدیده و ...) باشد، عنوان باید منعکس کننده طرفین و وجه مقایسه باشد؛ مانند: «بررسی مقایسه‌ای عوامل پیشرفت و انحطاط جوامع اسلامی در اندیشه امام خمینی و علامه طباطبایی»

پس از انتخاب عنوان بهتر است آن را برای دوستان اهل فن بازگو کرد و بررسی کرد که آیا آنچه آن‌ها دریافته‌اند، همان مراد نویسنده بوده است؟ یا خیر؟

اهمیت انتخاب عنوان در آنجاست که عنوان در فهرست‌های کتاب‌شناسی ثبت می‌شود و بهترین عنوان پژوهش، عنوانی است که به راحتی توسط علاقمندان به موضوع پیدا شود. یک عنوان خوب باید بتواند محدوده تحقیق را به روشنی بیان کند. (محدوده موضوع، محدوده مکانی، محدوده زمانی) در صورت لزوم می‌توان از عنوان فرعی در داخل دو قوس () و حروف با اندازه کوچک‌تر استفاده کرد.

بخش بیان مسئله نیز در واقع تشریح پرسش اصلی پژوهش است. در بخش بیان مسئله اشاره می‌شود که کسب چه معرفتی برای محقق مطرح است؟ و جایگاه این معرفت در قبال کارهای انجام یافته و موجود کجاست؟ باید توجه داشت که هرچند محقق از موضوع کار خود مطلع است، اما خواننده از آن بی اطلاع است و از این رو باید قدم به قدم او را مطلع کرد. (ناگهان مسئله را از نیمه راه آغاز نکرد.) برای نگارش بیان مسئله، باید با در نظر گرفتن پرسش اصلی، آن را حداقل در ده سطر توضیح داد. این پرسش به چه معناست؟ محقق در نگارش بیان مسئله باید به مخاطب خود نشان دهد که به موضوع کاملاً آگاهی دارد. بعد از اشاره‌ای مختصر به آنچه تاکنون صورت گرفته است (ادبیات موجود) ویژگی‌ها و مشخصات کار خود را در عباراتی کوتاه و بامعنا بیان کند. پس از نگارش اولین متن، آن را با مشورت با دوستانه بارها و بارها ویرایش کنید تا متنی بدون

ابهام و اشکال آماده شود.

در بخش مرور پیشینه پژوهش نیز باید تنها بر مهم‌ترین و شایسته‌ترین پژوهش‌های مرتبط با طرح‌نامه متمرکز شد و از آنجا که هدف فصل فروشی نیست، تنها به ارائه اطلاعاتی پرداخت که مستقیماً به موضوع مربوط می‌شوند. می‌توان تحقیقات پیشین را با ترتیب موضوعی و به صورتی تخصصی و کاربردی بیان کرد. برای مثال، در پیشینه پژوهشی درباره «مفهوم زمان در قرآن» به چهار دسته مطالعات اشاره شده است:

۱. مطالعات کلامی،

۲. مطالعات فلسفی (کلاسیک / معاصر)،

۳. مطالعات ستاره‌شناسی و

۴. مطالعات روانشناسی. (بابا عیمی، ۲۰۰۰: ۲۰۱۹)

این را نیز باید در نظر گرفت که به لحاظ کار پژوهشی، بررسی پیشینه تحقیق مقدم بر تدوین طرح تحقیق است؛ اما از نظر ارائه گزارش در پایان نامه می‌تواند پس از طرح تحقیق واقع شود. هر چه گزارش پیشینه تحقیق یک طرح‌نامه جامع‌تر باشد، ضریب اطمینان به پژوهش مذکور بیشتر خواهد بود. مراد از پیشینه تحقیق، رسیدن به پاسخی برای این پرسش‌های است: آیا در زمینه مورد نظر، پیش‌تر کاری انجام‌شده است؟ آیا پژوهشگران قبلی همان مسئله را تشخیص داده‌اند؟ چگونه به حل مسئله پرداخته‌اند؟ چه جنبه‌هایی از مسئله به اندازه کافی پرورانده نشده است؟

مطالعه ادبیات نظری و سوابق پژوهشی مرتبط با مسئله برای محقق فواید بسیاری را به همراه دارد:

۱. اشراف بر موضوع تحقیق

۲. جلوگیری از دوباره کاری

۳. آشنایی با مفاهیم و اصطلاحات مشابه در دیگر تحقیقات

۴. شناسایی روابط علت و معلولی

بهتر است که بخش پیشینه تحقیق در صورت داشتن حجم بالای مطالب آن، به صورت فصلی مجزا ضمیمه طرح‌نامه شود. در این صورت این بخش بر دو قسم است:
الف- کتاب‌شناسی مهم‌ترین آثار موجود. در زمینه مد نظر چه آثاری موجود است.
می‌توان آن را فهرست‌وار و با ترتیب الفبایی بیان کرد.

ب- بیان خلاصه‌ای از مهم‌ترین نظریه‌های یادشده.

بنابراین توصیه می‌شود که در این بخش از نگارش طرح تحقیق، ابتدا موضوع یا موضوعات پژوهش خود را مشخص کرده، (رفتار دانش آموزان یک مدرسه؛ اعراب قرآن؛ دیدگاه علامه طباطبایی؛ اخبار تاریخی؛ تفسیر قرآن؛ و ...) سپس مناسب با موضوع تحقیق، منابع شناختی ایشان را بیان داشته و روش منتخب خود در قبال منابع فوق را بیان کنید. توجه داشته باشید که مهم‌ترین موارد ارزیابی رساله شما به صحت روش انتخابی آن بازمی‌گردد.

همچنین در این بخش ابزار و وسائل مورد نیاز پژوهش (و در برخی از پژوهش‌های عملی، نوع پرسشنامه) بیان می‌شود. در جریان پژوهش، اگر از پرسشنامه استفاده شده باشد، حتماً نمونه‌ای از آن در ضمیمه کلیات طرح پژوهشی آورده می‌شود. (گاه نمونه‌ای از آن را در پایان رساله پژوهشی می‌آورند). و در ادامه نوع مطالعه بیان می‌شود.

۹۵. محدودیت حجم مقاله (حداکثر ۷۰۰۰ واژه)

خیر الکلام، ما قل و دل
کم گوی و گزیده گوی چون در

مقاله علمی گزارش دستاوردهای یک تحقیق است که در عرف بیش از سه صفحه تنظیم می‌شود. عُرف رایج در مجلات علمی - پژوهشی مابین ۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰ هزار واژه و مقاله به معنای عام حداقل ۲۰۰۰ کلمه است. پژوهشگر زمانی مبادرت به نگارش مقاله علمی می‌کند که تحقیق خود را به پایان رسانده باشد. این گزارش ممکن است جهت ارائه به یک همایش علمی یا موسسه‌ای پژوهشی و یا سازمانی اداری، انتشار به صورت چاپ در یک کتاب (مجموعه مقالات و یا مقاله‌ای در یک دایرةالمعارف و ...) و یا رایج‌ترین حالت آن یعنی انتشار در یک فصلنامه و نشریه تخصصی تهیه شود. برای یافتن مجلات معتبر علمی به پایگاه‌های اینترنتی زیر مراجعه شود:

- دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم تحقیقات و فناوری)
<http://journals.msrt.ir>

- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

<http://www.sid.ir/fa/index.asp>

- بانک اطلاعات نشریات کشور (بخش نشریات دارای اعتبار علمی)

<http://www.magiran.com>

۹۶. نگارش مقاله به معنای اتمام پژوهش است.

مقاله گزارش پژوهش است. بنابراین بهتر است تا بار دیگر با اشاره به مراحل مختلف یک تحقیق، جایگاه نگارش مقاله را در آن را شناسایی کنیم. مراحل یک پژوهش علمی عبارت اند از:

- **مطالعات اکتشافی به جهت یافتن موضوع.** البته موضوع می تواند به سفارش و یا پیشنهاد موسسه یا نشریه ای ادواری صورت پذیرد؛ اما پذیرش آن باید با علاقه معطوف به تخصص نویسنده همراه باشد. موضوع خوب موضوعی است که به رشد فرهنگ و ارتقای علوم اسلامی در جامعه یاری می رساند. به جهت نیل به چنین هدفی، محقق باید مطالعه ادبیات موجود و پیشینه تحقیق خود را دست کم نگیرد.

- **کار بر روی پرسش تحقیق (و احياناً فرضیه های مرتبط)** در فصول قبلی این کتاب اشاره شد که هر چه اصالت یک پرسش بیشتر باشد، احتمال موفقیت و برجستگی آن بیشتر خواهد بود. بنابراین هیچ گاه در یافتن بهترین پرسش تحقیق، تعجیل نکنید.

- **نگارش طرح اولیه مقاله:** برخلاف رساله های دانشگاهی که دارای بخش خاصی با عنوان کلیات طرح تحقیق هستند، طرح تحقیق مقاله عیناً در آن آورده نمی شود و تنها مهم ترین موارد آن در مقدمه مقاله به شرحی که می آید، بیان می شوند.

- **بررسی مدارک و منابع تحقیق** در صورتی که با انجام تحقیق کافی به این نتیجه رسیده است که فاقد منابع کافی برای پژوهش هستید، در طرح پرسش های تحقیق متناسب با امکانات موجود تجدیدنظر کنید.

- **جمع آوری داده ها با هدف یافتن پاسخ تحقیق** یادداشت نویسی را به صورت هدفمند انجام دهید. دقیقاً بدانید که چرا برخی از مطالب را می نویسید و برخی دیگر را نمی نویسید. نظام یادداشت نویسی مرتب و منظمی ایجاد کنید. یادداشت ها را به صورت منظم، هر یک در داخل پوشه ای عنوان دار و پوشه ها را در داخل پرونده های

مربوطه قرار دهید. همواره به گونه ای عمل کنید که بتوانید بعدها نیز از حاصل زحمات یادداشت نویسی خود استفاده کنید پس یادداشت نویسی باید در نظامی کلی تر و درازمدت (و نه مقطعي) تعریف شود.

- **تحلیل داده ها بر اساس روش شناسایی صحیح و متقن**، در این زمینه به نکات زیر توجه کنید: ۱. تحلیل داده های جمع آوری شده خود را بر اساس یک روش شناسی مشخص و تعریف شده انجام دهید. ۲. از خلط مباحث خودداری کنید.

- **نتیجه گیری نهایی**.

- **مرحله نگارش و ویرایش آخرين مرحله** یک پژوهش، مرحله نگارش آن است. از اين رو صورت مسئله یک مقاله نويس چنین است:

~ تحقیق را انجام داده ام،

~ محتوای مطالب را در اختیار دارم،

~ حال آن را در چه قالبی به صورت مقاله علمی درآورم؟

برای رسیدن به بهترین پاسخ، ابتدا بررسی شود که مناسب ترین مکان چاپ مقاله شما در کجاست؟ چه مخاطبانی را برای تحقیق خود مناسب می دانید؟ ضمن اینکه ممکن است که مقاله را به سفارش مؤسسه ای علمی تهیه کنید. همه نشریات علمی و نیز مؤسسات معتبر پژوهشی دارای شیوه نامه مخصوص به خود در جهت نگارش مقاله هستند. بنابراین:

۱. بهترین شیوه منحصر در یک شیوه نبوده و به اقتضای موضوع مقاله و محل چاپ آن شیوه های علمی متعددی موجود است.

۲. بهترین شیوه نگارش مقاله، شیوه نامه فصلنامه و یا موسسه معتبری است که قصد چاپ آن را دارد.

به طور کلی در جریان نگارش یک مقاله به موارد زیر توجه کنید:

معمولًاً مقالات علمی شامل سه بخش هستند:

الف - طبیعه مقاله: که شامل بیان چهار عنصر اساسی است:

۱. عنوان مقاله،

۲. نام نویسنده (و یا نویسنده گان) به همراه بیان میزان تحصیلات،

۳. بیان چکیده مقاله، (که مشتمل بر خلاصه ای کلی از هدف، روش علمی و نتیجه

نهایی تحقیق را به صورت جملات کوتاه در حداقل ۱۵۰ تا ۲۰۰ واژه است.

۴. کلید واژگان تحقیق. (بیان واژگان مهم تحقیق که محور مفاهیم تحقیق بر گرد آن هاست).

ب - متن اصلی مقاله: که شامل عناصر زیر است:

۱. مقدمه (طرح مسئله): شامل بیان مختصری از پیشینه، اهداف، پرسش ها و تبیین روش شناسی محقق است.

۲. لازم است تا انتخاب عناوین بخش های مختلف یک مقاله هماهنگ با مسئله باشند.

۳. گزارش تحقیق: شامل بیان بررسی ها، اسناد، دلایل موافق و مخالف و ... می شود که در طول تحقیق از سوی محقق صورت پذیرفته است.

ج - نتیجه گیری نهایی:

مشتمل بر بیان یافته های تحقیق بر مبنای مطالب موجود در متن اصلی مقاله است. در جریان نگارش مقاله خود کمتر از نقل قول مستقیم استفاده کنید.

۱. هیچ گاه مطالب را بدون تأمل و تحلیل به همدیگر ارتباط ندهید.

۲. از آنجا که محدوده نگارش و تنظیم مقالات محدود است، بکوشید تا هر سطری از تحقیقتان در خدمت یافتن پاسخ پرسش تحقیق باشد.

۳. از به کار بردن جملاتی با مضماین و محتوای یکسان پرهیز کنید.

۴. مقالات علمی بر اساس منطق و برهان محکم و نه تخیل و عاطفه هستند.

۵. در مقالات علمی به رعایت اصطلاحات علمی توجه کنید.

۶. در استنباط و استنتاج مطالب دقیق باشید.

۷. نگارش هر مقاله نیازمند حداقل به سه بار ویرایش از سوی نویسنده است. در زمان ویرایش به این موارد توجه کنید:

الف - ساختار بیانی نوشتار،

ب - غنای محتوای مفهومی متن،

ج - نحوه استنادات ارجاعی و توضیحی در متن.

در اینجا خلاصه وار، برخی از موارد مهمی که منجر به موفقیت یک مقاله می شوند و

در اثنای موارد پیشین به آن ها اشاره شد، بازگو می شوند که عبارت اند از:

- بدیع بودن و تازگی موضوع،
- کوشش در جهت رفع نیازهای معرفتی جامعه،
- استفاده از منابع دست اول،
- دقت در نقل قول و رعایت امانت علمی،
- رعایت وحدت رویه: نتیجه گیری مقاله، منطقی ترین پاسخ به پرسش مقاله باشد.
- رعایت وحدت رویه: عنوان مقاله همانگ با پرسش های مطروحه در آن تنظیم شود،
- رعایت وحدت رویه: استفاده از روش شناسی صحیح و مناسب با موضوع مورد نظر،
- رعایت وحدت رویه: رسم الخط نوشتار یکدست و یک نواخت باشد،
- خلاقیت در طرح پرسش های تحقیق،
- پرورش کافی مفاهیم،
- روان و سلیس بودن نوشتار و ویرایش مناسب مقاله

۹۷. نتیجه گیری پاسخ پرسش های اصلی و یا بیان صحت و سقم فرضیه هاست.

نتیجه گیری مقاله باید مبتنی بر مباحث موجود در مقاله و نه خارج از آن باشد. در ارائه نتیجه گیری نباید شتاب زده عمل کرد. نتیجه گیری هر تحقیق چیزی جز پاسخ به پرسش های اصلی آن تحقیق نیست. پیش از آماده شدن مقدمات مورد نیاز، اقدام به نتیجه گیری نکنید.

۹۸. نگارش بندها (پاراگراف ها) باید هدفمند باشند.

هر مقاله از مجموعه ای از بندها (پاراگراف ها) تشکیل شده است و هر پاراگراف از مجموعه ای از جملات تشکیل شده است. هر بند باید یک مضمون مشخص را دنبال کند؛

بنابراین از میان جملات هر بند، یک یا چند جمله کلیدی است که نقش انتقال مضمون اصلی را بر عهده دارند. جملات دیگر در ربط پاراگرافها به یکدیگر و یا ارائه شواهد و دلایل و استنادها به یاری جملات کلیدی می‌آیند؛ بنابراین:

- باید از نگارش بندهای غیرضروری اجتناب شود.
- پاراگرافها باید به گونه‌ای به هم متصل شوند که با خواندن مقاله این احساس به خواننده منتقل نشود که اجزای مقاله باهم مرتبط نیستند و یا در چنینش مطالب رعایت اصل اول مقدمات لازم سپس نتیجه‌گیری نشده است.

۹۹. سهل‌الوصول بودن مطالب مقاله

مطالب مقاله باید سهل‌الوصول باشد. برخی گمان می‌کنند که اگر به گونه‌ای بنویسند که مطلب در دسترس خواننده نباشد بر اهمیت مقاله افزوده اند و از این رو از تعابیر سخت و ناماؤس استفاده می‌کنند و خواننده را با نقل قول‌های طولانی معطل می‌کنند؛ این در حالی است که هدف از نگارش مقاله انتقال مطالب به خوانندگان است. پس نویسنده باید متناسب با سطح خوانندگان مورد نظرش (نوجوانان و یا اهل فضل و کمال) به بهترین صورت اطلاعات خود را منتقل کند.

برای این کار باید موضوع را در دسته‌بندی‌های مشخصی ارائه کرد.

استفاده از جداول و نمودارها می‌توانند در این زمینه بسیار کمک کنند؛ به ویژه آنکه خواننده با یک نگاه متوجه اصل موضوع می‌شود.
باید در مقدمه مقاله نقشه و نمای کلی از مقاله یا کتاب به خواننده ارائه شود.

۱۰۰. پایان هر پژوهش ارائه رهنمود به آیندگان است.

پژوهشگر باید در پایان کتاب یا پایان نامه خود به اختصار نقشه راه آیندگان را ترسیم کند و پیشنهادهایی عملی برای گسترش حوزه علمی پژوهش ارائه دهد. از همین رو معمولاً پژوهش‌های خوب متنضم تأملاً تی درباره آینده پژوهش هستند که به عنوان راهنمایی برای دیگر پژوهشگران به شمار می‌روند.